اولین روزنامه سهامداری ایران (خبرنگاران و کارکنان)

صمت
صنعت معدن تجارت

شنبه
• ۲۴ تیر ۱۴۰۲
• ۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۴
• ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۳

• سال سی‌وپنجم شماره پیاپی ۳۶۷۸ • دوره جدید سال نهم شماره ۲۳۶۰ • ۱۶ صفحه • قیمت: ۵۰۰۰ تومان

www.smtnews.ir - http://Telegram.me/smtnews



سرمقاله


رفاه اجتماعی بخشی از عدالت است ۲


صنعت خودرو رقابت‌پذیر و تامین اجتماعی ۴

یادداشت‌های امروز


تضییع حقوق همه ایرانیان ۶


داستان درام همسان‌سازی ۱۱


شناسایی دقیق قشر آسیب‌پذیر ۱۶

گفت‌وگو


پرونده بیمه قالیبافان هنوز باز است ۸

پرونده ۲۵ تیر روز تامین اجتماعی و بهزیستی

رفاه اجتماعی، اصل فراموش‌شده



نمایش ناتمام بیمه تامین اجتماعی برای تولید ۴
بروکراسی نظام تامین اجتماعی دردسرساز شد ۵
مجازات معدنچی برای جرم کارفرما ۶
تعامل حرف اول و آخر را می‌زند ۷
سالمندان کدام کشورها زندگی راحت‌تری دارند؟ ۹
کارگران ساختمانی زیر چتر بی‌توجهی ۱۰
بلاتکلیفی بازنشستگان کارگری ۱۱
سازمان تامین اجتماعی متعلق به کارگران است ۱۲
بی‌محلی به قانون ۱۳
سونامی ورشکستگی دور از انتظار نیست ۱۴

طرح: صمت

ZARSHOURAN
شرکت گسترش صنایع و صنایع صنعتی زرشوران

آگهی تجدید فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی»
"خرید و تحویل ۲۱،۲۱۶ (بیست و یک هزار و دویست و شانزده) لیتر روغن و ۲،۵۲۰ (دو هزار و پانصد و بیست) کیلوگرم گریس مصرفی خط تولید"

شناسه آگهی: ۱۵۲۶۲۶۴ م الف / ۱۴۹۳

شرح در صفحه ۷

صبانور
شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور

تمدید آگهی مناقصه عمومی

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور به شماره ثبت ۱۲۹۲۶۶ و شماره اقتصادی ۴۱۱۱۵۸۳۷۸۳۴۸ در نظر دارد حمل داخلی خود در استان همدان و کردستان را با مناقصه عمومی به پیمانکاران اجرای فعالیت‌های حمل در مجتمع واجد شرایط واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه جزئیات آن به سایت شرکت صبانور به آدرس www.sabanour.com مراجعه نمایند و یا با شماره ۲۷۶۴۵۳۰۵ تماس حاصل نموده و اسناد و اطلاعات مربوطه را دریافت کنند.

متقاضیان شرکت در این مناقصه می‌توانند پیشنهاد خود را تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۸ آدرس: تهران - سعادت‌آباد - خیابان ۲۶ (حق‌طلب غربی) - پلاک ۴۹ طبقه ۳ - دبیرخانه ارسال یا تحویل نمایند.

مناقصه‌گزار اختیار کامل در زمینه رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات را داشته و هیچ گونه ادعا و اعتراضی در این زمینه پذیرفته نخواهد بود.

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام)

شرکت معدن کار باختر

«آگهی افزایش سرمایه و استفاده از حق‌تقدم سهام»

شرکت معدن کار باختر (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۵۷۳ و شناسه ملی به شماره ۱۰۸۶۱۶۷۰۰۱۶

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران این شرکت می‌رساند در راستای مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ مبنی بر افزایش سرمایه و رعایت مواد ۱۶۶ لغایت ۱۷۰ قانون تجارت و تفویض اختیار عملی نمودن افزایش سرمایه به هیات‌مدیره، نظر به اینکه مقرر است سرمایه شرکت از مبلغ ۸،۰۰۰،۰۰۰ میلیون ریال منقسم به ۸،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ سهم یکهزار ریالی با نام به مبلغ ۱۸،۰۰۰،۰۰۰ میلیون ریال منقسم به ۱۸،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ سهم یکهزار ریالی با نام که از محل مطالبات حال شده و آورده نقدی (مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ میلیون ریال، معادل ۱۲۵ درصد از محل مطالبات حال شده و آورده نقدی) افزایش یابد لذا هر یک از سهامداران محترم شرکت که تمایل به حضور در افزایش سرمایه را دارند می‌توانند حداکثر ظرف مدت ۶۰ روز از تاریخ نشر این آگهی از حق‌تقدم متعلقه خود استفاده نموده و اعلامیه قبولی خود به منظور شرکت در افزایش سرمایه مذکور را به دفتر شرکت واقع در: همدان، کیلومتر ۳۵ جاده سنندج، روستای باباعلی، معدن سنگ‌آهن باباعلی تسلیم نمایند.

بدیهی است پس از انقضاء مهلت قانونی مقرر، هیات‌مدیره مجاز خواهد بود حق‌تقدم‌های استفاده نشده بابت افزایش سرمایه و پاره سهم‌های ایجاد شده را به سایر متقاضیان اعم از حقیقی یا حقوقی واگذار و این انصراف بمنزله سلب حق‌تقدم خویش در استفاده ناشی از این افزایش سرمایه می‌باشد.

هیات‌مدیره شرکت معدن کار باختر (سهامی خاص)

معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن

جمهوری اسلامی ایران
وزارت صنعت، معدن و تجارت
اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان مرکزی

شناسه ۱۵۲۹۱۵۳

آگهی مزایده عمومی محدوده‌های معدنی

اداره کل صمت استان مرکزی

اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان مرکزی در نظر دارد نسبت به برگزاری مزایده عمومی محدوده‌های معدنی - تیرماه ۱۴۰۲ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir اقدام نماید. متقاضیان می‌توانند از ساعت ۸:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۴ لغایت ساعت ۱۳:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۰ نسبت به دریافت اسناد مزایده از سامانه ستاد اقدام نمایند. زمان بازگشایی پاکات و اسناد مزایده روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۱ راس ساعت ۱۰ صبح در محل اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان می‌باشد. متقاضیان محترم می‌بایست جهت شرکت در مزایده نسبت به ثبت‌نام در سامانه مذکور و تهیه گواهی امضاء الکترونیکی (توکن) از دفاتر منتخب پیشخوان دولت اقدام و در مزایده بصورت الکترونیکی از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت با استفاده از نام کاربری و پسورد خود، شرکت نموده و نسبت به دانلود اسناد در مهلت مقرر اقدام نمایند. متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر درخصوص این سامانه می‌توانند با شماره تماس ۴۱۹۳۴ -۰۲۱ پشتیبانی سامانه ستاد تماس حاصل نموده و «صرفاً جهت اطلاع و مشاهده اطلاعات مزایده» از روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۴ به آدرس الکترونیکی mkz.mimt.gov.ir سازمان صنعت، معدن و تجارت استان مرکزی مراجعه نمایند. متقاضیان می‌بایست تمامی مدارک مورد نیاز را از طریق سامانه ستاد حداکثر تا ساعت ۱۳ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۰ بارگذاری و ارسال و همچنین نسخه فیزیکی پاکات الف، ب و ج را تا ساعت ۱۳ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۰ تحویل دفتر حراست اداره کل صمت استان مرکزی واقع در اراک انتهای خیابان قیام اداره کل صمت مرکزی نمایند.

تذکر: تمامی فرایندهای برگزاری مزایده به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) بوده و کلیه متقاضیان بایستی اسناد و مدارک مزایده را به دقت مطالعه و قبل از پایان مهلت اعلام شده، نسبت به بارگزاری اسناد و اعلام پیشنهادات اقدام نمایند، پس از اتمام مهلت ارائه پیشنهادات هیچگونه مدرک فیزیکی و الکترونیکی دیگری از شرکت‌کنندگان اخذ و پذیرفته نخواهد شد.

روابط عمومی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان مرکزی

معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن

سرمقاله



رفاه اجتماعی بخشی از عدالت است

ناصر بزرگمهر
nbozorgmehr@yahoo.com
به نام او که هرچه بخواهد همان می‌شود

اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت می گوید: برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و... حقی همگانی است؛ همچنانکه اصل ۳۰ قانون اساسی دولت را موظف می کند که وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد. اصل ۳۱ قانون اساسی نیز می‌گوید: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است.

اصل ۴۳ قانون اساسی تصریح می‌کند: تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او و تامین نیازهای اساسی مثل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه است.

یکی از مدیران عامل صندوق بازنشستگی کشوری چندی قبل گفته بود: بر ما کارشناسان، مدیران و علاقه‌مندان حوزه رفاه و بازنشستگی است که به سهم خود در تحقق کاملِ اصل ۲۹ تلاش کنیم. وی با اشاره به تاریخ انقلاب اسلامی و کنکاش در ریشه‌های آن تاکید کرده بود: «اعتراض» به چارچوب‌های ناعادلانه اجتماعی یکی از موتورهای محرک شکل‌گیری انقلاب و عدالت اجتماعی یکی از اهداف و شعارهای اصلی آن بوده است.

او افزوده بود: با همه تاکیدات و وجود همه صراحت‌های قانونی، اصل ۲۹ قانون اساسی تا اردیبهشت سال ۱۳۸۳ و تصویب قانون «ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی» به‌طور کامل اجرا نشده بود. ایشان ادامه داده بود: هرچند امروز مسیر و جهت گیری برای اجرای اصل ۲۹ و برقراری نظام جامع رفاه، مطابق با جهت گیری‌های قانون اساسی، فراهم است، اما متاسفانه باید اذعان کرد هنوز راهی طولانی در این مهم پیش روست، زیرا طی سال‌های گذشته باوجود تصویب قانون، موانع اجرای این قانون پیش‌برنده پابرجا مانده و هنوز نمی‌توان ادعا کرد کشور توانسته «آرمان قانون اساسی» در برقراری یک نظام جامع رفاهی را محقق کند.

معاون مرکز پژوهش‌های مجلس هم در همان جلسه گفته بود: دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند.

به‌نظر می‌رسد قوانین وجود دارند و حرف‌های خوب هم همیشه بیان می‌شود، اما اتفاق خاصی برای مردم رخ نمی‌دهد.

رفاه اجتماعی در دوره‌های گوناگون یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در محافل علمی و سیاسی و تاریخی همه جوامع بوده است و در گذشته‌های دور ارائه خدمات رفاهی ازسوی حاکمان نه به‌صورت حق مردم، بلکه به‌عنوان لطف شاهان به رعیت و ملت انجام می شد که می توان نشانه‌هایی از آن را در دوران حکومت مادها و پادشاهان ایران باستان هم مشاهده کرد.

پس از انقلاب هم باوجود ذکر حقوق مرتبط با رفاه اجتماعی در قانون اساسی، به سازکارهای ضمانتی آن پرداخته نشده و بنا به گفته حقوقدانان، برای مردم حق دادرسی علیه دولت در زمینه حق‌های رفاهی به رسمیت شناخته نشده و فاقد رویه‌های قضایی در این زمینه هستیم.

رفاه اجتماعی یکی از دستاوردهای تجربه بشری بعد از دوران رنسانس است. هر فردی در دوران زندگی خویش باید از حداقل نیازهای اجتماعی برخوردار شود که در کشورهای مختلف و براساس قوانین، امکانات وشرایط پیشرفت و نوع حاکمیت، متفاوت است.

عدالت اجتماعی را علاوه بر خواسته حقوقی مردم، شاید بتوان یکی از مهم‌ترین مبانی همه ادیان دانست. خداوند نیز در قرآن هدف از رسالت پیامبران را اقامه قسط و عدل می‌داند. در اسلام هم تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود که منجر به فقر عده بسیار دیگری شود، بسیار نکوهیده شده است.

حضرت علی (ع) بارها در نامه معروف خود به مالک اشتر به او سفارش می‌کند که به مسکینان و فرومانده‌گان سهمی از بیت‌المال را اختصاص دهد و نیاز یتیمان و سالخوردگان را برطرف ساخته و آنها را در ورطه فقر تنها نگذارد.

زکات، خمس،کفارات، انفاق، صدقه، احسان، فطریه، وقف، نذر، وصیت، قرض‌الحسنه و موارد دیگرجزو مصادیق رفاه و تامین اجتماعی هستند.

اساسا انواع کمک‌های نوع‌دوستانه و خیریه را می‌توان در احکام دین با موضوع رفاه اجتماعی بررسی کرد.

در نظام جدید حاکمیت دولت‌ها در جهان و شکل گرفتن نظام‌های اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد، ثروتمندان، ثروتمندتر شده‌اند، به‌همین دلیل نظام‌های حقوقی در همه دولت‌ها به‌گونه‌ای طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند که قدرت ثروتمندان را تا حدی، حتی به ظاهر، محدود سازند و با گسترش ثروت ملی بر سطح رفاه مادی مردم تاثیر گذاشته و شرایط بهتری را برای اقشار متوسط و فقیر جامعه مهیا سازند.

در جوامعی که دموکراسی و رشد فرهنگی و حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی و سواد عمومی بالاتر است، فرهنگ نوع‌دوستی و مساوات‌طلبی و سطح رفاه عمومی هم بالاتر است. در اجرای اصل ۲۹ و بندهای دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در جهت ایجاد انسجام کلی در سیاست‌های رفاهی، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی در مواردی از قبیل بازنشستگی، ازکارافتادگی، فوت، بیکاری، پیری، درراه‌ماندگی، بی‌سرپرستی، آسیب‌های اجتماعی، حوادث و سوانح، ناتوانی‌های جسمی و ذهنی و روانی، بیمه خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی، حمایت از مادران به‌ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند، حمایت از کودکان و زنان بی‌سرپرست، ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده و خودسرپرست، کاهش نابرابری و فقر و امداد و نجات تعریف شده است. برخورداری از تامین اجتماعی به‌نحوی که در این قانون می‌آید حق همه افراد کشور و تامین آن، تکلیف دولت محسوب می‌شود و آثار و تبعات منفی احتمالی ناشی از اقدامات دولت، از جمله مصادیق رویدادهای اقتصادی و اجتماعی در مسئولیت دولت است. رفاه و تامین اجتماعی، از حقوق شهروندی است؛ همچنانکه آرامش، شادابی و امید به آینده‌ای بهتر، خودسازی معنوی و توان‌افزایی اجتماعی، برخورداری از زندگی امن و آرام، داشتن فرصت و امکان برای همراهی بیشتر با خانواده، تفریح، ورزش و گردشگری حق هر شهروند است.

رفاه اجتماعی، اصل فراموش‌شده

حوزه تامین اجتماعی حوزه‌ای است که با رشد اقتصادی، عدالت‌اجتماعی، کرامت انسان و سرافرازی ملی پیوستگی کامل دارد؛ برهمین‌اساس، عملکرد سازمان تامین‌اجتماعی باتوجه به تاثیرگذاری بر متغیرهای مختلف اقتصادی و اجتماعی، بر تحقق سیاست‌های کلان اقتصاد تاثیر بسزایی دارد.

برخی کارشناسان مهم‌ترین مصادیق این تاثیرگذاری و تاثیرپذیری را توزیع مجدد درآمد، افزایش تولید به‌واسطه تامین آرامش فکری کارفرمایان و بیمه‌شدگان مولد و شاغل در کارگاه‌ها، جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در بخش تولید و مواردی از این دست می‌دانند که در نهایت منجر به امنیت انسان به‌عنوان محور توسعه و گسترش رفاه اجتماعی می‌شود.

سازمان تامین‌اجتماعی، یک سازمان بیمه‌گر اجتماعی است که ماموریت اصلی آن، پوشش کارگران مزد و حقوق‌بگیر (به‌صورت اجباری) و صاحبان حرف و مشاغل آزاد (به‌صورت اختیاری) است. براساس قانون، سازمان تامین‌اجتماعی یک سازمان عمومی غیردولتی است که بخش عمده منابع مالی آن از محل حق بیمه‌ها (با مشارکت بیمه‌شده و کارفرما) تامین می‌شود و متکی به منابع دولتی نیست، به‌همین‌دلیل، دارایی‌ها و سرمایه‌های آن متعلق به اقشار تحت‌پوشش در نسل‌های متوالی است و نمی‌تواند قابل‌ادغام با هیچ‌یک از سازمان‌ها و موسسات دولتی یا غیردولتی باشد.

تکیه‌گاه اصلی سازمان تامین‌اجتماعی مشارکت سه‌جانبه کارفرمایان، بیمه‌شدگان و دولت در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری‌های کلان و تامین منابع مالی است. اصول و مبانی بیمه‌گری این سازمان به‌نحوی تنظیم شده است که بین اهداف اصلی آن با اهداف کلان نظام اقتصادی کشور همسویی کامل وجود دارد.

سازمان بهزیستی کشور نیز به‌موجب لایحه قانونی سال ۱۳۵۹ با هدف تحقق مفاد اصول ۳، ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برای تحقق عدالت‌اجتماعی تشکیل شد. در واقع، بهزیستی، سازمانی فرهنگی، اجتماعی و امدادی است که به‌منظور حفظ ارزش‌ها و کرامات انسانی، مجموعه خدماتی را ارائه می‌دهد.

همچنین، این سازمان با تکیه بر مشارکت مردمی و همکاری سازمان‌ها، در راه گسترش خدمات توانبخشی، امدادی، بازپروری و کمک به تامین حداقل نیازهای گروه‌های کم‌درآمدی که قادر به توانایی و خودکفایی اقتصادی نیستند، فعالیت می‌کند.

۲۵ تیر در تقویم رسمی کشور ما «روز تامین‌اجتماعی و بهزیستی» نام‌گذاری شده است؛ برهمین‌اساس در پرونده این شماره صمت به تشریح جایگاه و کارکرد این حوزه در بخش‌های مختلف صنعت، معدن و تجارت پرداخته و مشکلات کارگران و کارفرمایان را بررسی کرده‌ایم.

نظرگاه

نگاهی به سیاست‌های تامین‌اجتماعی در برنامه هفتم



علی حیدری ـ کارشناس رفاه و تامین‌اجتماعی: نگاهی اجمالی به مفاد برنامه هفتم توسعه، بیانگر این است که تحقق سیاست‌های کلی تامین‌اجتماعی در دستور کار متولیان تدوین متن لایحه برنامه هفتم توسعه قرار نداشته است.

این در حالی است که طبق بند ۵ سیاست‌های کلی برنامه هفتم، دولت باید نسبت به شکل‌دهی نظام جامع، همگانی، فراگیر و چندلایه تامین‌اجتماعی مبتنی بر لایه‌بندی (لایه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای) و سطح‌بندی (سطوح پایه، مازاد و مکمل) اقدام کند.

همچنین به‌موجب بند ۵ سیاست‌های کلی تامین‌اجتماعی دولت باید نسبت به بسط و تعمیم کامل و ایجاد فراگیری صددرصدی پوشش‌ها و خدمات امدادی و حمایتی و سطح پایه لایه بیمه‌های اجتماعی با تضمین و تامین مالی از محل منابع عمومی برای اقشار فرودست جامعه براساس آزمون وسع اقدام می‌کرد که این امر نیز در احکام لایحه برنامه هفتم توسعه مشاهده نمی‌شود و در هدف‌گذاری ضریب پوشش بیمه‌های بازنشستگی در سال پایانی برنامه ۷۶ درصد قید شده،اما در ارتباط با بیمه پایه سلامت پوشش ۱۰۰ درصدی هدف‌گذاری شده و مشخص نیست این نوع نگاه دوگانه و سیاست یک بام و دو هوا به چه علت میان بیمه‌های بازنشستگی و بیمه‌های سلامت از منظر دولت اتخاذ شده است.

عدم‌انسجام و انتظام امور مربوط به نظام تامین‌اجتماعی در متن لایحه برنامه هفتم، باعث شده است ۴۵ حکم مرتبط با حوزه رفاه و تامین‌اجتماعی در ۱۰ فصل مختلف و حتی فصول غیرمرتبط مثل فصل مسکن، نظام اداری و نظایر آن تعبیه شود. این امر در فصول متعددی از منظر دستگاه‌های اجرایی مربوط به بخش‌های غیرمرتبط، احکامی علیه سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی تعبیه شود.

به هر تقدیر، با مطالعه احکام برنامه هفتم توسعه نمی‌توان به یک مدل یا الگوی ترسیمی از نظام تامین‌اجتماعی منظور نظر تدوین‌کنندگان لایحه رسید و بتوان استنباط کرد که در افق برنامه هفتم چه نظام نوین تامین‌اجتماعی هدف‌گذاری شده است.

۲ حکم نامساعد دیگر در لایحه گنجانده شده است که نتایج خوبی به‌همراه نخواهد داشت. نخست اینکه، بدهی‌های بیمه‌ای دولت به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی با تغییر نحوه محاسبه و بروزرسانی، کاهش یافته و از روش مرکب به روش ساده تبدیل شده است.

در حالی که باتوجه به کاهش مزمن و سنواتی ارزش پول ملی و افزایش مستمر و لحظه‌ای تورم، حتی اگر دولت تمام بدهی خود را به روش مرکب بروزرسانی و به‌صورت نقد و یکجا پرداخت کند، باز هم ارزش واقعی روز این اندوخته‌های بیمه‌ای کارکنان، کارگران و مستمری‌بگیران را تادیه نکرده است.

دوم اینکه تادیه بدهی‌های دولت به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی از طریق واگذاری و تهاتر اموال دولتی را ممنوع ساخته است (امری که به موجب بند الف ماده ۱۲ قانون برنامه ششم توسعه مجاز بود) و پرواضح است که وقتی دولت با کسری منابع و نقدینگی و کسری بودجه مزمن و سنواتی مواجه است، اگر بگوییم بابت بدهی‌های خود نمی‌تواند اموال به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی تهاتر کند، در عمل باعث شده‌ایم که دولت بدهی‌های بیمه خود را نپردازد.

در نقطه مقابل، به‌موجب بند ۴ سیاست‌های کلی تامین‌اجتماعی «دولت بایستی از ایجاد و انباشت بدهی‌های خود به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی اجتناب کند»، حال دولتی که با کسری بودجه مواجه است، اگر نتواند از طریق واگذاری اموال بدهی‌های خود را بپردازد، در عمل معنی این حکم، تعلیق بازپرداخت بدهی‌های دولت به این بیمه‌گران اجتماعی خواهد بود. جالب‌توجه اینکه در بند بعدی همین حکم، اجازه واگذاری اموال دولت به نهادهای عمومی داده شده است!

و اما یکی از موضوعاتی که بین متن پیش‌نویس و لایحه برنامه هفتم توسعه مشترک بوده و تکرار شده است مقوله انتقال فرآیند وصول حق بیمه تامین‌اجتماعی به سازمان امور مالیاتی است که از اساس می‌تواند ناشی از یک اعوجاج نظری یا اعمال‌نظر سلیقه‌ای و شخصی باشد، چرا که نظام‌های مالیاتی در پارادایم‌های تامین‌اجتماعی مالیات‌محور مامور وصول حق بیمه‌ها در جوف مالیات هستند، اما در پارادایم‌های تامین‌اجتماعی حق بیمه‌محور که کشور ما نیز در آن پارادایم قرار دارد، حق بیمه توسط سازمان بیمه‌گر مربوطه وصول می‌شود و از اساس حق بیمه تامین‌اجتماعی متعلق به مردم و حق‌الناس است و اموال دولتی نیست که بشود آن را به خزانه دولت واریز کرد و این امر خلاف ماده ۵۲ قانون محاسبات عمومی است.

بنابراین اگر قرار است سازمان مالیاتی حق بیمه تامین‌اجتماعی را وصول کند، باید این کار در پارادایم مالیات‌محور تامین‌اجتماعی انجام شود و کل منابع موردنیاز برای خدمات تامین‌اجتماعی، اعم از امدادی، حمایتی و بیمه‌ای توسط سازمان مالیاتی وصول شود و در اختیار نظام تامین‌اجتماعی برای مصرف و هزینه قرار گیرد.

تدوین‌کنندگان لایحه باید توضیح دهند که چرا این موضوع را شامل حال سایر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی نظیر سازمان بیمه سلامت، صندوق آینده‌ساز، صندوق نفت و سایرین نکرده‌اند، به‌ویژه آنکه سازمان بیمه سلامت و شرکت آتیه‌سازان‌حافظ از شرکت‌ها و موسسات دولتی هستند و چرا نباید حق بیمه‌های آنها توسط سازمان امور مالیاتی وصول شود و این سیاست یک بام و دوهوا ناشی از چیست؟

سیاست دوگانه دیگر در لایحه برنامه هفتم توسعه، تفاوت نوع نگاه و رویکرد دولت بین بیمه‌های بازنشستگی و بیمه‌های سلامت است.

در سمت بیمه‌های بازنشستگی دولت تلاش کرده است تا سهم‌الشرکه خود را در پرداخت حق بیمه به‌سرعت و به‌شدت کاهش دهد، اما در سمت بیمه سلامت دولت به‌سمت مشارکت مالی بیشتر حرکت کرده و نه‌تنها معادل ۷ درصد حداقل دستمزد چند ۱۰ میلیون نفر را تقبل کرده، بلکه به‌موجب برنامه هفتم توسعه قرار است، ۵۰ درصد حق بیمه تکمیلی مشمولان بیمه سلامت را نیز بپردازد!

همین دولت، همزمان تلاش کرده است در قالب لایحه برنامه هفتم توسعه حتی از سهم ۳ درصدی حق بیمه خود بابت بیمه بازنشستگی اقشار مولد و تلاشگر بکاهد؟!

علت این سیاست یک بام و دوهوا میان بیمه‌های بازنشستگی با بیمه‌های سلامت چیست؟ آیا غیر از این است که برنامه توسعه در کشور ما از گذشته تاکنون دستگاه‌محور و سازمان‌محور بوده و هیچ‌گاه مردم‌پایه و مردم‌محور نبوده است؟

توسعه یعنی جنگ با فقر برای رفاه



محمد ستاری‌فر ـ اقتصاددان: رشد و توسعه امروز بشر، مدیون اتفاقات بعد از انقلاب صنعتی است. مهم‌ترین مختصات انقلاب صنعتی در آغاز؛ پیدایش بازوی مکانیکی در مقابل بازوی انسانی بود. بازوی مکانیکی که خستگی‌ناپذیر بود، قدرت هم‌افزایی بالا هم داشت و... در مقابل، بازوی انسانی متعلق به کارگر نحیف بود، خسته می‌شد و دغدغه‌های اقتصادی زیادی داشت؛ بنابراین، برای کارفرمایان در آغاز انقلاب صنعتی بین ۲ عاملی که در اختیار داشتند، یعنی بازوی مکانیکی و انسانی؛ اولی در حکم سرمایه بود و کرامت داشت.

از همین‌رو سرمایه را خیلی صیانت می‌کردند و به آن احترام می‌گذاشتند و در مقابل، به بازوی انسانی یا همان کارگر بی‌توجه بودند و حتی آنان را تضعیف می‌کردند.

خلاف تصور عده‌ای که تامین‌اجتماعی را متعلق به بازار نمی‌دانند، باید گفت که رویکردهای بازار، محصولات و میوه‌های مختلفی را به جامعه بشری عرضه کرده که یکی از این میوه‌ها، تامین‌اجتماعی است.

پروفسور پل کندی می‌گوید: «سرمایه‌داران یعنی همین طرفداران بازوهای مکانیکی و ماشین‌آلات که مولد بازار هستند، زرنگ‌تر از آن بودند که مارکس فکر می‌کرد. آنان به‌جای تداوم بی‌توجهی به کارگران فهمیدند که می‌توان از عاملی که فرودست است، خسته می‌شود، نق می‌زند و بعضی مواقع در مقابل آنها می‌ایستد، یک عنصر دیگر ساخت.» آنان از نیروی کارگر هم یک سرمایه شکل دادند، بازوی انسانی به منابع انسانی تبدیل شد و سپس به سرمایه انسانی و اندک‌اندک به سرمایه اجتماعی ارتقا یافت.

آنچه موجب شد نیروی کار در کنار سرمایه فیزیکی و مکانیکی به سرمایه انسانی تبدیل شود، تامین‌اجتماعی بود. بنابراین تامین‌اجتماعی محصول بازار است؛ مقابل بازار نیست.

بازار براساس دموکراسی، آزادی و مشارکت است. اگر نظام بازار توانسته پایدار بماند و خود را اصلاح کند، یکی از عوامل مهم آن تامین‌اجتماعی است. اگر تامین‌اجتماعی نبود چه‌بسا آن شورش‌ها و تضادها که مارکس می‌گفت، در جامعه صنعتی شکل می‌گرفت.

نظام بازار به‌دلیل عقلانیت وسیعی که دارد، تضادها را یکسان نمی‌کند، بلکه یاد گرفته با حفظ تضادها و تفاوت‌ها آنها را برآیند‌دار کند و واگرایی‌ها را تبدیل به همگرایی کند. اگر نظام بازار اجازه می‌داد، کارفرما و کارگران سعی داشتند هر کدام دیگری را در خود حل کنند. نظام بازار با طراحی تامین‌اجتماعی، منافع متضاد را به همگرایی کشاند.

یکی از شاهکارهای بزرگ بدن انسان، نظام مفصل‌بندی است که متفاوت‌ها و متضادها را به هم مرتبط می‌کند. تامین‌اجتماعی نقش مفصل‌بندی را در نظام اقتصادی داشته است. در این ۱۳۴ سال گذشته در سطح کلان دستاوردهای مثبت و ارزنده در حوزه‌های تولید و منابع انسانی داشته، اما همان‌طور که برخی اوقات مفاصل بدن من و شما مشکل پیدا می‌کند، مفاصل نظام‌های اقتصادی و سیاسی هم دچار مشکلاتی می‌شوند. به‌همین‌دلیل، باید نسبت به بازیابی و بازسازی و تعویض مفصل‌ها اقدام شود؛ بنابراین باید بهسازی و بازسازی ساحت و کارکرد تامین‌اجتماعی در دستور کار قرار گیرد. این کار در کشورهای توسعه‌یافته و بیشتر متکی بر بازار رخ داده و در کشورهای در حال توسعه نیز باید رخ دهد.

در کل دنیا مسئولیت رسالت پایدار بودن و ایفای تعهدات تامین‌اجتماعی همیشه با دولت‌ها بوده و نقش دولت در این قرارداد یک نقش محاسباتی است. اما اگر سیاست‌های تامین‌اجتماعی به‌عنوان نمایش سیاسی قلمداد شوند، بدون‌شک تعادل منابع و مصارف بر هم خواهد خورد. نتیجه چنین سیاستی کسری منابع، تورم، کاهش ارزش پول ملی و... خواهد بود. نکته کلیدی در این است که اگر دوطرف قرارداد به حقوق خود واقف باشند، به‌ویژه بخش کارگری، امکان چنین سوءاستفاده‌ای به حداقل می‌رسد.

در کل، دولت‌ها بر اثر سیاست‌های پولی و مالی و برنامه توسعه که دارند، باید درک کنند که تامین‌اجتماعی یکی از بسترهای رشد و توسعه است. توسعه یعنی جنگ؛ جنگ با فقر برای رفاه؛ بنابراین با توسعه باید به جنگ عقب‌افتادگی رفت. این جنگ همه‌جانبه و مستمر است و نیازمند لشکر. لشکری که می‌خواهد به جنگ برود، به حداقل‌هایی نیاز دارد که در صورت پیروزی در مراحل بعدی به این حداقل‌ها افزوده می‌شود.

تامین‌اجتماعی هم بستر اولیه برای حرکت و توسعه است. چرا می‌خواهیم به اهداف توسعه دست پیدا کنیم؛ چون انسان‌ها به رفاه و کرامت بیشتری برسند. در این چارچوب تحلیلی، تامین‌اجتماعی بستر و ابزار و هدف مدیریت توسعه است؛ بنابراین دولت‌ها باید آن را به‌جای تضعیف، تقویت کنند.

نگرانی از آینده مبهم سازمان تامین‌اجتماعی



علی‌اصغر بیات ـ عضو کانون بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین‌اجتماعی: بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تامین‌اجتماعی مطالباتی از رئیس‌جمهوری و دولت آینده دارند که مهم‌ترین این مطالبات، تعیین‌تکلیف نهایی استقرار سه‌جانبه‌گرایی به‌عنوان سرفصل و ساختار اصلی رفع مسائل و مشکلات مزمن و فرسایشی سازمان تامین‌اجتماعی، احیای شورای‌عالی و حضور نماینده بازنشستگان و مستمری‌بگیران در شورای مذکور با هدف حاکم شدن بیش از ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از بازنشستگان و مستمری‌بگیران بر سرنوشت خود است.

باتوجه به اینکه بخش عمده‌ای از بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین‌اجتماعی در زمره سالمندان قرار دارند، رسیدگی به مسائل درمانی و رفاهی آنها و رفع این چالش‌ها تنها در توان یک سازمان و نهاد نیست؛ بنابراین انتظار داریم دولت با بکارگیری تمامی ظرفیت‌های قانونی و تشکیلاتی موجود، اقدامات موثر و اثربخشی را برای افزایش رضایتمندی و ارتقای کمی و کیفی امور سالمندان انجام دهد. این در حالی است که بازنشستگان و مستمری‌بگیران از بخشی از اعتباراتی که با استفاده از درآمدها و منابع عمومی کشور برای آحاد جامعه هزینه می‌شود، بی‌بهره هستند؛ یکی از این اعتبارات، سرانه درمان است که ضروری است مدنظر قرار گیرد. می‌توان از ظرفیت‌های مناسب و موجود کشور و در اختیار سازمان‌ها و نهادهای مختلف در راستای ارائه خدمات رفاهی و گردشگری به بازنشستگان و مستمری‌بگیران استفاده کرد.

در نهایت اینکه، استقلال اداری و مالی سازمان تامین‌اجتماعی نه در حد شعار بلکه باید به‌طورجدی حفظ شود، در حالی که براساس شواهد، تعادل مالی سازمان تامین‌اجتماعی به‌صورت نگران‌کننده‌ای به هم خورده است و آینده‌ای مبهم برای این سازمان بزرگ پیش‌بینی می‌شود، به‌همین‌دلیل پیگیری موضوع تسویه کامل دیون دولت به سازمان تامین‌اجتماعی موردانتظار است. در کنار تمام این موارد، ثبات اقتصادی و کنترل نرخ کالاهای اساسی نقش مهمی در کاهش مشکلات معیشتی بازنشستگان و مستمری‌بگیران دارد؛ بنابراین ضمن توجه به این موضوع، باید اجرای سیاست‌های حمایتی برای این قشر به‌منظور کاهش فشارها و مشکلات اقتصادی در نظر گرفته شود. بازنشستگان و مستمری‌بگیران گوش شنوا و گام‌های استوار برای تحقق مطالبات و انتظارات صنفی خود می‌خواهند؛ بنابراین باید امکان ارتباط مستقیم و بی‌واسطه نمایندگان این قشر با مسئولان تصمیم‌گیر مهیا شود.

حمایت ایدرو از دانش‌بنیان‌ها جدی‌تر شد

کارشناسان بر این باورند که حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان موثرترین راهکار برای رونق اقتصادی استان‌های کشور است و برای تحقق این مهم حمایت موثر از شرکت‌های دانش‌بنیان باید به فرهنگ عمومی در استان تبدیل شود. وجود موانع و قوانین دست‌وپاگیر از دلایل مهم کم‌رغبتی فعالان اقتصادی به تولید در کشور است و این مشکلات برای شرکت‌های دانش‌بنیانی که به‌طورمعمول از تجربه کمتری در زمینه تولید برخوردارند، سخت‌تر است. پیچیدگی و زمان زیاد فرآیند تجاری شدن محصولات دانش‌بنیان در برخی موارد باعث می‌شود کارآفرینان دانش‌بنیان، قید تولید خلاقانه را بزنند و گاهی تولید محصولات غیرفناور و معمول را ترجیح بدهند. با توجه به موارد یادشده ایدرو نیز حمایت از دانش‌بنیان‌ها را در دستور کار قرار داده است. معاون صنایع پیشرفته ایدرو نیز در بازدید از رویداد علمی تانای صنعت بر حمایت از تجاری‌سازی ایده‌ها و دستاوردهای علمی شرکت‌های دانش‌بنیان تاکید کرد.



مجاز نبودن شرکت‌های دانش‌بنیان به استفاده از لوگوی استاندارد با وجود داشتن گواهی استاندارد و نبود استانداردهای فناوری‌های نوظهور، نمونه‌هایی از موثر نبودن حمایت‌ها با وجود تاکید مسئولان است

کارشناسان بر این باورند تولید دانش‌بنیان، در بیشتر موارد تولید با شیوه‌ای جدید است که این نو بودن روش‌ها، نیازمند تغییر نگرش در برخی ممیزی‌های محصولات تولیدی است. برخی قوانین و دستورالعمل‌ها با نوآوری همخوانی ندارند، زیرا قوانین بیشتر در جهت هدایت امور به روال مشخص شده از قبل تاکید دارند، اما می‌توان با همراهی و همکاری مشکلات مربوط به اخذ انواع مجوزها را حل و از سخت‌گیری‌های بی‌مورد پرهیز کرد.

حمایت از تجاری‌سازی ایده دانش‌بنیان‌ها



معاون صنایع پیشرفته ایدرو در رویداد تانای صنعت خراسان شمالی بر حمایت سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از تجاری‌سازی ایده‌ها و دستاوردهای علمی شرکت‌های دانش‌بنیان تاکید کرد.

به گزارش ایدرونیوز، حمید بازارگان در بازدید از نمایشگاه نخستین رویداد تانای صنعت خراسان شمالی به ۹ مرحله تولید علم تا تجاری‌سازی در ادبیات زیست‌بوم نوآوری اشاره و خاطرنشان کرد: کشور در مرحله تولید علم در موقعیت خوبی دارد، اما در مرحله میانی و پایانی که تولید فناوری و تولید صنعتی است، دچار نقصان است و نمی‌تواند در تجاری‌سازی علم خوب عمل کند.

بازارگان با تاکید بر اینکه ایدرو بر ۲ موضوع فراهم کردن زیرساخت تجاری‌سازی و بهم‌رسانی شرکت‌های دانش‌بنیان و نیازهای فناورانه واحدهای تولیدی متمرکز است، افزود: سازمان از سال ۱۳۹۸ به‌دنبال طرح رسوخ فناوری بوده و براساس آن شرکت‌های دانش‌بنیان را به نیازمندی‌های صنایع بهم‌رسانی می‌کند.

رویداد علمی تانا (توسعه و ارتقای زیست‌بوم نوآوری استان‌ها) در حوزه صنعت با هدف توسعه تعاملات سازنده بین سازمان‌ها و نهادهای صاحب نیاز، گروه‌های فناور و صاحب راهکار و سرمایه‌گذاران برگزار می‌شود تا جدای از باز کردن گره‌های مالی شرکت‌های دانش‌بنیان، نیازهای فناورانه صنایع نیز تامین شود.

حمایتی که باید از طرح‌های دانش‌بنیان‌ها شود

کارشناس یک شرکت دانش‌بنیان در این پیوند به ایرنا گفت: سال‌های اخیر شاهد حمایت روزافزون نهادها و سازمان‌ها از شرکت‌های دانش‌بنیان بوده‌ایم، اما وجود برخی از قانون و دستورالعمل‌ها که سال‌های طولانی اجرا و موجب شکل‌گیری یک فرهنگ اداری در برخورد با کارهای نوآورانه شده‌اند، مانع مهمی بر سر شرکت‌های دانش‌بنیان چهارمحال و بختیاری است.

علی ورپشتی بروجنی افزود: گام نخست برای استفاده از ظرفیت‌های اقتصاد دانش‌بنیان تغییر نگرش و تغییر فرهنگ در اقتصاد استان و کشور است و اگر این مهم به‌سرعت انجام نشود شاهد مهاجرت افراد نخبه و کارآمد حوزه دانش‌بنیان از استان و حتی از کشور خواهیم بود.

وی افزود: اقتصاد چهارمحال و بختیاری و کشور نیازمند توجه به تولید دانش‌بنیان است و در استانی که بیش از ۴۰ هزار دانشجو دارد، تنها با توسعه کشاورزی و احداث کارخانه نمی‌توان اشتغال ایجاد کرد، زیرا این دو حوزه بیشتر به نیروی کار ساده نیاز دارند و استفاده از بسیاری از دانش‌آموختگان استان در واحدهای موجود نه صرفه اقتصادی برای آن واحدها دارد و نه رضایت فرد از کارش را موجب می‌شود.

وی تاکید کرد: ورود استارت‌آپ‌ها به اقتصاد استان ضروری است و در کنار ایجاد موقعیت‌های شغلی، استارت‌آپ‌ها می‌تواند نقش انگیزه بخشی برای جوانان هم استانی داشته باشند. این پژوهشگر اظهار کرد: تغییر فرهنگ سنتی کار و اشتغال که با فرآیندها تصمیم‌گیری و روش‌های کاری سنتی به‌کلی متفاوت است، لازمه حمایت از استارت‌آپ‌هاست. وی یادآور شد: تغییر نگرش و تغییر فرهنگ برخورد با نیروی جویای کار ضروری است، به‌عنوان نمونه برون‌سپاری یک روش آزمایش‌شده با ریسک پایین در بسیاری از کارهاست که شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی هم آن را انجام می‌دهند، اما به‌طورمعمول ترجیح می‌دهند طرف قراردادهای برون‌سپاری آنها یک شخصیت حقوقی باشد تا یک جوان تحصیلکرده و دارای مهارت، چراکه این می‌تواند موجب بی‌انگیزگی جوانان صاحب فن در استان شود.

وی گفت: افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها در سال‌های اخیر، کار برای جوانانی که فاقد سرمایه کافی هستند را بیش از پیش مشکل کرده است و با وجود تسهیلات اعطایی از طرف پارک علم و فناوری استان و بانک‌ها، وام‌های پرداختی برای انجام یک کار پرقدرت کافی نیست. ورپشتی یادآور شد: کارآفرین برای بیشتر کارهای اقتصادی نیازمند جذب سرمایه است، اما فرهنگ اعتماد به جوانان در بین افراد میانسال و کهنسال در استان ضعیف است و این گروه نمی‌تواند شریک سرمایه‌گذار مناسبی پیدا کنند و حتی کارآفرینان در پیدا کردن ضامن برای معرفی به بانک‌ها مشکلات جدی دارند. وی اظهار کرد: تغییر روش، نگرش و فرهنگ، به‌سادگی رخ نمی‌دهد و باید توجه به توانایی جوانان مورد تاکید مسئولان و متولیان امر قرار بگیرد.

وی خاطرنشان کرد: فرهنگ کارآفرینی یکی از اصول مورد تاکید در زمینه اقتصاد دانش‌بنیان است و جاری و ساری شدن فرهنگ کارآفرینی در گرو تغییر نگرش، فرهنگ، سیاست‌ها در زمینه اشتغال، قوانین کار و رویکردهای مالیاتی است.

حمایت‌ها از دانش‌بنیان‌ها باید موثر باشد



کارشناس دیگری از یک شرکت دانش‌بنیان نیز به ایرنا گفت: پارک علم و فناوری چهارمحال و بختیاری تمام تلاشش برای ارتقای جایگاه شرکت‌های دانش‌بنیان را انجام می‌دهد، اما اثربخشی حمایت‌ها بسیار مهم است.

محمدرسول محمدیان افزود: تجاری‌سازی بیشتر محصولات در کشور نیازمند انجام فرآیندهای طولانی و اخذ مجوزهای گوناگون است که انجام دادن آنها برای بیشتر شرکت‌های دانش‌بنیان که تشکیلات اداری منسجمی ندارند و از دورهم جمع شدن تعدادی جوان با انگیزه شکل‌گرفته‌اند، دشوار است.

وی تاکید کرد: مسئولان پارک علم و فناوری حمایت‌های خوبی در مواقعی که کار با برخی سازمان‌های دولتی گره می‌خورد انجام می‌دهند اما وجود بیش از ۱۷۰ شرکت دانش‌بنیان در استان استفاده از مشاوره‌ها را محدود می‌کند و نیاز است نگرش مثبتی در تمامی نهادهای اجرایی نسبت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان ایجاد شود.

وی تصریح کرد: حمایت موثر نیازمند وسعت‌بخشی به محدوده شرکت‌های دانش‌بنیان است و فقط حمایت‌ها نباید از شرکت‌هایی صورت بگیرد که توسط معاونت علمی، فناوری به‌عنوان شرکت دانش‌بنیان معرفی شده‌اند و هر شرکتی که اقدام به ورود یک فناوری جدید در حوزه کاری خود بکند که جنبه نوآوری داشته باشد باید در زمره دانش‌بنیان‌ها قرار بگیرد و از تسهیلات مربوطه بهره ببرد. محمدیان اظهار کرد: ضرورت تعمیم تعریف شرکت‌های دانش‌بنیان امروز بیش از پیش احساس می‌شود و بازنگری در زمینه‌های فعالیت‌های شرکت‌های فناور در این زمینه ضروری است.

وی تاکید کرد: یکی دو سالی است برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و برای تسهیل در روند تجاری‌سازی محصولات تولیدی مقرر شده گواهی انطباق یا استاندارد موقت به این شرکت‌ها اعطا شود، اما در واقعیت امر با وجود حمایت‌های اداره استاندارد چهارمحال و بختیاری از آن جایی که این گواهی منجر به استفاده از لوگوی استاندارد در محصول نهایی نمی‌شود، برای شرکت‌های دانش‌بنیان کارآیی موثر ندارد.

وی یادآور شد: مجاز نبودن شرکت‌های دانش‌بنیان به استفاده از لوگوی استاندارد با وجود داشتن گواهی استاندارد و نبود استانداردهای فناوری‌های نوظهور نمونه‌هایی از موثر نبودن حمایت‌ها با وجود تاکید مسئولان است.

سخن پایانی

در سال‌های اخیر و به‌ویژه در دولت سیزدهم، اقتصاد دانش‌بنیان در کشور توسعه قابل‌توجهی کرده و سعی شده است تولید در این حوزه محدودیت‌های قانونی کمتری داشته باشد، اما وجود برخی قوانین و دستورالعمل‌ها که در طول سال‌های متمادی وضع و اجرا شده‌اند، کار را برای فعالان این حوزه سخت می‌کند. یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت سیزدهم برای حمایت شرکت‌های دانش‌بنیان، تدوین قانون جهش تولید دانش‌بنیان است که در ۳۱ اردیبهشت امسال توسط رئیس مجلس شورای اسلامی ابلاغ شد و به گفته معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهوری ۹۵ درصد آیین‌نامه‌های این قانون تدوین‌شده است و با نهایی شدن آن در یک ماه آینده اجرایی می‌شود. برهمین اساس، خراسان شمالی میزبان رویداد تانای صنعت به میزبانی شرکت لوله‌گستر اسفراین و با همکاری مجتمع صنعتی اسفراین است. در نمایشگاه تانای صنعت خراسان شمالی ۳ صنعت بزرگ و ۱۱ شرکت دانش‌بنیان حضور دارند.

از رشد ۲۴ درصدی تولید شمش تا رشد ۶۹ درصدی درآمد فروش

عملکرد موفق فولاد خوزستان در ۳ ماهه نخست سال جاری

شرکت فولاد خوزستان با نماد بورسی «فخوز» در ۳ ماهه نخست سال جاری، عملکرد بسیار موفقی در حوزه رشد تولید و فروش داشته است. درآمد فروش محصولات شرکت فولاد خوزستان در ۳ ماهه نخست سال جاری به ۲۱ هزار و ۵۷۰ میلیارد تومان رسیده که رشد ۶۹ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهد.

در ۳ ماهه نخست سال «مهار تورم، رشد تولید»، فولاد خوزستان موفق به تولید حدود ۶۲۰ هزار تن شمش فولادی (بیلت و بلوم) شده که حاکی از رشد ۲۴ درصدی تولید این محصول نسبت به مدت مشابه سال گذشته است.

- همچنین در فصل بهار سال جاری، تولید گندله در شرکت فولاد خوزستان با رشد ۴۴ درصدی به بیش از ۱ میلیون و ۶۷۷ هزار تن رسیده است.

- تناژ فروش فولاد میانی (بیلت، بلوم و اسلب) فولاد خوزستان در بازارهای داخلی و خارجی در ۳ ماهه نخست ۱۴۰۲، حدود یک‌میلیون و ۵۰ هزار تن بوده که رشد ۳۱ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهد.

- شاخص تامین نیاز بازار داخلی توسط فولاد خوزستان، یعنی تزریق فولاد میانی به بازار داخلی، در ۳ ماهه نخست امسال حدود ۶۵۴ هزار تن بوده که حاکی از رشد خیره‌کننده ۷۸ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل است.

- تنها در خرداد سال جاری، شرکت فولاد خوزستان بیش از ۲۷۰ هزار تن فولاد میانی در بازار داخلی به فروش رسانده است که رشد قابل توجه ۹۲ درصدی را نسبت به خرداد سال گذشته نشان می‌دهد.



- درآمد فروش محصولات فولاد خوزستان در خرداد امسال نیز به ۸۴۵۲ میلیارد تومان رسیده که بعد از درآمد فروش ۸۴۷۳ میلیارد تومانی در اسفند ۱۴۰۰، بالاترین درآمد فروش ماهانه در تاریخ این شرکت است. درآمد فروش فولاد خوزستان در خرداد امسال، ۴۰ درصد بیش از ماه مشابه سال قبل بوده است.

شناسه ۱۵۲۸۸۵۳

«آگهی‌های مناقصه عمومی یک مرحله‌ای»

شرکت شهرک‌های صنعتی هرمزگان

شرکت شهرک‌های صنعتی هرمزگان در نظر دارد اجرای پروژه ذیل را براساس قانون برگزاری مناقصات مصوب مجلس شورای اسلامی و به استناد آیین‌نامه راه‌اندازی و فعالیت سامانه تدارکات دولت، مصوب هیات محترم وزیران از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

ردیف	موضوع	مبلغ تقریبی برآورد (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	گواهی صلاحیت پیمانکار
۱	اجرای معابر تا حد سابگرید (خاکبرداری ۲۶۲۶۰متر مکعب و خاکریزی ۷۰۱۰ متر مکعب) ناحیه صنعتی ابوموسی به مدت ۶ ماه شمسی	۳۰،۶۱۶،۸۵۵،۷۷۶ ریال طبق فهرست بهای ابنیه سال ۱۴۰۲	۱،۵۴۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال	حداقل پایه ۵رشته ابنیه یا راه

زمانبندی مناقصه:

از کلیه مناقصه‌گرانی که واجد شرایط فوق می‌باشند دعوت می‌گردد نسبت به تهیه اسناد و شرکت در مناقصه، در موعد مقرر به شرح ذیل اقدام نمایند.

الف- تهیه اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ لغایت ۱۴۰۲/۰۴/۲۵ تا ساعت ۱۹:۰۰

ب- بارگذاری اسناد مناقصه از طریق سامانه ستاد: حداکثر تا روز شنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۷ ساعت ۱۳:۰۰

* ارسال پاکت الف بصورت حضوری (مهر و لاک شده) حداکثر تا روز شنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۷ ساعت ۱۳:۰۰ می‌باشد.

پ- بازگشایی پاکات (الف و ب و ج): روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۸ راس ساعت ۱۰:۰۰

ث-محل خرید و بازگشایی پاکات مناقصه: کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

ج- پاکت الف: پاکت (الف) هم در سامانه ستاد بارگذاری و هم بصورت حضوری (مهر و لاک‌شده) تحویل دستگاه مناقصه‌گزار به آدرس بندرعباس - سه‌راهی فرودگاه- بلوار علی‌ابن ابیطالب- روبروی هنرستان شهید رجایی- دبیرخانه شرکت شهرک‌های صنعتی هرمزگان - تلفن: ۳۳۶۶۵۳۵۱-۰۷۶ گردد.

د- نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار پیمانکاری: بصورت ضمانتنامه معتبر بانکی یا فیش واریزی با شماره شبا IR ۳۷۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۶۷۰۶۳۷۵۷۷۴ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بنام تمرکز وجوه سپرده شرکت شهرک‌های صنعتی هرمزگان.

سایت شرکت: WWW.ISIPO.ir

امور پیمانهای شرکت شهرک های صنعتی هرمزگان

یادداشت

صنعت خودرو رقابت‌پذیر و تامین اجتماعی



امیر حسن کاکایی
عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت

این روزها خیلی‌ها به‌شدت ذوق‌زده شده‌اند که قرار است خودرو دست دوم وارد شود و ما را از شر این خودروهای ایرانی و چینی نجات دهد. برخی هم ادعا می‌کنند با واردات خودرو دست دوم، خودروساز در فضای رقابتی قرار می‌گیرد و شاهد بازار رقابتی به‌نفع مصرف‌کننده خواهیم بود. البته مسئولانی که طرفدار این حرکت هستند، خود مسبب وضعیت موجودند. فقط بخش به‌ظاهر خوب ماجرا را به مردم اعلام و آن را بهانه‌ای می‌کنند برای این طرح ضدتوسعه‌ای خود.

آیا هر کشوری که واردات خودرو دست دوم در آن آزاد است، اوضاعش از ما بهتر است؟ آیا مثلا همه مصری‌ها از خودروهای خود راضی هستند؟ آیا قیمت خودرو متناسب با درآمد مردم آنهاست؟ آیا در کشوری مانند امارات که قیمت خودرو در آن ارزان‌تر است، بقیه خدمات و کالاهای‌شان از ما ارزان‌تر است؟ آیا آنها مانند ما مرغ را گران‌تر از بازار بین‌المللی خریداری می‌کنند؟ مسکن چطور؟ اگر قرار به مقایسه باشد، باید همه‌چیز را مقایسه کرد. اینکه تنها بخشی از جامعه و سیاست و اقتصاد را با یک کشور دیگر مقایسه کنیم، حتما به انحراف می‌رویم؛ کما اینکه با همین مقایسه‌های نادرست صنعت خودرویی روی دستمان مانده که رقابتی نیست و مضحکه سیاسیون و معروفیت‌شان شده است.

حال کلاه‌مان را قاضی کنیم. اگر خودرو دست دوم بیاید، مشکلات صنعت خودرو مانند کمبود ارز، سرمایه، بهره‌وری، برق، نیروی متخصص، امکانات، فناوری و... و هزینه‌های دولتی زیاد خودروسازی‌ها حل می‌شود؟ مشکل خودروهای فرسوده و ترافیک چطور؟ مشکل خدمات پس از فروش چه؟ آیا اصولا رقابت‌ناپذیری صنعت خودرو ناشی از حمایت‌های ظاهری دولت از این صنعت است یا بر عکس ناشی از سیاست‌گذاری‌های غلط و نگاه سیاسی به صنعت؟ وقتی دولت و مجلس از جیب سهامدار، به خودروساز دستور می‌دهد ۵۰ درصد خودروهای تولیدی به طرح حمایت از جمعیت اختصاص یابد، جز این است که دولت، خودروساز را ابزار توزیع رانت می‌بیند؟ وقتی دولت به خودروساز دستور می‌دهد محصولش را زیر قیمت تمام‌شده عرضه کند و بعد هم آن را عتاب می‌کند که چرا با لبخند کالای عالی تحویل نمی‌دهد، دارد از خودروساز حمایت می‌کند؟

اما واقعا چرا من طرفدار توسعه صنعتی هستم و ادعا می‌کنم باید حمایت واقعی از صنعت خودرو انجام شود؟ البته ببخشید که عبارت «من» را به‌کار می‌برم، چون فکر می‌کنم تقریبا در طرفداری از توسعه صنعت خودرو، تنهای تنها مانده‌ام. فکر می‌کنید مانند دن‌کیشوت داستان سروانتس، دچار توهم شده‌ام و دوران حمایت از توسعه صنعتی گذشته است، اما با ارجاع به اصول، فکر می‌کنم من اشتباه نمی‌کنم، بلکه آنها که به‌راحتی توسعه صنعتی را با حمله مستقیم یا دفاع بد، منحرف کرده‌اند، اشتباه می‌کنند. برگردم به این اصول که بهانه من است برای نوشتن این متن؛ تامین اجتماعی. یک اجتماع خوب دارای یکسری خصوصیات حداقلی است: امنیت، آموزش و بهداشت که البته توزیع عادلانه فرصت‌ها، ثروت‌آفرینی و توزیع عادلانه ثروت، لازمه سه مورد یادشده است.

البته برخی کشورها آن سه اصل اول را از طریق درآمدهای نفتی و حمایت دولت‌های خارجی کسب می‌کنند. کشورهای نفت‌خیز منطقه که با حمایت امریکا، امنیت خود را حفظ کرده‌اند، این‌گونه عمل می‌کنند. البته آنها هم در یکی دو دهه اخیر به این نتیجه رسیده‌اند که با این روش به‌تنهایی نمی‌توانند به امنیت و توسعه پایدار دست یابند. به‌همین خاطر، کشورهایی مانند عربستان، بعد از جریانات ابتدای قرن بیست‌ویکم با رونمایی از طرح خاورمیانه بزرگ و بعد از جریانات مربوط به بهار عربی، در سیاست‌های خود بازنگری کردند و امروز حتی کشور لم‌یزرعی مانند عربستان، برای خود در زمینه تولید محصولات کشاورزی، در حال جا باز کردن در سطح جهانی است. همین عربستان متوجه شد اگر دنبال توسعه پایدار است، باید برای جوانانش شغل ایجاد کند. حتی اگر میلیاردها دلار داشته باشید، فقط پول پخش کردن بین مردم، مشکل را حل نمی‌کند. باید برای مردم شغل ایجاد و به‌طور منطقی و برمبنای تلاش، اولا ثروت موجود را توزیع کرد و دوم به‌سمت ثروت‌آفرینی رفت. کشورهایی مانند امارات هم که سال‌هاست این مسیر را شروع کرده‌اند و ما پیشرفت برق‌آسای آنها را در ۲ دهه اخیر مشاهده کردیم.

از کشورهای نفت‌خیز بگذریم و نگاهی به کشوری مانند ترکیه بیندازیم. ترکیه چگونه به جایگاه فعلی رسید؟ آیا جز با تلاش و سرمایه‌گذاری در صنعت بود؟ البته دوستان از من ایراد نگیرند. گردشگری صنعتی هم نوعی توسعه صنعتی است.

هر کشوری که بخواهد امنیت، آرامش و تامین اجتماعی واقعی داشته باشد، باید زیرساخت‌های صنعتی خود را اعم از تولیدی و خدماتی توسعه دهد تا هم ثروت‌آفرینی کند و هم توزیع ثروت و در نتیجه توسعه فرصت‌ها برای رشد نسل‌های بعدی داشته باشد. این‌گونه تامین اجتماعی واقعی به وجود می‌آید. تامین اجتماعی که صرفا برمبنای چاپ پول یا فروش منابع طبیعی باشد، به‌هیچ‌عنوان تضمین‌کننده رفاه بلندمدت مردم نیست. کافی است نگاهی به وضعیت کشورهای نفت‌خیزی مانند نیجریه و معدن‌خیزی مانند لسوتو و بولیوی و پرو بیندازیم.

در مقابل کشورهای اسکاندیناوی تقریبا هیچ چیز جز سرمایه انسانی نداشته‌اند. در نیمه دوم قرن بیستم که نروژ، مخازن نفتی پیدا کرد، با استفاده از تجربه بشری، پول بادآورده را از اقتصاد خود دور و آن را مدیریت کرد. آنها به‌خوبی با مفهوم اقدامات ضدتوسعه‌ای مانند بیماری هلندی آشنا بودند. سیاست‌گذاران‌شان هم تجربیات توسعه جهانی را جدی گرفتند و امروز از توسعه‌یافته‌ترین و امن‌ترین کشورهای جهان هستند.

ما هم باید در کشورمان توسعه صنعتی را جدی بگیریم و برای این منظور متناسب با توان‌مان، چند صنعت را به‌عنوان صنعت مادر بپذیریم و روی آنها سرمایه‌گذاری کنیم. خوب یا بد، یا کلا از روی شانس، صنعت خودرو، یکی از منتخبان بود که در برخی برهه‌های تاریخی خوب مدیریت شد و به کشور خدمت رساند، اما در اکثر موارد به‌عنوان گاو شیرده دوشیده شد و شلاق خورد. حالا هم با گرگ‌های وارداتی (خودروهای دست دوم) این گاو، تکه‌پاره خواهد شد. باشد؛ شما سیاستمداران برنده شدید. آن را به قربانگاه ببرید، اما از آن طرف جایگزین معرفی کنید. کشور بدون توسعه صنعتی نمی‌تواند امنیت اجتماعی پایدار را تضمین کند. اخطارهای بسیاری که درباره ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی و تامین اجتماعی می‌دهند، نتیجه سیاست‌های ضدتوسعه، توزیع رانت و مساوات‌طلبی‌های غیرعادلانه است که قطعا با روش‌هایی چون واردات خودرو دست دوم، تقویت خواهد شد و ما را هر چه بیشتر در معرض خطر قرار می‌دهد.

صنعت به‌مناسبت روز تامین اجتماعی گزارش می‌دهد

نمایش ناتمام بیمه تامین اجتماعی برای تولید

شهناز صفایی
editor@smtnews.ir

پای صحبت هر کدام از مسئولان که بنشینید، حمایت از تولید را اصلی‌ترین راهکار برون‌رفت از مشکلات اقتصادی عنوان می‌کنند و همگی بر این موضوع اتفاق‌نظر دارند که تمام بخش‌ها در این مسیر باید پشت تولید باشند و از هر توانی که دارند برای حمایت از تولید استفاده کنند. با این حال به‌گفته فعالان حوزه تولید و صنعت کشور، در بسیاری از موارد این حرف‌ها در حد شعار باقی می‌ماند و اغلب افراد و سازمان‌هایی که باید همراه و حامی تولید باشند، نه‌تنها این نقش حمایتگرانه‌ای را ندارند که چوب لای چرخ بخش تولید و صنعت هم می‌گذارند و بعضا فقط دستورالعمل‌های درون‌سازمانی خود را اجرایی می‌کنند. سازمان تامین اجتماعی نیز یکی از نهادهای اجرایی در کشور ما است که گرچه با واحدهای تولیدی سال‌هاست رابطه تنگاتنگی دارد، اما همواره داد همه، از کارگر گرفته تا تولیدکننده و صنعتگر، از خدمات ناقص و نامناسب و سنگ‌اندازی‌های این سازمان بلند است. صمت در این گزارش به‌مناسبت روز تامین اجتماعی، نظر کارشناسان و فعالان حوزه صنعت درباره کیفیت خدمات‌رسانی تامین اجتماعی جویا شده که در ادامه می‌آید. با ما همراه باشید.



عکس: صمت

عکس بانک، بیمه، دارایی، محیط‌زیست و... با هر اندازه ارتباطی که با تولید دارند، به‌جای تسهیل مسیر حرکت تولید، بیشتر مانع‌زایی می‌کنند

تامین اجتماعی باید آینده‌نگرانه‌تر مدیریت شود



آرمان خالقی، کارشناس حوزه صنعت درباره چالش‌هایی که تولیدکنندگان در مواجهه با تامین اجتماعی با آنها روبه‌رو هستند به صمت اظهار کرد: در موضوع تامین اجتماعی بیشتر از هر موضوعی، نارضایتی کارگران مطرح است. آنچه مجموعه کارفرمایی انتظار دارد و برای آن نیز حق بیمه به‌عنوان سهم کارگر پرداخت می‌کند، این است که تامین اجتماعی، خدمات مناسبی در اختیار نیروهایی که بیمه کرده، قرار دهد که نتیجه آن به‌طور مستقیم رضایت کارگر است و به‌طور غیرمستقیم رونق تولید و رشد اقتصادی. یعنی کارگری که ازسوی کارفرما بیمه شده، خدمات درمانی مناسب، به‌موقع، باکیفیت و نرخ مناسب دریافت کند یا به هر دلیل کارگری که دچار سانحه می‌شود، بتواند از خدمات پیش‌بینی‌شده ازسوی تامین اجتماعی که موردانتظار کارفرما است، به‌راحتی استفاده کند. در کل انتظار داریم به ازای هزینه‌ای که به تامین اجتماعی پرداخت می‌شود، خدمات ارائه شود؛ آن هم در سطح مناسب و باکیفیت. با این وجود، براساس بازخوردهایی که دریافت می‌کنیم، بخش زیادی از جامعه کارگری از خدمات درمانی و فرانشیزی که به آنها تعلق می‌گیرد، رضایت کافی ندارند.

خالقی ادامه داد: در بخشی از روابط بین تولید و تامین اجتماعی می‌رسیم به جایی که کارفرمای یک واحد تولیدی به هر دلیلی نمی‌تواند حق بیمه یک ماه نیروهای خود را پرداخت کند. در این وضعیت برای ماه بعد تامین اجتماعی در صورتی لیست بیمه را از کارفرما قبول می‌کند که بیمه ماه قبل را پرداخت کرده باشد.

تنها کسی که از این فرآیند آسیب می‌بیند، کارگر است که البته در ادامه سبب نارضایتی آنها نیز می‌شود. این موضوعی است که بارها مطرح شده و انتظار می‌رود سازمان تامین اجتماعی به بررسی اشکالات این رویه پرداخته و هر جا نقصی وجود دارد، آن را اصلاح کند. اینکه کارفرما به هر دلیلی مانند مشکلات اقتصادی، کمبود نقدینگی و... نتوانسته بیمه را پرداخت کند، کارگر مقصر نیست، اما کسی که در نهایت صدمه می‌بیند و از خدمات بیمه‌ای که حق اوست محروم می‌شود، کارگر است.

برخی قوانین باید اصلاح شوند

این کارشناس و فعال حوزه صنعت درباره نقاط ضعف سیستم تامین اجتماعی در کشور خاطرنشان کرد: ضعف در رسیدگی به امور مربوط به بیمه‌شدگان، تعارضات قانونی، بخشنامه‌های متعدد، عدم‌اطلاع‌رسانی و... از مشکلاتی است که واحدهای تولیدی درباره تامین اجتماعی با آنها روبه‌رو هستند. تولیدکنندگان بعد از سال‌ها که با مشکلات تکراری در این بخش مواجهند، انتظار دارند مشکلات قانونی در این زمینه برطرف و برخی از این قوانین اصلاح شود.

خالقی ادامه داد: حق بیمه واحدهای تولیدی توسط کارفرمایان پرداخت می‌شود؛ بنابراین سرمایه‌گذار اصلی سازمان تامین اجتماعی کارفرمایان کشور هستند، با این حال در مدیریت و تصمیم‌گیری‌های سازمان تامین اجتماعی هیچ نقشی ندارند. کارفرمایان باتوجه به سهم ۲۳ درصدی‌شان در پرداخت حق بیمه، باید در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان سازمان تامین اجتماعی دخیل باشند.

این یکی از موضوعات مهم است که سال‌هاست کارفرمایان مطالبه می‌کنند، اما به نتیجه نمی‌رسد. یا به‌عنوان نمونه، تعدادی از کرسی‌های هیات امنای سازمان تامین اجتماعی باید به جامعه کارگری برسد، تعدادی به کارفرمایان و تعدادی هم به دولت، اما این‌گونه نیست.

شعار سه‌جانبه‌گرایی را در مدیریت تامین اجتماعی و روابط کار می‌دهیم، اما باید بدانیم که این مهم محقق نخواهد شد؛ مگر اینکه این موضوعات موردتوجه جدی قرار گیرند.

این کارشناس حوزه صنعت با تاکید بر اینکه سازمان تامین اجتماعی، تشکیلاتی اجتماعی و برای عموم مردم است، اظهار کرد: باتوجه به اینکه تمام افراد جامعه به‌نوعی با این سازمان در ارتباط هستند، بازخورد روانی رفتارها و عملکردهایی که دارد، به‌طور مستقیم به کل جامعه بیمه‌شدگان، بازنشستگان و کارگران برمی‌گردد. باتوجه به این اهمیت و نقشی که سازمان تامین اجتماعی دارد باید درست‌تر و دقیق‌تر به مسائل آن رسیدگی و به صندوق‌های بازنشستگی و دارایی‌های سازمان تامین اجتماعی توجه شود تا کارآمد و بهره‌ور باشد. خطر ورشکستگی که همیشه درباره تامین اجتماعی از آن صحبت شود و اینکه احتمال دارد به‌دلیل تورم این اموال و دارایی‌ها در معرض خطر و کاهش ارزش باشند، باید به‌طور جدی مورد تجزیه و تحلیل کارشناسی قرار بگیرد و تدبیری برای کمک به این سازمان بیندیشند.

خالقی در پایان گفت: سازمان تامین اجتماعی باید آینده‌نگرانه‌تر مدیریت شود و نیازمند بهره‌وری و کارآمدی بالا در مدیریت دارایی‌های خود است تا بتواند به تعهداتی که داده عمل کند و از عهده مسئولیت‌هایی که دارد به‌خوبی برآید.

بازخورد روانی رفتارها و عملکردهایی که سازمان تامین اجتماعی دارد، به‌طور مستقیم به کل جامعه بیمه‌شدگان، بازنشستگان و کارگران برمی‌گردد

هیچ نهاد اجرایی حامی تولید نیست



محمود نجفی‌سهی، کارشناس حوزه صنعت نیز درباره مشکلاتی که تولیدکنندگان در مواجهه با تامین اجتماعی با آنها مواجهند به صمت اظهار کرد: واقعیت این است که نه‌تنها تامین اجتماعی که به‌جرأت می‌توان گفت تمام نهادها و سازمان‌های اجرایی که باید همراه تولید باشند، کوچک‌ترین اقدامی برای کمک به تولید نمی‌کنند. بانک، بیمه، دارایی، محیط‌زیست و... با هر اندازه ارتباطی که با تولید دارند، به‌جای تسهیل مسیر حرکت تولید، مانع‌زایی می‌کنند. این نهادها فقط به‌دنبال انجام اقدامات درون‌سازمانی خود هستند و توجهی به اینکه اقدامات‌شان چه مشکلاتی برای تولید ایجاد می‌کند، ندارند.

سامانه تسهیل‌کننده یا مانع‌زا

نجفی‌سهی افزود: وزارت صنعت، معدن و تجارت سال گذشته ۲۱۵ مشکل در مسیر تولید را فهرست کرد که در ردیف‌های نخست آن، مشکلات مربوط به سیستم بانکی قرار دارد و بعد مالیات و بیمه. تامین اجتماعی جزو مواردی است که در ردیف‌های نخست این فهرست قرار دارد و به‌طور جدی موانعی در مسیر تولید ایجاد کرده است. البته تاکید می‌کنم مانع‌زایی آن هم باتوجه به شرایط بسیار سختی که تولید دارد، ازسوی تمام نهادهایی اجرایی، تولید را گرفتار کرده است. تا حدود یک دهه پیش که شرایط تولید راحت‌تر بود، اختلافات قیمت زیادی نداشتیم و نوسانات نرخ ارز اینقدر زیاد نبود، تامین اجتماعی بیشتر با تولیدکنندگان راه می‌آمد اما حالا که تولید نیاز به حمایت بیشتری دارد، حمایتی از تولید ندارد. به‌عنوان نمونه در قانون قبلی تامین اجتماعی اگر کارفرما لیست بیمه را بدون پرداخت پول به تامین اجتماعی ارائه می‌داد، تامین اجتماعی مکلف بود لیست را دریافت و سوابق کارگران را اعمال کند و خدمات را ارائه دهد و بعد هم طلب و جریمه آن را از کارفرما می‌گرفت. در قانون فعلی هم به این موضوع اشاره شده، اما سازمان یک سامانه تعریف کرده و تا حق بیمه لیست ماه قبل پرداخت نشده باشد، سامانه به هیچ وجه اجازه بارگذاری لیست ماه بعد را به کارفرما نمی‌دهد. در نتیجه کارگر بلاتکلیف است و اگر حادثه‌ای برای او رخ دهد، تحت پوشش بیمه نیست. دفترچه تمدید نمی‌شود و...؛ دارایی و بانک هم همین کار را می‌کنند. متاسفانه هیچ کدام از نهادهای اجرایی شرایط سخت تولید را درک نمی‌کنند. ورودی و خروجی تولید هر دو نابسامان است و تولید از تامین مواد اولیه گرفته و تا فروش، در تمام مراحل مشکلات عدیده‌ای دارد.

وی ادامه داد: براساس جداول داده و ستانده بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، تولیدکنندگان با حدود ۱۶ درصد ارزش‌افزوده، ۶۱ درصد مالیات پرداخت کرده‌اند؛ حال آنکه بخش خدمات که شامل بازرگانی و واسطه‌گری هم می‌شود با ۴۴ درصد ارزش‌افزوده ۲۲ تا ۲۳ درصد مالیات پرداخت کرده است! یعنی بار اصلی مالیات بر دوش تولید است و این همه اهمیت و نقش دارد، اما در نهایت هم حمایتی به‌معنای واقعی از آن نمی‌شود. به‌گونه‌ای که امسال به‌جای تسهیلات حمایتی تولید، تسهیلات بخش بازرگانی و واردات بیشتر شده است.

خدماتی که روز به روز آب می‌رود

این فعال حوزه صنعت در ادامه درباره ضعف‌ها و خلأهای تامین اجتماعی اظهار کرد: در شرایط کنونی که نیاز بیشتری به حمایت‌های تامین اجتماعی داریم، شاهدیم که روز به روز خدمات این نهاد کاهش پیدا می‌کند. کارگری که ۳۰ سال حق بیمه به دولت پرداخت و هزینه کرده، بعد از بازنشستگی باز هم باید تحت عنوان بیمه تکمیلی هزینه بپردازد تا بتواند از پس هزینه‌های دوا و درمان زمان بازنشستگی برآید که البته سیستم بیمه‌های تکمیلی هم داستان خود را دارد و پردردسر است. البته دولت نیز سیاست حمایتی از تامین اجتماعی ندارد و با اقدامات نامناسب، این سازمان را به‌نوعی فقیر کرده است. باید توجه داشته باشیم که پول تامین اجتماعی از حقوق کارگران تامین می‌شود، یعنی بیت‌المال نیست؛ حق‌الناس است. دولت در ازای بدهی‌اش به سازمان تامین اجتماعی یک‌سری کارخانه ورشکسته به‌نام شستا به تامین اجتماعی داده که نه‌تنها هیچ نفعی برای این سازمان ندارد که مشکلات آن را بیشتر هم کرده است؛ بنابراین از یک سو در سیاست‌گذاری‌های کلان دولت، تامین اجتماعی دیده نمی‌شود که منجر به ضعف این سازمان بسیار مهم شده و از سوی دیگر، مدیریت نامناسب و تصمیم‌گیری‌های کارشناسی‌نشده، سازمان تامین اجتماعی را از خدمات اصلی که باید ارائه دهد، دور کرده است. به‌نوعی می‌توان گفت تامین اجتماعی امروز فقط در حد حرف باقی مانده و دیگر پشتوانه‌ای برای فردا نیست.

نجفی‌سهی در پایان با اشاره به اینکه مشکلات ما با تامین اجتماعی سال‌هاست محل اعتراض و نارضایتی کارگران و کارفرمایان شده، ادامه داد: تولیدکنندگان انتظار دارند سازمان تامین اجتماعی خدمات کاملی به بیمه‌شدگان و کارگران ارائه دهد تا اندکی از بار مشکلات‌شان در زمان بازنشستگی کاهش پیدا کند و نیازی به بیمه تکمیلی هم نداشته باشند. واقعیت این است که ۳۳ درصد حق بیمه برای کارگری که در نهایت ۱۰ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کند، پول کمی نیست و با این درصد بالا انتظار پوشش‌دهی ۱۰۰ درصدی می‌رود که نه‌تنها محقق نمی‌شود که همان حداقل خدمات بیمه‌ای هم به‌سختی به آنها داده می‌شود.

سخن پایانی

به‌اعتقاد کارشناسان و صاحب‌نظران، سازمان تامین اجتماعی به‌عنوان قوام‌دهنده اشتغال و تسهیل‌کننده تحقق اهداف توسعه، نقش کلیدی و ویژه‌ای دارد و کارکردهای درست آن می‌تواند یاری‌رسان تولید در راه برون‌رفت از بحران‌های اقتصادی باشد و برعکس تحمیل بار مضاعف روی دوش کارفرمایان و کارگران می‌تواند به سهم خود تعمیق‌کننده وضعیت نابسامان اقتصادی موجود باشد. در حال حاضر که کمبود نقدینگی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی صنعت است باید تامین اجتماعی در بخشنامه‌ها و قوانین خود این موضوع را مدنظر قرار دهد و همراه کارفرمایان باشد تا در نهایت نیروهای بیمه‌شده بتوانند به خدمات بهتری در شرایط مناسب و تسهیل‌شده‌ای دسترسی پیدا کنند. در این میان، کارفرمایان و مدیران واحدهای تولیدی نباید از کسب آگاهی و آشنایی با قوانین و مقررات حوزه تامین اجتماعی غافل شوند، زیرا آگاهی آنها خود می‌تواند مانع برخوردهای سلیقه‌ای و نیز جلوگیری از تضییع حقوق آنها شود. تامین اجتماعی در کشور ما همواره با شعار نیاز امروز و پشتوانه فردا شناخته می‌شود که متاسفانه بازخورد عملکردهایی که در دهه اخیر داشته نشان می‌دهد از این هدف والا و شعار بنیادی خود، فاصله بسیار زیادی دارد. امید که متولیان امر تدبیری بیندیشند تا امیدی را ناامید نکنند.

بروکراسی نظام تامین اجتماعی دردسرساز شد



عکس: صمت

بخش کارفرمایی ایران در طول سال‌های گذشته با ۲ مقوله تامین‌اجتماعی و مالیات درگیر بوده است

مرضیه احقاقی: براساس قوانین تامین اجتماعی، حق بیمه عبارت است از وجوهی که برای استفاده از مزایای بیمه به سازمان پرداخت می‌شود. کل مبلغ حق بیمه ۳۰ درصد از حقوق هر فرد است که از این ۳۰ درصد، ۲۳ درصد را کارفرما باید به اداره بیمه پرداخت کند و ۷ درصد مابقی از حقوق فرد بیمه شده کسر می‌شود. با پرداخت حق بیمه ماهانه مزایای خاصی نصیب کارکنان خواهد شد.

این مزایا عبارتند از: بیمه بیکاری، دریافت بیمه‌های درمانی، بیمه حوادث و بیماری‌ها، دریافت مستمری از کارافتادگی، بازنشستگی و....

حق بیمه برای برخی مشاغل که شرایط دشوار کاری دارند، متفاوت است و این کارگران به‌ازای مدت‌زمان کوتاه‌تری فعالیت بازنشسته می‌شوند. فعالیت در برخی از معادن و صنایع وابسته آنها نیز بسته به نوع عملکرد در رده مشاغل سخت و زیانبار است. هرچند در مواردی مشاهده می‌شود کارگران این واحدها از بیمه نشدن مطابق با شرایط سخت کاری گلایه دارند؛ البته این تمام ماجرا نیست و کارفرمایان نیز نظرات خود را دارند و در موارد متعددی نسبت به عملکرد سازمان تامین اجتماعی گلایه می‌کنند.

ضرورت تسهیل بروکراسی بیمه‌ای



آنوش رحام، فعال صنعت فولاد در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: بخش کارفرمایی ایران در طول سال‌های گذشته با ۲ مقوله تامین اجتماعی و مالیات درگیر بوده است. وی افزود: فرآیند جذب بیمه‌شدگان در صندوق‌های بازنشستگی در دنیا آسان است؛ قوانین و مقررات دست‌وپاگیری بر این روند حاکم نیست و با حداقل مقررات و قوانین تلاش می‌کنند از جامعه کارگری حمایت کنند. اما این چتر حمایتی نباید به‌گونه‌ای باشد که جدایی میان کارفرما و نیروی کار ایجاد کند. متاسفانه در کشور و در موارد متعددی شاهد برخوردهای سلبی در قبال کارفرمایان هستیم. همین موضوع موجب شده مقوله تامین اجتماعی به‌عنوان یک معضل برای همه کارفرمایان مطرح باشد. این در حالی است که انتظار می‌رود روابط یادشده همراه با تعامل باشد و در عین حال حفظ موقعیت‌های شغلی در شرایط دشوار اقتصادی کنونی و با وجود فشارهای تحریمی و تورمی در اولویت باشد.

این فعال صنعت فولاد افزود: اصولا در سیستم تامین اجتماعی انتظار می‌رود به‌ازای هر یک نفری که بازنشست می‌شود، ۶ نفر حق بیمه پرداخت کنند. اما ما در سال‌های گذشته شاهد کاهش بیمه‌پردازان بوده‌ایم. علت کاهش بیمه‌پردازی نیروی کار در ایران بروکراسی حاکم بر نظام تامین اجتماعی است. اگر این بروکراسی وجود نداشت؛ امکان بیمه‌پردازی پلکانی وجود داشت مشوق‌هایی برای بدنه کارفرمایی تعریف می‌شد؛ تعداد بیمه‌پردازان کشور افت نمی‌کرد. علاوه‌بر تمام موارد یادشده نیروهای خوداشتغال امکان پرداخت بیمه ندارند یا افرادی که چند سال کار کرده‌اند و بیمه آنها رد نشده اما نمی‌توانند حق بیمه خود را بپردازند. دلیل و استدلالی برای این موانع وجود ندارد و تنها به ضعیف شدن سیستم بیمه‌ای کشور منجر می‌شود.

وی افزود: علاوه‌بر تمام موارد یادشده از سازمان تامین‌اجتماعی انتظار می‌رود به‌عنوان بازوی تامین اشتغال در جامعه باشد.

از مجموع موارد یادشده این‌طور برداشت می‌شود که تغییر در نظام تامین اجتماعی کشور ضروری است. مالکان سازمان تامین اجتماعی مردم هستند. این سازمان از پرداخت‌های مالی نیروی کار و کارفرما شکل گرفته است اما گویی همین صاحبان در اولویت سازمان نیستند.

رحام در ادامه خاطرنشان کرد: ۲۲ مولفه برای سنجش محیط کسب‌وکار ارزیابی می‌شود. پنجمین عامل در اخلال نظام کاری ایران، تامین اجتماعی است. تامین‌اجتماعی به‌ازای بیمه کارگران باید هزینه‌ای را ماهانه پرداخت کند. این پرداختی‌ها در نهایت آینده معاش یک فرد را تامین نمی‌کند.

بنابراین تغییر در فرمول محاسباتی سهم بیمه ضروری است. در ادامه جایگاه سازمان تامین اجتماعی و بیمه‌های تامین اجتماعی در بخش سهولت کسب‌وکار باید جایگاهی قابل قبول باشد. بدین ترتیب باید در مسیر تسهیل پرداخت حق بیمه تامین اجتماعی در کشور گام برداشت. شرایط برای جذب حداکثری نیروی کار فراهم، حق بیمه افزایش یابد و بروکراسی‌های زائد حذف شود.

کارفرما ملزم به رعایت حقوق کارگر



حسن حسینقلی، فعال حوزه سرب و روی در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: اغلب کارفرمایان معدنی و فعالان صنایع‌معدنی توجه به حقوق کارگران را در حوزه‌های مختلف در اولویت قرار می‌دهند. با وجود این، سیاه‌نمایی گسترده‌ای نسبت به عملکرد آنها وجود دارد.

حقوق فعالان بخش معدن به‌طور کامل از سوی کارفرما پرداخت می‌شود. به‌علاوه آنکه باید تاکید کرد که کارگران متعدد و در بخش‌های مختلف در حوزه معدن و صنایع معدنی فعالیت می‌کنند. بخش قابل‌توجهی از منابع انسانی در واحدهای اداری، سرویس، نگهبانی، واحدهای آزمایشگاهی و... فعالیت می‌کنند و عملکرد آنها ارتباطی با معدن و سختی‌های متداول در آن ندارد. علاوه‌بر این سطح آلایندگی و آسیب‌رسانی در معادن مختلف متفاوت است.

معادن سرب در رده آلاینده‌ترین منابع معدنی یاد می‌شوند. چنانچه ذرات سرب کوچک‌تر از ۲میکرون نباشد، به بدن جذب نخواهد شد. در انفجار معدن و همچنین طی فرآیند حفاری، اندازه ذرات سرب به زیر ۲میکرون کاهش نخواهد یافت. در همین حال اقدامات متفاوتی برای حفظ ایمنی کارگران اجرایی می‌شود؛ ازجمله آنکه همه کارگران از لباس، ماسک و کلاه ایمنی برای فعالیت خود استفاده می‌کنند. در ادامه سرب و روی در واحدهای فرآوری وارد بال‌میل‌تر می‌شوند.

وی در ادامه اظهار کرد: فعالان بخش معدن و صنایع معدنی تحت شرایط استانداردی فعالیت می‌کنند. در همین حال تمامی حقوق قانونی آنها مورد توجه کارفرمایان قرار دارد. بنابراین انتظار می‌رود هر نوع انتقادی با شناخت صحیح از شرایط باشد.

سخن پایانی

از مجموع موارد یادشده این‌طور برداشت می‌شود که انتقاداتی جدی به عملکرد سازمان تامین اجتماعی وارد است. این سازمان با وجود بروکراسی‌های پیچیده اداری موانعی را در مسیر بیمه‌پردازی ایجاد می‌کند و در نهایت کارگران از این عملکرد متضرر خواهند شد. بنابراین امید می‌رود ضمن تلاش برای رفع این کاستی‌ها برای بهبود شرایط تلاش کرد.

با حضور موثقی‌نیا سرپرست ایمیدرو در شرکت ملی مس برگزار شد؛

نشست بررسی پتانسیل‌های تولید یک میلیون تن محتوی معدنی مس در صنایع مس ایران



با حضور محمدرضا موثقی‌نیا سرپرست ایمیدرو در شرکت ملی مس، جلسه بررسی پتانسیل‌های تولید یک میلیون تن مس محتوی معدنی در شرکت ملی صنایع مس ایران برگزار شد.

در این جلسه علی رستمی ضمن عرض تبریک انتصاب موثقی‌نیا و ارائه گزارش آخرین وضعیت شرکت ملی صنایع مس ایران شامل حوزه‌های اکتشافات، تولید، توسعه، فروش و سودآوری شرکت، بر پتانسیل‌های توسعه شرکت ملی صنعت مس ایران برای افزایش ظرفیت ۳ برابری تولید شرکت و دستیابی به یک میلیون تن مس محتوی معدنی و ارزآوری حدود ۱۰میلیارد دلاری و اشتغالزایی ۵۰هزار نفری صنعت مس تاکید کرد.



HOSCO شرکت فولاد هرمزگان

شماره مناقصه ۱۴۶۱۷۹

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

شرکت فولاد هرمزگان جنوب

موضوع مناقصه: اجرای سیستم حفاظت الکترونیک شرکت فولاد هرمزگان جنوب به روش EPC

مدت قرارداد: ۱۸ ماه از تاریخ شروع کار

مناقصه‌گزار: شرکت فولاد هرمزگان جنوب

نحوه دریافت اسناد: کلیه متقاضیان با ارسال اسناد ذیل به شماره فکس ۳۳۵۳۰۱۴۵-۰۷۶ و آدرس ایمیل roknadini.m@hosco.ir می‌توانند نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.

۱- واریز مبلغ ۵۰۰،۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۱۱۱۱۱۱۱۰۰۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه مرکزی هرمزگان، به نام شرکت فولاد هرمزگان جنوب بابت خرید اسناد مناقصه

۲- نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه با ذکر شماره تماس و ایمیل رسمی

توضیحات:

۱- تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۱۶،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (شانزده میلیارد و پانصد میلیون) ریال خواهد بود.

۲- نوع تضمین:

الف- ضمانتنامه بانکی به نفع کارفرما: مدت اعتبار تضمین بانکی حداقل سه ماه بوده و برای سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد.

ب- فیش واریز وجه نقد معادل مبلغ ضمانتنامه به شماره حساب ۰۱۱۱۱۱۱۱۰۰۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه مرکزی هرمزگان

۳- شرکت‌کنندگان ملزم به ارائه گواهی‌های زیر می‌باشند.

- گواهینامه معتبر صلاحیت ایمنی پیمانکاران از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- گواهینامه معتبر افتا (پیاده‌سازی امنیت فیزیکی)
- گواهینامه معتبر حداقل رتبه ۲ شورای عالی انفورماتیک (شبکه داده)

ج) جدول زمانی انجام مناقصه:

آخرین مهلت دریافت اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکت	تاریخ گشایش پاکت الف و ب
۱۴۰۲/۰۵/۰۴	۱۴۰۲/۰۵/۱۶	۱۴۰۲/۰۵/۱۷

نکته۱: تاریخ گشایش پاکت ج متعاقبا اعلام خواهد شد.

متقاضیان برای آگاهی بیشتر می‌توانند در ساعات اداری با شماره تلفن‌های ۳۳۵۳۰۰۰۳ با کد ۰۷۶ داخلی ۳۲۶۶ (اطلاعات بازرگانی) و داخلی ۸۵۰۸ (اطلاعات فنی) تماس حاصل نمایند. قابل ذکر است که هزینه‌های چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

روابط عمومی شرکت فولاد هرمزگان جنوب

یادداشت

تضییع حقوق همه ایرانیان



سالار باوند
کارشناس و فعال معدنی

اقتصاد پنهان که از آن با عناوینی مانند اقتصاد غیررسمی، نامشهود، سایه، زیرزمینی و سیاه یاد می‌شود، وجوه مختلفی دارد که از آن جمله می‌توان به فعالیت‌های زیرزمینی، غیرقانونی، غیررسمی و... اشاره کرد. بخش معدن هم از آسیب‌های اقتصاد پنهان در امان نیست و یکی از بزرگ‌ترین معضلات مبتلابه آن، فعالیت‌های زیرزمینی است. این نوع از فعالیت‌ها مواردی را در برمی‌گیرد که ماهیت قانونی دارند، اما به دلایلی از دید مسئولان ذی‌ربط پنهان نگاه داشته می‌شوند. این دلایل عبارتند از: امتناع از پرداخت مالیات و سهم تامین‌اجتماعی، خودداری از پذیرش ضوابطی نظیر حداقل دستمزد یا مقررات مربوط به ایمنی، سلامت کار و... یکی از مهم‌ترین نمودهای اقتصاد پنهان در بخش معدن، بکارگیری نیروی کار با دستمزدی پایین‌تر از کف حقوق وزارت کار است. مهم‌ترین عاملی که بستر چنین آسیبی را فراهم می‌کند، از یک‌سو، ضعف نظارت بر نحوه بکارگیری پرسنل در مجموعه‌های معدنی و از سوی دیگر، نبود بازدارندگی قوانین و مجازات‌های مربوط به آن است. در زمینه قوانین جاده‌ای و راهنمایی و رانندگی بارها شنیده‌ایم که جریمه و مجازات، بازدارنده نیست و موجب کاهش تخلفات نمی‌شود. به‌عقیده من، این آسیب در بخش معدن هم به‌شدت به‌چشم می‌خورد. در واقع، موارد متعددی وجود دارد که پرسنل به‌راحتی از طرف کارفرما تحت‌فشار قرار می‌گیرند، اما اگر مجازات‌های بازدارنده و قوی در این زمینه در نظر گرفته شود، دیگر هیچ کارفرمایی جرات نمی‌کند که در این زمینه ریسک کند. به‌عنوان مثال، اگر مسجل شود که مجموعه‌ای، نیروی کار خود را بدون توجه به قوانین و مقررات جذب کرده است، آن کارفرما باید ملزم شود، نیروی انسانی خود را به‌صورت رسمی استخدام کند یا اگر از پرداخت حقوق و مزایای پرسنل خود سرپیچی کرد، تا ۱۰ سال نتواند قرارداد کاری نیروی انسانی خود را فسخ کند یا پروانه معدنکاری آن فرد باطل شود. در این صورت، دیگر هیچ کارفرمایی جرات نمی‌کند که دست به چنین اقداماتی بزند و قوانین و مقررات وزارت کار را نادیده بگیرد و حق‌وحقوق پرسنل خود را پایمال کند. البته شاید بتوان گفت قوانین در مواردی بازدارندگی کافی هم دارند، اما ضمانت اجرایی چندانی ندارند. به‌این ترتیب، کارفرمایان راهکار دور زدن قوانین را پیدا می‌کنند و چون نظارت دقیقی وجود ندارد، معمولا این تخلفات از دید مسئولان ذی‌ربط پنهان می‌ماند و تا زمانی که فردی اعتراض یا شکایت نکند، موضوع، موردبررسی قرار نمی‌گیرد. متاسفانه باید اعتراف کرد که بسیاری از نیروهای شاغل در مجموعه‌های معدنی به‌خاطر حفظ موقعیت شغلی خود مجبور هستند تن به شرایطی ناعادلانه بدهند. برای مثال، در حال حاضر، بسیاری از کارفرمایان معدنی، کارگرانی را با دستمزدی کمتر از کف حقوق وزارت کار به خدمت می‌گیرند و از پرسنل خود امضا می‌گیرند که حداقل حقوق ماهانه را دریافت کرده است یا هنگام عقد قرارداد مجبور می‌شوند برگه‌های سفیدامضایی به کارفرما بدهند و به‌این ترتیب، در هر مرحله‌ای که مجموعه اراده کند، می‌تواند بند موردنظر خود را به آن برگه‌های سفید اضافه کند، برای مثال از قول کارگر بنویسد که حقوق خود را دریافت کرده است و هیچ ادعایی ندارد و افراد هم معمولا به‌واسطه نیاز به شغل و درآمد آن، هیچ اعتراضی به این رویه غیرقانونی نمی‌کنند و اگر زمانی یکی از پرسنل مجموعه اعلام کند که مطالبات قانونی خود را دریافت نکرده است، کارفرما می‌تواند به‌راحتی و بدون هیچ هزینه‌ای، فرد دیگری را جایگزین وی کند. روشن است که در چنین شرایطی، چرخه معیوب بهره‌کشی از کارگران تداوم پیدا می‌کند. امروزه اگر فردی به وزارت کار مراجعه و بتواند ثابت کند که حق‌وحقوق خود را نگرفته است، در نهایت کارفرما ملزم به پرداخت مطالبات فرد می‌شود، اما هیچ جریمه دیگری وجود ندارد.

نکته‌ای که معمولا در این موارد ناگفته می‌ماند، این است؛ کارفرمایی که حق یک کارگر را زیر پا می‌گذارد، مطمئنا حق دولت و ملت را هم نادیده می‌گیرد.

مجموعه‌ای که ۲ میلیون پرداختی به یک کارگر می‌دهد و ۴ میلیون از او رسید می‌گیرد، چه بلایی سر معدن، که متعلق به ۸۰ میلیون آدم است، خواهد آورد؟ اگر قوانین بازدارنده و قوی برای مقابله با زیاده‌خواهی‌ها در نظر گرفته شود و نظارت‌ها دقیق و هوشمندانه باشد، هیچ‌گاه چنین مشکلاتی رخ نخواهد داد و این نه‌تنها حق کارگر و پرسنل شاغل در مجموعه‌های معدنی است؛ که حق‌وحقه همه مردم ایران است که باید ایفا شود.

در گزارش صمت به مناسبت روز بهزیستی و تامین‌اجتماعی مطرح شد

مجازات معدنچی برای جرم کارفرما

گیتا جاودانی
editor@smtnews.ir

تامین‌اجتماعی یکی از مهم‌ترین سیستم‌های اجتماعی در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در کشورهای پیشرفته است و نقش مهمی در توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی ایفا می‌کند. این سیستم به‌منظور حفظ و تقویت موقعیت اجتماعی و اقتصادی افراد در جامعه، به‌ویژه در شرایط بیماری، ناتوانی، بازنشستگی و بیکاری تدوین شده است.

سازمان تامین‌اجتماعی در ایران با هدف برنامه‌ریزی، مدیریت، حمایت و تسهیل زندگی افراد به‌ویژه در سنین پیری به‌وجودآمده و عهده‌دار اصلی برنامه‌های بازنشستگی در کشور است. این سیستم که شامل بخش‌های مختلفی از جمله بیمه سلامت، تامین‌اجتماعی، بازنشستگی و معلولیت است، با برخی ضعف‌ها و چالش‌ها مواجه است که باعث کاهش کیفیت خدمات ارائه‌شده و ایجاد نارضایتی در بین بیمه‌گذاران شده است.

از جمله این چالش‌ها که کارگران به‌ویژه معدنچیان با آن دست‌به‌گریبان شده‌اند، زیر پا گذاشتن حقوق بیمه‌ای کارگران پیمانکاری است. گفته می‌شود برخی پیمانکاران دستگاه‌های اجرایی با دستکاری لیست بیمه حقوق اولیه کارگران را تضییع می‌کنند.

در گزارش امروز صمت، علی ضمیری و مهدی قنبری؛ ۲ تن از معدنچیان زغال‌سنگ، مشکلات مرتبط با حوزه وظایف تامین اجتماعی را شرح می‌دهند.



عکس: صمت

کارفرمایان لیست بیمه کارگران را به‌درستی به اداره تامین اجتماعی ارائه نداده‌اند و این امر خلأ بیمه‌ای ایجاد کرده و مشکلات عدیده‌ای را برای کارگران به‌ویژه افرادی که به سن بازنشستگی رسیده‌اند، به‌وجود آورده است

تاریخچه تامین‌اجتماعی به دوران صنعتی شدن و تحولات اجتماعی برمی‌گردد. در قرن نوزدهم، با افزایش تعداد کارگران صنعتی و به‌وجود آمدن شرایط کاری نامناسب و خطرناک، حقوق کارگران و خانواده‌های آنها موردتوجه قرار گرفت. این باعث شد تا در برخی کشورها، قوانین و مقرراتی در زمینه حقوق کارگران و بیمه‌اجتماعی وضع و اجرا کنند. در سال ۱۸۸۳، در ایالات‌متحده‌امریکا، قانون بیمه اجتماعی تصویب شد که برای کارگران و کارفرمایان مشمول اجباری بود. این قانون برای حفظ درآمد و رفاه اقتصادی برای کارگران و خانواده‌های آنها در شرایط بیماری، ناتوانی و بازنشستگی تدوین شده بود. در سال ۱۸۸۹، آلمان به‌عنوان نخستین کشور اروپایی، قانونی را برای بیمه اجتماعی تدوین کرد تا امکانات رفاهی، بهداشتی و حقوقی کارگران و خانواده‌های آنها را در شرایط بیماری، ناتوانی و بازنشستگی تدوین کند. ازآن‌پس، سایر کشورها نیز به‌تدریج به بیمه اجتماعی پیوستند و سیستم‌های بیمه اجتماعی برای حفظ رفاه اجتماعی و حقوق افراد از طریق پرداخت حق بیمه در مقابل خدمات بهداشتی، درمانی، بازنشستگی و بیکاری توانمندتر شدند.

ظلم مضاعف به کارگر



علی ضمیری ـ عضو شورای کارگری‌شرکت زغال‌سنگ: بزرگ‌ترین مشکل کارگران معدن این است که برخی از کارفرمایان لیست حق بیمه آنها را به‌درستی به اداره تامین اجتماعی رد نکرده‌اند و این امر خلأ بیمه‌ای ایجاد کرده و مشکلات عدیده را برای کارگران به‌ویژه افرادی که به سن بازنشستگی رسیده‌اند، به وجود آورده است. به‌دلیل همین وقفه بیمه‌ای، کارگران باید چند سال بیشتر کار کنند و باتوجه به شغل سخت و زیان‌آوری که دارند، این ظلمی مضاعف در حق کارگران و خانواده آنها است. کارگران معدن در سال‌های پایانی دوره کاری خود اکثرا با بیماری‌های گوناگونی دست‌به‌گریبان هستند و باید بگویم، با کمال تاسف، بسیاری از آنها پیش از بازنشستگی به‌علت درگیری با انواع و اقسام بیماری‌های ناشی از سختی کار از دنیا می‌روند و فرصتی برای استفاده از خدمات بازنشستگی تامین اجتماعی کارگری، که در طول دوره فعالیت آن را پرداخت کرده‌اند، نمی‌یابند. بااین‌حال، به‌علت تخلف کارفرماها و بی‌توجهی دستگاه ناظر که صورت‌وضعیت را بدون کنترل و پایش تایید کرده‌اند، چه کارگران شاغل و چه آنهایی که به سن بازنشستگی رسیده‌اند، باید چندین سال بیشتر کار در این حوزه سخت و زیان‌آور را ادامه دهند.

قراردادهای معدنچیان

نوع قرارداد کاری تاثیر مستقیمی بر بیمه تامین اجتماعی دارد و برای محاسبه مبالغ بیمه تامین‌اجتماعی، نوع قرارداد کاری و درآمد و مزایا بسیار مهم است. اما معمولا قراردادهای ما «انجام معین» است. قرارداد «معین» معمولا برای انجام یک عمل مشخص منعقد می‌شود. در این نوع قرارداد، پیش از شروع کار، زمان دقیق پایان آن مشخص نیست. برای مثال، پروژه ساخت یک دیوار، طراحی یک طرح، بافتن یک قالی و...، همه در دسته‌بندی قرارداد کار معین قرار می‌گیرند. در این حالت، کارفرما برای انجام همان کار به‌صورت مشخص با فرد یا گروهی قرارداد می‌بندد. به‌همین‌خاطر، کاملا واضح است که قرارداد معین، موقت است و به‌محض انجام کار یا پروژه، قرارداد خودبه‌خود به‌پایان می‌رسد. در قرارداد معین، نیروی کار تعهد می‌کند که با دریافت مزد مشخص و تحت شرایط توافق‌شده، فعالیت مدنظر کارفرما را طبق متن تفاهم موجود، انجام دهد. در این نوع قرارداد، معمولا ابزار یا مواد اولیه را کارفرما تهیه می‌کند و تعیین محل کار نیز برعهده او است. البته این شرایط متغیر است و گاهی باتوجه به توافق ایجادشده میان طرفین قرارداد، تعیین می‌شود. نکته مهم اینجا است که یکی از اصول قرارداد دائم، عدم‌درج تاریخ اتمام قرارداد است؛ اما در قرارداد کار معین، از آنجا که برای انجام یک کار مشخص قرارداد بسته می‌شود، باوجود نبود تاریخ اتمام، قرارداد، دائم تلقی نمی‌شود و در دسته قراردادهای موقت قرار می‌گیرد. گفته شده بود که قراردادهای ما را دائمی کنند، اما متاسفانه هنوز هیچ خبری نیست و فقط به ما وعده می‌دهند، اما به هیچ‌کدام از آنها عمل نکرده‌اند.

فرسودگی ۲۰ ساله

معدنکاری جزو مشاغل سخت و زیان‌آور است و طبق قانون، کارگر معدن بعد از ۱۵ سال باید بازنشسته شود، اما متاسفانه این قانون در کشور ما اجرا نمی‌شود. در حال حاضر کارگرهایی داریم که بالای ۲۰ سال است مشغول به کار هستند و واضح است که این افراد به‌شدت فرسوده می‌شوند. مگر کارگر چقدر می‌تواند در معدن کار کند؟ حقوقی که از اول به کارگر می‌دهند، بسیار پایین است و موقع بازنشستگی این مقدار باز هم کمتر می‌شود. به‌این‌ترتیب، وقتی کارگر معدن سرانجام بعد از ۲۰ تا ۲۳ سال کار بازنشسته و خانه‌نشین می‌شود، مشکلات مالی و اقتصادی‌اش چند برابر افزایش پیدا می‌کند و در حالی که دیگر توان کار ندارد و با بیماری‌های زیادی مثل درد کمر و استخوان دست‌وپنجه نرم می‌کند، باید با شرایط بسیار سخت زندگی بسازد. شرایط بازنشستگی ما معدنکارها بسیار نامناسب است و تابه‌حال هیچ کاری برای ما نکرده‌اند. حقوق‌مان بسیار کم است. چه آنهایی که کار می‌کنند و چه آنهایی که بازنشسته‌اند. باید حقوق آن‌قدر باشد که بتواند جوابگوی هزینه زندگی باشد. ما از همه طرف متضرر می‌شویم و حاصل دسترنج‌مان هیچ بازدهی برای خودمان ندارد.

تنها تقاضایی که ما از مسئولان داریم، این است که فکری برای بازنشستگی معدنچی‌ها بکنند. فکری برای آینده این کارگرانی که بعد از ۲۰ سال هنوز در معدن کار می‌کنند و صدایی برای اعتراض ندارد، بکنند.

> کارگران سال‌ها است که با قراردادهای موقت از مزایای قراردادهای دائم محروم شده‌اند. به‌این‌ترتیب، همواره در خطر اخراج شدن از کار قرار دارند و این ترس دائمی موجب می‌شود نتوانند حق‌وحقوق خود را از کارفرما مطالبه کنند

افزایش هزینه استهلاک



مهدی قنبری ـ معدنچی زغال‌سنگ: کارگران معدن که طی سالیان متمادی در عرصه اقتصادی و با کار سخت و زیان‌آور مشغول به کار بوده‌اند، امروز که دچار فرسودگی، بیماری و درگیری با انواع نقص‌های جسمانی و روحی شده‌اند و به مرحله بازنشستگی رسیده‌اند، باید بتوانند از این فرصت بهره‌مند شوند. علاوه بر این، ادامه کار با پرسنل خسته و فرسوده به‌نفع تولید اقتصادی سودآور نیست و به‌این ترتیب، روزبه‌روز هزینه‌ها بیشتر و تولید کمتر می‌شود و ترتیب هزینه استهلاک بسیار بیشتر از بهره‌وری خواهد شد.

یک حقیقت تلخ

یکی از حقایق تلخ معدنکاری این است که معدنچی یا به سن بازنشستگی نمی‌رسد یا اندکی پس‌ازآن، به‌دلیل بیماری‌های ناشی از کار سخت و دشوار، بدرود حیات می‌گوید و هیچ لذتی از دوران بازنشستگی خود نمی‌برد. باتوجه به نقش بسیار مهمی که کارگران و به‌ویژه معدنکاران در پیشبرد اقتصاد کشور دارند، انتظار می‌رود هرچه سریع‌تر نسبت به حل خلأ بیمه‌ای اقدام و جفای بزرگ پیمانکاران در حق پرسنل جبران شود. علاوه بر این، بهبود تجهیزات و تامین امکانات به‌روز معدنی و استخدام نیروی تازه‌نفس و جوان از دیگر ضروریات بسیاری از معادن است تا معدنکاران بتوانند هرچه سریع‌تر تولید را از بحران فعلی خارج کنند و زحمتکشان دیروز این عرصه هم چند صباحی از نعمت بازنشستگی بهره‌مند شوند.

مشکلات بیمه‌ای

لیست‌های ناقص به تامین اجتماعی ارسال شده؛ برای مثال، در هر ماه، ۵ یا ۱۰ روز بیمه کارگر رد نشده است و همین امر موجب می‌شود که کارگر واجد شرایط؛ نتواند بازنشسته شود. مشکل با تغییر مدیران دستگاه‌های دولتی و به‌تبع آن، تغییر پیمانکاران و مناقصات، حادتر می‌شود، اما با استناد و به‌موجب تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار جمهوری اسلامی ایران و همچنین ماده ۱۲ قانون کار مبنی بر اینکه تمامی تعهدات کارفرمای سابق برعهده کارفرمای فعلی است، کارفرما مکلف به رعایت کلیه حقوق و قطعیت قرارداد کارگران است. کارگر هیچ نقشی در تخلفات پیمانکار ندارد و نباید تاوان این تخلفات را بپردازد؛ کارفرمای مادر، نهادهای ناظر و مسئولان بالادستی نباید بگذارند تاوان ظلم و سودجویی پیمانکاران را کارگرانی بدهند که از حق بازنشستگی به‌موقع محروم هستند. نکته دیگری که باید در اینجا به آن اشاره کرد، ضرورت توجه به وضع قراردادها و شرایط نیروهای شرکتی است. کارگران سال‌ها است که با قراردادهای موقت از مزایای قراردادهای دائم محروم شده‌اند. به‌این‌ترتیب، همواره در خطر اخراج شدن از کار قرار دارند و این ترس دائمی موجب می‌شود که نتوانند حق‌وحقوق خود را از کارفرما مطالبه کنند.

اقدامات رفاهی

باتوجه به ماده ۱۴۹ قانون کار، کارفرمایان مکلف هستند با همکاری تعاونی‌های مسکن و در صورت نبود این تعاونی‌ها به‌طور مستقیم، برای تامین خانه شخصی کارگران اقدامات لازم را انجام دهند. همچنین کارفرمایان کارگاه‌های بزرگ، مکلف به احداث خانه‌های سازمانی در جوار کارگاه یا محل مناسب در نزدیکی کارگاه‌ها هستند. علاوه بر این، دولت هم موظف است با استفاده از تسهیلات بانکی و امکانات وزارت راه و شهرسازی، شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های مربوطه برای انجام این مهم همکاری‌های لازم را انجام دهد. خوشبختانه دولت انقلابی با عزم جدی و توان مضاعف در این زمینه کارهای بزرگ انجام داده و تصمیم‌های مهمی گرفته است، بنابراین امید است پروژه تامین مسکن کارگران طبق روال قانونی آغاز شود.

طبقه‌بندی و تبعات آن

طرح طبقه‌بندی مشاغل که در برخی معادن به اجرا رسیده است، طبق روال قانونی خود که به‌صراحت در قانون کار جمهوری اسلامی آمده، اجرا نشده و اعمال نظرات شخصی و اقدامات غیرقابل‌قبول در این فرآیند انجام شده است. برای مثال، بسیاری از موارد بدهی از جمله سابقه کار، مدرک تحصیلی، شرایط متفاوت کاری و... مدنظر قرار نگرفته، از آنجایی که این طرح به‌صورت تحمیلی و ناقص اجرا شده و باز هم در حق کارگران معادن اجحاف صورت گرفته است، به‌نظر می‌رسد مداخله مستقیم وزارت کار و دیوان عدالت اداری ضروری است تا هرچه سریع‌تر نواقص طرح برطرف شود و کارگران عزیز و زحمتکش مزایای طرح طبقه‌بندی را حس کنند. بنابراین یکی از درخواست‌های جدی معدنچیان اصلاح، بازنگری و اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل است.

ضریب کار در معدن

کار در معادن جزو مشاغل سخت و زیان‌آور محسوب می‌شود و کار در معادن زیرزمینی و به‌ویژه زغال‌سنگ جزو سخت‌ترین آنها است. بر این اساس، در تمامی دنیا ضریب این نوع شغل ۲ یا حتی بیشتر است. عمر کاری مفید یک معدنچی، به‌طورمعمول ۵+۱۰ سال است. یعنی ۱۰ سال کار در کارگاه استخراج و ۵ سال کار بیرون از آن. سال‌ها پیش در یک دوره، کارگران معدن از مزایای ضریب ۲ شغلی برخوردار شدند و به‌این ترتیب، گروهی توانستند با ۱۵ سال فعالیت خود را بازنشسته کنند.

اما این روال کم‌کم به فراموشی سپرده شد. امروزه در قانون تامین‌اجتماعی این ضریب برای همه شاغلان حرفه‌های سخت زیان‌آور مثل رانندگان، پرستاران، نانوایان و... ۱.۵ در نظر گرفته شده است. از آنجا که کارگر معادن زیرزمینی بعد از ۱۰ سال با انواع مشکلات تنفسی، حادثه‌های ناشی از کار سخت و... روبه‌رو می‌شود، در عمل امکان کار کردن ندارد و مجبور کردن آنها به ادامه فعالیت، علاوه بر اینکه جفا در حق این قشر است، به‌صورت سربار برای شرکت خواهد بود. بنابراین در صورت تصویب ضریب ۲، همانند قانون سال‌های گذشته صندوق بازنشستگی که برای کارگران معدن، نیروهای جوان جایگزین می‌شوند و پسر به‌جای پدر مشغول کار خواهد شد که این باعث افزایش تولید و کمتر شدن تعهدات حقوقی شرکت می‌شود. بنابراین باتوجه به دشواری‌های غیرقابل‌انکار شغل معدنچیان و آسیب‌های جسمی و روحی متعددی که به آنها وارد می‌شود، ضروری است که کاهش دوره کاری، دوباره در دستور کار قرار گیرد و مجلس محاسبه ضریب ۲ شغلی برای آنها را به‌تصویب برساند تا به‌صورت قانون درآید و همه کارفرماها ملزم به رعایت آن شوند.

به‌وقت بازنشستگی

مطابق با بخش اول بند (ب) تبصره ۲ قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان‌آور، کارگران با

داشتن حداقل ۲۰ سال متوالی یا ۲۵ سال متناوب اشتغال در کارهای سخت و زیان‌آور، به‌شرط آنکه در هر مورد، حق بیمه مدت مزبور به صندوق تامین‌اجتماعی پرداخت شده باشد، می‌توانند بدون شرط سنی درخواست خود را به ادارات کار و امور اجتماعی استان‌ها برای طرح در کمیته‌های استانی ارائه کنند. اما باتوجه به اینکه بسیاری از همکاران ما در سال‌های پایانی کار خود بر اثر حادثه جان خود را از دست می‌دهند، طبق قانون برای آنها ضریب تعلق نمی‌گیرد و باتوجه به حضور بسیاری از آنها در کارگاه‌های استخراج و خط مقدم تولید، اصلاح این قانون برای این قشر زحمتکش ضروری است.

بنابراین، لازم است نسبت به اصلاح این بند که ظلم بزرگی در حق کارگران مشاغل سخت به‌حساب می‌آید، اقدام شود. علاوه بر این، باتوجه به سختی کار معدن و مخاطرات آن، انتظار می‌رود نسبت به‌قرار گرفتن معدنچیان تحت‌پوشش بیمه درمان تکمیلی معتبر اقدامات جدی انجام گیرد تا بتوانند در صورت نیاز، از پس تامین هزینه‌های بیماری‌های جسمی، روحی و گاه امراض صعب‌العلاج برآیند.

سخن پایانی

کارگران معدن از جمله گروه‌هایی به شمار می‌روند که در شرایط سخت و پرخطر فعالیت می‌کنند، بنابراین نیازمند حمایت ویژه‌ای توجه خاص هستند. این افراد همواره با صدمات جسمی و روانی جدی، حوادث شدید محیط کار و... مواجهند.

بنابراین جا دارد وضعیت رفاهی و تامین‌اجتماعی کارگران معدن مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد. حق مسلم آنهاست که از خدمات مکفی بهره‌مند شوند تا در صورت بروز حوادث مرتبط با کار یا بیماری، به مزایای تامین‌اجتماعی دسترسی داشته باشند و از خدمات آن استفاده کنند.

راهکار حل مشکلات اصناف با سازمان تامین‌اجتماعی

تعامل حرف اول و آخر را می‌زند

طبق آمار بخش قابل توجهی از اشتغال غیردولتی کشور در حوزه اصناف متمرکز شده است که اعضای صندوق بازنشستگی تامین‌اجتماعی را تشکیل می‌دهند. این درحالی است که در سال‌های اخیر رکود اقتصادی موجب کاهش اشتغال در اصناف شده و نگرانی‌ها از برهم خوردن ترازهای مالی سازمان تامین‌اجتماعی را بیشتر کرده است.
از سوی دیگر، مشکلات اصناف در حوزه تامین اجتماعی منحصر به واحدهای صنفی نیست و اتحادیه‌ها و اتاق‌های اصناف نیز در این زمینه مشکلاتی پیرامون حسابرسی، پیمانکاری و ... دارند. بسیاری معتقدند همه این موارد و مشکلات تنها با تعامل موثر بین اصناف و سازمان تامین اجتماعی قابل حل است.
صمت در این گزارش به بررسی مشکلات اصناف و سازمان تامین‌اجتماعی پرداخته که به مناسبت روز ملی تامین اجتماعی و بهزیستی منتشر می‌شود.



عکس: صمت

گروه تجارت
editor@smtnews.ir

انصراف اصناف از کارفرمایی به ضرر دولت است



سعید ممبینی - عضو اتاق اصناف اهواز: به گفته مدیران سازمان تامین‌اجتماعی، حدود ۸۵ درصد اصناف لیست بیمه‌ای را به‌طور مرتب و ماهانه ارائه می‌کنند که این امر، قانون‌مداری و انضباط کارفرمایان صنفی را می‌رساند. از سوی دیگر خانواده بزرگ اصناف در ۴ حوزه تولیدی، توزیعی، خدماتی و خدمات فنی با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند که برخی از این مشکلات بدون همکاری دولت رفع شدنی نیست. در حوزه قوانین کار و بیمه، مشکلات اصناف مربوط به قوانین و بخشنامه‌های سازمان تامین‌اجتماعی است.

با توجه به سهم اصناف در ایجاد اشتغال، توجه به حفظ این بخش از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر تمایل به کارفرمایی در اصناف کاهش یابد، در واقع دولت شانس دریافت حق بیمه از مشاغلی را از دست می‌دهد که بدون هزینه سرباری بر دولت ایجاد شده و اداره می‌شوند. این در حالی است که دولت هزینه‌های کلانی برای ایجاد شغل در حوزه‌های صنعتی پرداخت می‌کند. بنابراین حمایت از کارفرمایان صنفی و کمک به تقویت رابطه کارگر و کارفرما در حوزه اصناف یکی از انتظارات ما از تامین‌اجتماعی است.

در این راستا، دولت باید از توسعه کسب‌وکارها حمایت کرده و قوانین را اصلاح کند. به‌طور مثال عدم حمایت قوانین بیمه‌ای از افزایش تعداد کارگر در واحدهای صنفی مشکل بزرگی است که تنها به‌دست دولت رفع می‌شود. مواردی از جمله توسعه کارگاه‌های زیر ۵ نفر که مشمول معافیت سهم کارفرما هستند می‌تواند زمینه افزایش سطح اشتغال در بنگاه‌های صنفی را فراهم کند. همچنین رویکرد سه جانبه‌گرایی در ساختار و در مدیریت تامین‌اجتماعی با استفاده از ظرفیت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی توامان مورد انتظار است.

اصلاح فهرست مشاغل مورد حمایت قانون درخصوص پرداخت حق بیمه کارفرما از سوی دولت نیز یکی از اموری است که باید به آن رسیدگی شود. برخی از مشاغلی که در سال‌های گذشته مشمول این قانون شده‌اند در گذر زمان تغییر شکل یافته یا از بین رفته‌اند و دیگر کاربردی در جامعه ندارند. بنابراین لازم است تا این فهرست بروزرسانی شود.

خانواده بزرگ اصناف در ۴ حوزه تولیدی، توزیعی، خدماتی و خدمات فنی با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند که برخی از این مشکلات بدون همکاری دولت رفع شدنی نیست

همکاری سازمان با اصناف برای توسعه پوشش بیمه



میرهاشم موسوی- مدیرعامل سازمان تامین‌اجتماعی: توسعه پوشش بیمه، از اهداف اصلی سازمان تامین‌اجتماعی است و اصناف می‌توانند در این زمینه با تامین‌اجتماعی همکاری کنند که باید مدل مناسبی برای این کار طراحی کنیم. هدف از جلسات تعاملی با تشکل‌های شرکای اجتماعی این است که همه برای حفظ امنیت و آسایش جامعه تحت پوشش سازمان تامین‌اجتماعی و رفع دغدغه کارگران همکاری کنیم و ماموریت مشترک خود را در زمینه خدمت به جامعه شریف کارگری انجام دهیم. ما دارای اهداف مشترک و اراده جدی هستیم و این اهداف و اراده باید به برنامه مشترک تبدیل شود. پیشداوری‌های مغرضانه در ابتدای فعالیت دولت سیزدهم مبنی بر ناتوانی این دولت و مدیریت منتخب آن در اداره سازمان تامین‌اجتماعی و بروز مشکل در این سازمان و شواهد حاکی از آن است که برخلاف پیشداوری‌ها در این دوره در پرداخت مستمری‌ها و اجرای تعهدات مختلف بیمه‌ای و درمانی حتی یک روز تاخیر نداشتیم. در این دوره در زمینه توسعه خدمات نه تنها توقفی صورت نگرفته، بلکه رویکرد توسعه خدمات نیز یا جدیت در حال پیگیری است. با وجود برخی مشکلات و محدودیت‌های منابع، ۲۰۰ پروژه توسعه‌ای را در حال احداث داریم که عمدتا مربوط به حوزه درمان هستند. در همه سفرهای استانی، افزایش کمی و کیفی خدمات را در دستور کار داریم. در مناطقی نیز که مرکز درمانی ملکی نداریم، هزینه درمان در مراکز دولتی به‌طور کامل توسط سازمان تامین‌اجتماعی پرداخت می‌شود و درمان رایگان به بیمه‌شدگان و بازنشستگان ارائه می‌شود. در این بین نمی‌توان از مطالبه تشکل‌های کارگری برای گسترش بیشتر پوشش بیمه‌ای، گذشت. پوشش کامل تامین‌اجتماعی و اجرای کامل اصل ۲۹ قانون اساسی، آرمان نظام و مدیران سازمان تامین‌اجتماعی است و در این سازمان در این دوره پوشش فراگیر بیمه‌ای برای همه اقشار را پیگیری می‌کنیم. توسعه پوشش بیمه از اهداف اصلی سازمان تامین‌اجتماعی است و اصناف می‌توانند در این زمینه همراه و همکار تامین‌اجتماعی باشند و باید مدل مناسبی برای این کار طراحی کنیم. پوشش بیمه‌ای صنوف مختلف از جمله رانندگان و کارگران ساختمانی و سایر اصناف را باید با استفاده از ظرفیت انجمن‌های صنفی پیش ببریم و از ظرفیت تشکل‌ها استفاده کنیم. در زمینه حضور نمایندگان تشکل‌های شرکای اجتماعی در حوزه‌های تصمیم‌گیری تامین‌اجتماعی، در گام اول باید از ظرفیت موجود استفاده کنیم و اگر به مشکلی رسیدیم برای اصلاح اقدام کنیم. ما امروز از ظرفیت نهادهای موجود استفاده لازم را نمی‌بریم و باید با استفاده بیشتر از ظرفیت فعلی برای تحقق اهداف مشترک تلاش بیشتری کنیم. نظارت مردمی در سازمان تامین‌اجتماعی مورد توجه است و به ظرفیت شرکای اجتماعی در نظارت مردمی توجه ویژه داریم. این درحالی است که تشکل‌ها بهترین ظرفیت برای صیانت از اموال سازمان هستند و باید از این ظرفیت استفاده کنیم و نظارت چندوجهی در این مجموعه در بخش‌های مختلف سازمان شکل گیرد. باید ظرفیت‌های نظارت درون‌سازمانی؛ دستگاه‌های نظارتی و شرکای اجتماعی را برای صیانت از اموال و منافع سازمان بیشتر از پیش به‌کار بگیریم.

سخن پایانی

اداره سازمان تامین‌اجتماعی در ادوار گذشته از شورایی به هیات‌امنایی تبدیل شده و کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران در ارکان سازمان نماینده‌ای ندارد. بسیاری از فعالان صنفی بر ضرورت بودن نماینده کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران؛ در بخش‌های مختلف سازمان تاکید دارند. این گروه معتقدند برای بهبود شرایط، سازمان تامین‌اجتماعی باید به اعضای تشکل‌ها به‌عنوان شریک اجتماعی بیشتر از گذشته اعتماد کند. در زمینه آموزش کارگران در حوزه ایمنی شغلی نیز این ظرفیت در انجمن‌های صنفی وجود دارد و سازمان تامین‌اجتماعی می‌تواند با حمایت از این موضوع، به حفظ سلامتی کارگران کمک کند و در این صورت هزینه‌های غرامت ایام بیماری نیز کاهش خواهد یافت.

فعالان صنفی معتقدند یکی از راهکارهای حل مشکلات اصناف با سازمان تامین اجتماعی، تشکیل کارگروه‌های استانی برای بررسی و حل مشکلات واحدهای صنفی هر استان است و براساس اخبار این کارگروه‌ها با حضور متخصصان این حوزه و در سطح ملی و استانی، در آینده نزدیک تشکیل خواهند شد.

یادداشت

بازی برد-برد صندوق بازنشستگی و بورس



رامین خدابنده
کارشناس بازارهای مالی

در بیشتر بورس‌های دنیا از جمله بورس امریکا، صندوق‌های بازنشستگی بزرگ‌ترین سهامداران بازار سرمایه محسوب می‌شوند و بورس‌ها به واسطه همین صندوق‌ها رشد کرده و توسعه یافته‌اند. این صندوق‌ها که هم عموم به صورت انفرادی می‌توانند در آن سرمایه‌گذاری کنند و هم شرکت‌ها و ارگان‌های مختلف کشور می‌توانند برای پرسنل خود ایجاد کنند، به منظور سرمایه‌گذاری بلندمدت اشخاص و بهره‌مندی از مزایای این سرمایه‌گذاری در دوران بازنشستگی طراحی شده‌اند. این طرح برای شرکت‌ها و ارگان‌هایی که تمایل به حفظ منابع انسانی خود دارند، بسیار جذاب خواهد بود. علاوه بر منافع سرمایه‌گذاری در این صندوق‌ها برای اشخاص، یکی از مهم‌ترین مزایای راه‌اندازی صندوق‌های بازنشستگی تکمیلی این است که به صورت ماهانه می‌توان از طریق این صندوق‌ها نقدینگی به بازار سرمایه تزریق کرد. درحال حاضر، تمامی صندوق‌های سرمایه‌گذاری نگاه کوتاه‌مدت دارند و با ورود صندوق‌های بازنشستگی تکمیلی به بازار، رویکرد سرمایه‌گذاران هم بلندمدت خواهد شد. خدابنده ادامه داد: با راه‌اندازی صندوق‌های بازنشستگی تکمیلی، سرمایه‌ای (نقدینگی) که به صورت متوالی و مستمر هر ماه وارد بازار سرمایه می‌شود، کمک شایانی به تامین مالی بنگاه‌های تولیدی کشور خواهد کرد و بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های تولیدی از طریق افزایش سرمایه، انتشار اوراق و... می‌توانند به اجرای پروژه‌های عمرانی و طرح‌های توسعه‌ای پرداخته و بدین ترتیب توسعه یابند. از آنجا که هدف شرکت‌ها از سرمایه‌گذاری برای پرسنل خود در صندوق‌های بازنشستگی، بهره‌مندی از منافع آن در بلندمدت است قطعا تلاش می‌شود سرمایه‌گذاری روی سهم‌های بنیادی که در بلندمدت ظرفیت رشد دارند، انجام شود و با راه‌اندازی این صندوق‌ها، می‌توان شاهد توسعه صنایع استراتژیک کشور نیز بود. هرچند این صندوق‌ها باید چند سال قبل در بازار سرمایه ما راه‌اندازی می‌شد؛ اما حتی اگر همین حالا اقدام به راه‌اندازی این صندوق‌ها کنیم، می‌توان انتظار داشت که در بلندمدت بازار سرمایه، بازاری بسیار پویاتر و بزرگ‌تر باشد. این صندوق‌ها مزایای بسیار داشته و به نظر می‌رسد هم از سوی عموم مردم و هم از سوی شرکت‌ها و ارگان‌های مختلف استقبال خوبی از آن به عمل خواهد آمد. ضمن اینکه معمولا ماهیت این صندوق‌ها به گونه‌ای است که اشخاص در صورتی که تمایل به جابه‌جایی سرمایه خود از یک صندوق بازنشستگی تکمیلی به صندوق بازنشستگی تکمیلی دیگری را داشته باشند، این امکان فراهم است و می‌توانند صندوق‌های پربازده‌تر را انتخاب کنند. این صندوق‌ها همچون سایر صندوق‌های سرمایه‌گذاری دارای مجوز از سازمان بورس، تحت نظارت نهادهای ناظر بوده و عملکرد شفاف و قابل تحلیلی خواهند داشت و از این بابت هم ریسکی متوجه سرمایه‌گذاران نخواهد بود.

با اینهمه در صورت راه‌اندازی صندوق‌های بازنشستگی تکمیلی و ورود جریان نقدینگی مستمر به این بازار می‌بایست بازار سرمایه هم متناسب با ورود نقدینگی، رشد کند.

ZAR SHOURAN
شرکت گسترش معادن و صنایع معدنی طلای زرشوران

آگهی تجدید فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی»

"خرید و تحویل ۲۱،۲۱۶ (بیست و یک هزار و دویست و شانزده) لیتر روغن و ۲،۵۲۰ (دو هزار و پانصد و بیست) کیلوگرم گریس مصرفی خط تولید"

پیرو تجدید آگهی فراخوان مندرج در روزنامه‌های بیان ملی مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۴ و صمت مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۵ به منظور ایجاد فضای رقابتی بیشتر، شرکت گسترش معادن و صنایع معدنی طلای زرشوران در نظر دارد با عنایت به قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ و آیین‌نامه اجرایی بند «ج» ماده (۱۲) قانون برگزاری مناقصات، برگزاری فرآیند ارجاع کار و انتخاب تأمین کننده ذیصلاح نسبت به تجدید فراخوان مذکور اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت‌های ذیصلاح که مایل به شرکت در مناقصه فوق می‌باشند دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir به شماره فراخوان ۲۰۰۲۰۹۲۴۱۰۰۰۰۰۱۵ و واریز مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ (دو میلیون ریال) به شماره حساب ۴۰۰۱۰۵۴۲۰۴۰۵۰۷۱۸ به شناسه واریز ۳۲۳۰۵۴۲۷۴۲۹۵۷۳۰۴۰۰۰۱۴۰۰۵۲۶۶۰۳۰ در وجه شرکت گسترش معادن و صنایع معدنی طلای زرشوران نزد بانک مرکزی شعبه مرکزی اقدام نمایند. خاطر نشان می‌نماید این فراخوان هیچگونه تعهدی برای کارفرما جهت دعوت به مناقصه شرکت‌های دریافت کننده اسناد مناقصه ایجاد ننموده و تنها شرکت‌هایی که دارای شرایط مندرج در اسناد بوده و حایز حداقل امتیاز لازم (ارزیابی کیفی) شوند با تشخیص کارفرما به مرحله بعدی مناقصه راه خواهند یافت.

۱ـ **نام و نشانی کارفرما:** شرکت گسترش معادن و صنایع معدنی طلای زرشوران به نشانی: تهران، میدان ولیعصر (عج)، خیابان شهیدان سازش، پلاک ۵ و ۷
۲ـ **محل اجرای پروژه:** استان آذربایجان غربی، شهرستان تکاب، کیلومتر ۳۸ جاده تخت‌سلیمان، روستای زرشوران، شرکت گسترش معادن و صنایع معدنی طلای زرشوران.
۳ـ **موضوع مناقصه:** خرید و تحویل ۲۱،۲۱۶ (بیست و یک هزار و دویست و شانزده) لیتر روغن و ۲،۵۲۰ (دو هزار و پانصد و بیست) کیلوگرم گریس مصرفی خط تولید طبق شرح مندرج در اسناد مناقصه.
۴ـ **نوع مناقصه:** یک مرحله‌ای عمومی همراه با ارزیابی کیفی
۵ـ **مدت زمان اجرای پروژه:** پنج ماه کامل شمسی.
۶ـ **گواهی نامه صلاحیت:** متقاضی می‌بایست:
ـ دارای توانایی مالی لازم و کافی و توانایی ارایه ضمانتنامه بانکی شرکت در فرآیند ارجاع کار و حسن انجام تعهدات (در صورت برنده شدن) باشد.
ـ کلیه الزامات مراجع ذیصلاح در اجرای فعالیت های مرتبط با موضوع مناقصه را رعایت نمایند.
ـ دارای تخصص و تجربه کاری مفید و مرتبط با موضوع مناقصه باشد.
ـ دارا بودن مجوزهای مربوطه از مراجع ذیصلاح
ـ توانمندی در تامین به موقع کالای موضوع مناقصه
ـ عدم داشتن سابقه منجر به فسخ قرارداد یا عدم توانایی در اجرای تعهدات مرتبط با موضوع مناقصه
ـ دارای شخصیت حقوقی باشد.
۷ـ **تامین مالی:** از منابع داخلی شرکت
۸ـ **مبلغ ضمانت نامه و نوع تضمین:** نوع تضمین بر اساس آیین نامه تضمین معاملات دولتی موضوع تصویب نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت/۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیأت محترم وزیران به مبلغ ۱،۱۸۲،۴۹۱،۹۵۰ (یک میلیارد و یکصد و هشتاد و دو میلیون و چهارصد و نود و یک هزار و نهصد و پنجاه) ریال به عنوان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار خواهد بود و تضمین ارائه شده می بایست برای مدت سه ماه از تاریخ آخرین مهلت قبول پیشنهادات معتبر و قابل تمدید باشد.
۹ـ **زمان دریافت اسناد:** از اشخاصی که تمایل به شرکت در مناقصه مزبور را دارند دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مربوطه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir از تاریخ درج آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۶) روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۷ مراجعه نمایند.
۱۰ـ **زمان و محل تحویل اسناد:** متقاضیان مکلفند پیشنهادهای خود را حداکثر تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۶) روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۰ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir بارگذاری نمایند.
۱۱ـ **زمان گشایش پاکت ارزیابی کیفی:** ساعت ۹:۳۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۱ در نشانی مندرج در بند «۲» از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت

شناسه آگهی: ۱۵۲۶۲۶۴ | م الف / ۱۴۹۳ | شرکت گسترش معادن و صنایع معدنی طلای زرشوران

یادداشت

صادرات فرش صفر است؟



مهدی حقیقت‌نژاد، عضو هیات رئیسه اتحادیه فروشندگان فرش دستباف اصفهان

فرش دستباف یکی از مهم‌ترین کالاهای صنایع دستی کشور است که می‌تواند نقش مهمی در افزایش تولید ناخالص داخلی و نیز ارزآوری و رشد صادرات غیرنفتی داشته باشد، اما متاسفانه در طول سال‌های اخیر برخی مشکلات و موانع موجود باعث شده بازار صادرات و خریدوفروش این کالا بی‌رونق شود تا حدی که فروشندگان در آستانه ورشکستگی قرار گرفته و صادرات فرش دستباف ایران نیز در یک سال و نیم اخیر به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. فرش دستباف را به‌طور قطع می‌توان یکی از اصلی‌ترین اقلام صادراتی غیرنفتی ایران به جهان معرفی کرد که در سال‌های اخیر صادرات آن با افت شدید و باورنکردنی روبه‌رو و باعث شده صنعت قالیبافی رکود سنگینی را تجربه کند. صنعت فرش تا دل‌تان بخواهد چالش دارد؛ از افزایش هزینه مواد اولیه تا فروش. فروش مشکل تولید را حل می‌کند و هنگامی که در فروش مشکلات بسیاری است تولید نیز راه به جایی نمی‌برد. اگر صادرات به‌خوبی انجام شود، می‌تواند افزایش هزینه‌ها را جبران کند، این در حالی است که صادرات فرش را می‌توان نسبت به گذشته صفر در نظر گرفت. براساس آمار در ۶ ماه اول سال ۱۴۰۱ میزان صادرات فرش ایرانی ۱۲ میلیون دلار بود. به‌نظر شما آیا ۱۲ میلیون دلار برای چنین صنعتی رقم چشمگیری است؟ راهکار اصلی رفع این مشکل، رفع تحریم‌ها است. فرش دستباف ایرانی برای داخل تولید نمی‌شود، زیرا تنها ۵ درصد افراد دارای سطح مالی بالای جامعه ممکن است خریدار آن باشند. سرقت نقش‌های فرش ایرانی در گذشته زیاد مطرح می‌شد، اما به‌تدریج با تغییر سلایق موضوعیت این امر کمتر شد. طرح‌های ما را ابتدا کپی کردند و بازار را از ایران گرفتند و سپس با تغییر سلیقه‌ها طرح‌های خود را به‌روز می‌کنند تا بازار را از دست ندهند. همچنین یکی از دغدغه‌های فعالان عرصه فرش دستباف، عدم برخورداری از نمایشگاه دائمی فرش است که می‌تواند سهم بسزایی در رفع دغدغه فروش تولیدات داشته باشد و مقوله از تولید به مصرف را عینیت بخشد، اما یکی از عواملی که منجر به نارضایتی مصرف‌کنندگان، خریداران و عدم رونق صنعت فرش دستباف ایرانی می‌شود، وجود نمایشگاه‌های غیراصولی و غیرحرفه‌ای است ۷ در حالی که باید نمایشگاه‌های فرش دستباف توسط تشکل‌ها و اتحادیه‌های صنفی برگزار شود. طبق آمارها بیشترین میزان صادرات فرش ایرانی در سال ۷۳ صورت گرفته است. در این سال ایران توانست با ثبت رکورد ۲ میلیارد و ۱۳۲ میلیون دلاری از صادرات فرش دستباف به سایر نقاط جهان یک آمار خیره‌کننده برجای بگذارد. در واقع حجم بالای فروش در بازارهای اروپایی و امریکایی با اعمال شدن تحریم‌ها علیه ایران از دست رفت، زیرا قبل از تحریم‌ها ۲۵ درصد صادرات فرش دستباف ایرانی تنها به کشور امریکا بوده است. حال براساس آمار سال ۱۴۰۱ صادرات فرش دستباف بیش از ۸۵درصد ریزش کرده و شاید هفته‌ای یک تا ۲ محموله فرش از کشور خارج شود، این در حالی است که در سال‌های گذشته صادرکنندگان در صف دریافت مجوز ورود فرش‌های صادراتی به انبارهای گمرک می‌ماندند. متاسفانه رقبای فرش دستباف ایرانی یعنی هند، پاکستان، افغانستان و ترکیه یک مسیر در بازار فرش برای خود تعریف کردند و همان را ادامه می‌دهند و بازار تمام کشورهای دنیا به روی این تولیدکنندگان باز است، این در حالی است که بازارهای ما محدود است و تحریم‌ها تجار فرش ایرانی را در جنگی نابرابر با صادرکنندگان فرش کشورهای یادشده قرار داده و امکان تبلیغ فرش دستباف به‌عنوان برند شاخص ایرانی را در بازارهای خارجی نداریم.

گفت‌وگو

رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و بافندگان فرش دستباف تبریز در گفت‌وگو با صمت:

پرونده بیمه قالیبافان هنوز باز است

کیمیا ملکی
editor@smtnews.ir

پشت دار قالی نشسته‌اند و نقش زندگی را رج می‌زنند. دل‌شان پر از درد است؛ یکی از آنها سرپرست خانوار و دیگری همسرش کارگر است. به‌قول خودشان قالیبافی تنها هنرشان است و چاره‌ای جز این ندارند. در اصل قالیباف تلخی‌ها و شیرینی‌های زندگی‌اش را گره به گره بر دار قالی آویزان می‌کند و در نهایت اثری زیبا خلق می‌شود. در دل هر قالی دردی، خاطره‌ای، امیدی نهفته است. بر تاروپود بی‌روح دار قالی نقش می‌زند؛ به امید روزی که زیبایی فرش‌ها به زندگی آنها برسد. کافی است یک بار از نزدیک به انگشتان یک زن قالیباف نگاه کنید تا از زخم‌های بند بند انگشتش شاهد گوشه‌ای از سختی خلق این هنر بی‌نظیر باشید. هرچه از سال‌های فعالیت این هنرمندان می‌گذرد، درد مشترکی بین آنها پدیدار می‌شود؛ کمردرد و چشم‌درد. اما این هنرمندان که غالب آنها را زنان تشکیل می‌دهند، درد مشترک دیگری نیز دارند که درمان آن مشخص نیست؛ بیمه. هر سال خبری جدید از بیمه قالیبافان به گوش می‌رسد، اما در نهایت بسیاری از قالیبافان تحت پوشش بیمه نیستند. با شرایط کاری که قالیبافان دارند، برخورداری از بیمه توقعی ناچیز است. سرانجام این بلاتکلیفی چیست؟ صمت برای بررسی مشکلات بیمه قالیبافان به گفت‌وگو با اسماعیل چمنی، رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و بافندگان فرش دستباف تبریز پرداخته است.



عکس: صمت

بودجه‌ای که دولت برای بیمه قالیبافان صرف می‌کند، هزینه نیست بلکه نوعی سرمایه‌گذاری است

سرانجام چه می‌شود؟

قصه بیمه قالیبافان و بافندگان فرش دستباف از سال ۸۸ شروع شد. در این سال براساس مصوبه‌ای قانونی اعلام شد بافندگان کشور می‌توانند از بیمه قالیبافان بهره‌مند شوند؛ اما برخورداری از این بیمه، مشروط بر این بود که قالیبافان از سازمان فنی‌وحرفه‌ای گواهی مهارت بگیرند و ادارات صنعت و معدن که متولی فرش در سطح کشور هستند، این افراد را تایید کنند. پس از طی این مراحل، سازمان تامین اجتماعی مکلف بود از افراد تاییدشده ۷ درصد حق بیمه بگیرد و ۲۳ درصد دیگر را نیز دولت در قالب یارانه به تامین اجتماعی بدهد. همه چیز خوب پیش می‌رفت و بنا به گفته عبدالله بهرامی، مدیرعامل اتحادیه سراسری تولیدکنندگان فرش دستباف، تا سال ۱۳۹۲ حدود ۴۷۰ هزار نفر که بیشتر آنها نیز زن بودند، تحت پوشش این نوع بیمه قرار گرفتند. اما سال ۹۳، این روند متوقف شد. در این سال سازمان تامین اجتماعی با دو دلیل اقدام به حذف بیمه عده‌ای از بافندگان کرد؛ در دلیل اول سازمان تامین اجتماعی مدعی بود برخی از افرادی که تحت پوشش بیمه قالیبافان قرار گرفته‌اند، قالیباف نبوده و از این بیمه استفاده کرده‌اند؛ از این رو این سازمان طرح پایش را به اجرا گذاشت. دلیل دوم سازمان تامین اجتماعی برای حذف بیمه قالیبافان این بود که دولت سهم مالی خود را پرداخت نکرده و بودجه‌ای که برای این کار در نظر گرفته، کم بوده است؛ بنابراین به عناوین مختلف شروع به حذف بافندگان از لیست افراد تحت پوشش بیمه کرد. در کنار این موضوع، اغلب بافندگان به‌دلیل ناتوانی مالی ناشی از دستمزد نامتناسب با تورم، توان پرداخت حق بیمه را نداشتند و همین امر موجب لغو بیمه آنها ازسوی سازمان تامین اجتماعی در آن زمان شد. از طرفی هم بیشتر بافندگان به‌دلیل کم‌سوادی و سن بالا باوجود اینکه اغلب زنان سرپرست خانوار بودند، نتوانستند گواهی مهارت فنی-حرفه‌ای دریافت کنند و حائز شرایط بیمه تامین اجتماعی نشدند. در هر حال از سال ۹۳ تاکنون موضوع بیمه قالیبافان و شاغلان صنایع دستی بلاتکلیف است، در حالی که ممکن است در همین بازه زمانی افرادی جدید به جرگه این هنرمندان پیوسته باشند و پایداری حضورشان در این عرصه نیازمند انگیزه‌ای چون تحت پوشش بیمه قرار داشتن، است.

متاسفانه به‌جای حمایت از هنر- صنعت فرش دستباف روز به روز از مزایا و تسهیلات آن کاسته می‌شود

اصلی‌ترین مشکل قالیبافان چیست؟

یکی از مهم‌ترین مشکلات قالیبافان، نبود بیمه سوبسیددار و امنیت شغلی است. چندین سال است که قالیبافان از بیمه تامین اجتماعی بی‌نصیب شده‌اند و این بیمه جای خود را به بیمه روستاییان و عشایر داده است؛ بیمه‌ای بدون دفترچه درمانی و درصد پایین و نیاز به سابقه بیشتر که منتج به رغبت کم نسل جوان برا ورود به شغل و هنر قالیبافی شده است.

مدتی است که قالیبافان برای اینکه تحت پوشش بیمه قرار بگیرند، مشکلات بسیاری دارند. در حال حاضر وضعیت بیمه قالیبافان به چه صورت است؟

تا سال ۹۲ نزدیک ۶۵۰ هزار خانواده بیمه‌شده داشتیم، اما به‌جای تکمیل ظرفیت ۲ میلیون نفری، تعداد بیمه‌شدگان سیر نزولی پیدا کرد و نزدیک ۳۰۰ هزار خانواده از بیمه برخوردار شدند و متاسفانه به مرور زمان به دلایل غیراصولی بیمه دیگر قالیبافان قطع شده است.

قالیبافان اکنون از بیمه تامین اجتماعی بهره‌مند نیستند، در حالی که طبق قانون باید ۲۳ درصد حق‌بیمه قالیبافان را دولت پرداخت کند. بهتر است در برنامه‌های بودجه، ردیف بودجه مشخصی برای فرش دستباف ایرانی تعیین شود.

متاسفانه از شواهد این گونه به‌نظر می‌رسد که بیمه قالیبافان به‌آرامی در تمام استان‌ها قطع خواهد شد. یکی دیگر از مشکلات مسئله بیمه قالیبافان، قطع بیمه آنها به‌دلیل پرداخت نشدن حق بیمه است که در این صورت دیگر برقراری مجدد آن مقدور نیست یا به‌ندرت و در شرایط سخت ممکن می‌شود؛ در حالی که درآمد قالیبافان به‌صورت ماهانه نیست و این هنرمندان برای رسیدن به درآمد حاصل از هنر خود حداقل به ۶ ماه زمان نیاز دارند که طی این مدت پرداخت حق بیمه خیلی سخت و عملا خارج از توان قالیبافان است؛ بنابراین ضروری است در این مورد نیز تمهیدات و تسهیلات لازم در نظر گرفته شود.

اگر در بودجه ردیفی برای بیمه قالیبافان وجود ندارد، پس هزینه آن چگونه پرداخت می‌شود؟

در واقع بودجه برای بیمه قالیبافان به‌گونه‌ای است که اگر در ردیف‌های دیگر بودجه تامین شود ممکن است بخشی از آن به این امر اختصاص می‌یابد که هیچ‌گاه این اتفاق رخ نمی‌دهد و در نهایت پاسخ مسئولان این است که بودجه نداریم، این در حالی است متاسفانه شاهد هدررفت بودجه در بسیاری از موارد هستیم. بهترین راهکار این است که بودجه‌ای ویژه بیمه قالیبافان در مجلس تصویب و در نهایت اختصاص داده شود.

به‌نظر شما بیمه شدن قالیبافان تا چه حد می‌تواند از مشکلات آنها بکاهد؟

قالیبافان باوجود اینکه با حداقل حقوق بازنشسته می‌شوند، بیمه برای آنها بسیار اهمیت دارد. در واقع اصلی‌ترین امید هنرمندان تولیدکننده فرش، بیمه قالیبافی بود که آن هم از بین رفت. اگر قالیبافان ما نسبت به تضمین آینده خود ولو در حد اندک که یکی از ابزار آن بیمه است، ناامید شوند، به‌مرور زمان از این شغل خارج می‌شوند. قالیبافان دارای مشکلات بسیاری هستند که با صبوری از آن گذر می‌کنند، اما واقعا با نبود بیمه نمی‌توانند راه بیایند.

درخواست قالیبافان از دولت چیست؟

درخواست قالیبافان این است که بودجه‌ای برای بیمه آنها در نظر گرفته شود. بیمه نشدن قالیبافان آنها را از آمار اشتغال خارج می‌کند و بر همین اساس بیمه نشدن آنها برای دولت یک امتیاز منفی به حساب می‌آید. همچنین لازم بود این شغل در لیست مشاغل سخت و زیان‌آور قرار گیرد، زیرا اشتغال به آن در بلندمدت صدمات جسمانی زیادی در پی دارد، اما متاسفانه به‌جای حمایت از این هنر-صنعت روز به روز از مزایا و تسهیلات آن نیز کاسته می‌شود و تامین اجتماعی هم به‌جای حل کردن مسائل و مشکلات قالیبافان فقط به فکر اخذ پول از آنها است. در هر حال بی‌توجهی به بیمه قالیبافان صنعت فرش دستباف را تضعیف کرده است. کم‌توجهی متولیان به حوزه فرش باعث شده قوانین مرتبط با تولیدکنندگان فرش اجرایی نشود. در مجموع درخواست ما از نمایندگان مجلس این است که در بودجه بیمه قالیبافان را در تبصره ۱۴ بیاورند؛ در غیر این صورت دوباره بیمه قالیبافان در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد. در کل باید در بخش اشتغال، اولویت اول مجلس و دولت بیمه قالیبافان باشد.

باتوجه به وضعیت بد معیشتی بخش زیادی از قالیبافان و در کنار آن سختی کار آنها نداشتن بیمه چه تاثیراتی بر سلامت آنها دارد؟

قالیبافان به‌دلیل سختی کار و آسیب‌هایی که در این شغل می‌بینند باید حداقل سالی یک بار از لحاظ سلامت بررسی شوند. مدتی پیش ما ۳۰۰ نفر از قالیبافان را تحت بررسی سلامت جسمانی قرار دادیم که بیش از ۵۰ درصد این افراد مشکلات جسمی داشتند، اما به‌دلیل عدم مراجعه به پزشک متوجه آن نبودند. این انصاف نیست که سلامت یک قالیباف سالی یک بار هم تحت کنترل قرار نگیرد؛ در نتیجه باید از بیمه تامین اجتماعی برخوردار باشد تا هزینه‌های درمان آن کمی جبران شود.

دولت چه حمایت‌هایی از این صنف دارد؟

قشر قالیباف جزو اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد جامعه است، اما عملا هیچ حمایت خاصی ازسوی دولت برای رفاه بیشتر این جمعیت که خودشان شناسنامه فرش کشور هستند، وجود ندارد و هیچ نهاد دولتی مستقیما متولی مشکلات و دردهای جامعه قالیبافان نیست.

باتوجه به اینکه دولت هیچ راهکاری برای حل دائمی مشکل بیمه قالیبافان ندارد، آینده این صنف را چطور می‌بینید؟

اگر دولت به چالش‌های قالیبافان به‌ویژه موضوع بیمه آنها توجه نکند، یکی از ظرفیت‌های اصلی اشتغال کشور که قالیبافی است، از بین می‌رود. اگر شرایط به همین منوال پیش برود، تا ۴ سال آینده تعداد قالیبافان بسیار کاهش خواهد یافت و در مقابل اگر دولت فکری به حال بیمه قالیبافان کند، بی‌شک جوانان نیز برای ورود به این عرصه تشویق می‌شوند. حل نشدن مشکل بیمه قالیبافان در میزان تولید و اشتغال صنعت فرش دستباف اثری جبران‌ناپذیر دارد. تولید هر تخته فرش دستباف حداقل برای ۱۰ نفر اشتغالزایی دارد که با حمایت نشدن از فعالان این عرصه، این ظرفیت از بین می‌رود.

باتوجه به آنچه گفته شد بودجه‌ای که دولت برای بیمه قالیبافان صرف می‌کند، هزینه نیست؛ بلکه نوعی سرمایه‌گذاری است. هر اندازه که برای قالیبافی هزینه کنیم، نوعی سرمایه‌گذاری برای کشور است.

براساس موارد گفته‌شده انگار دولت هیچ میلی به توسعه صنعت فرش باوجود ارزآوری آن ندارد. نظر شما در این باره چیست؟

متاسفانه دولت دانسته یا ندانسته به‌جای مهیا کردن زیرساخت‌های تولید فرش دستباف، بودجه را صرف موارد دیگری می‌کند و با این بی‌توجهی موجب می‌شود جوانان هیچ وقت به سمت قالیبافی نروند؛ در نتیجه رفته رفته این هنر از بین می‌رود. ما سال‌هاست که چالش بیمه قالیبافان را پیگیری می‌کنیم، اما نتیجه‌ای حاصل نشده است.

سخن پایانی

قالیبافی هنری زیبا و در عین حال مغفول است. سال‌هاست که قالیبافان با مشکل نداشتن بیمه دست‌وپنجه نرم می‌کنند و هیچ‌گاه دولت حمایتی از آنها نکرده است. هنرمندانی که با رنج فراوان رج می‌زنند و گوش هیچ مسئولی شنوای مشکلات آنها نیست. البته با مواردی که ذکر شد این ذهنیت ایجاد می‌شود که دولت قصد دارد این صنعت را رفته رفته کمرنگ کند؛ اگر چنین نیست باید قالیبافان وضعیت بهتری داشتند.

به‌نظرتان آن‌طور که از تجارت این هنر زیبا نفع می‌برید، نباید از این صنعت حمایت کنید؟

نوبت دوم
شناسه ۱۵۲۵۸۱۴

آگهی تجدید مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای)

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد در نظر دارد کالاهای مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دومرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی از تامین‌کنندگان دارای تائیدیه از شرکت توانیر و واجد شرایط خریداری نماید. لذا متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۰ لغایت ۱۴۰۲/۰۴/۲۵ از طریق سامانه ستاد ایران به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند و پیشنهادات خود را باتوجه به مندرجات دفترچه مناقصه ظرف مهلت مقرر در جدول زیر در سامانه ستاد ایران بارگذاری و ضمنا پاکت‌های مناقصه را به دبیرخانه این شرکت تحویل نمایند. ضمناً به پیشنهادهای تحویل داده شده بعد از انقضاء مدت و بارگذاری نشده در سامانه، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شماره فراخوان مناقصه در سامانه ستاد: ۲۰۰۲۰۰۵۰۶۶۰۰۰۰۴۷

ردیف	شماره مناقصه	شرح مناقصه	مقدار	تضمین شرکت در مناقصه	نوع ضمانتنامه	زمان تحویل پاکت‌ها		زمان بازگشائی پاکت ارزیابی کیفی	
۱	۱۴۰۲/۲-۱۲۸	کات اوت فیوز پلیمری جهت رده ولتاژی ۳۳ کیلوولت	۱۳۰۰	۳،۶۷۰،۰۰۰،۰۰۰	۱-ضمانتنامه بانکی ۲- از محل مطالبات ۳-فیش نقدی	ساعت ۱۴	۱۴۰۲/۰۵/۰۷	ساعت ۱۰:۳۰ صبح	۱۴۰۲/۰۵/۰۸

۱. هزینه درج آگهی مناقصه و کسورات قانونی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۲. به پیشنهادات مشروط، مبهم، مخدوش و فاقد سپرده و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر ارسال گردد و یا در سامانه ستاد بارگذاری نگردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۳. داوطلبان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۰۳۵-۳۶۲۴۸۹۸۹ و ۰۳۵-۳۶۲۴۳۱۱۱ امور تدارکات تماس حاصل نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان یزد

بررسی سیستم بازنشستگی کشورهای مختلف جهان

سالمندان کدام کشورها زندگی راحت‌تری دارند؟

سالمندان نیاز بیشتری به انواع خدمات دارند، از حمایت پزشکی گرفته تا اجتماعی که آنها را قادر می‌سازد تا حد امکان مستقل عمل کنند. این خدمـات مراقبت طولانی‌مدت را می‌تـوان در محیط‌های نهادی یا اجتماعی ارائه کرد تا نیازهای جسـمی، ذهنی، اجتماعی و معنوی افراد سـالمند را برآورده کند و در عین حال، کیفیت زندگی را به‌حداکثر برسـاند. کشـورهای مختلف جهان باتوجه به جمعیت بازنشستگان و توان دولت‌ها، قوانین متفاوتی در حوزه بازنشستگی دارند.

صمت در این گزارش به بررسی شرایط حمایت‌های تامین اجتماعی در سال‌های بازنشستگی برخی کشورهای جهان پرداخته است.



اسـترالیا یکی از بهترین سیستم‌های بازنشسـتگی دنیا را دارد که البته بعد از اجرای سیاسـت‌های اصلاحاتی سال‌های اخیر ایجاد شده است

اصلاحات سیاست‌های بازنشستگی در استرالیا

اسـترالیا یکی از بهترین سیسـتم‌های بازنشستگی دنیا را دارد که البته بعد از اجرای سیاسـت‌های اصلاحاتی سال‌های اخیر ایجاد شده است. استرالیا با هدف جذب حداکثر افراد برای زندگی در این کشور، سیستم‌های حمایتی زیادی ایجاد کرد که حمایت از سـالمندان هم بخشـی از آن اسـت. در سال ۲۰۱۵ میلادی، ارزش سیسـتم رفاهی در اسـترالیا برابر با ۱۵۰ میلیارد دلار بود،اما ضعف زیادی در خدمات‌رسانی در این سیستم وجود داشت که سبب شد دولت طرح اصلاحات سیسـتم تامین‌اجتماعی را در دسـتور کار قرار دهد. افراد بالاتر از ۶۵ سـال که حداقل ۱۰ سـال در این کشـور زندگی کرده باشـند، حقوق بازنشستگی دولتی دریافت می‌کنند و سـقف سـن بازنشستگی امسال به ۶۷ سال رسیده است. این قانون برای افرادی که حتی در ۵۵ سالگی نیز وارد استرالیا می‌شوند، مزیتی مهم به‌شـمار می‌رود و شـاخص‌های جذب مهاجر است. از طرف دیگر، افراد بالای ۶۰ سال در استرالیا می‌توانند از تخفیفات ویژه‌ای برای مسافرت‌های درون‌شهری و برون‌شهری برخوردار باشند و در خریدهای خرده‌فروشی هم امتیازهایی دریافت خواهند کرد.

از طـرف دیگـر، سـالمندانی که در این کشـور زندگی می‌کننـد، طبق نظر سـازمان‌های بازنشستگی می‌توانند از خدمات مراقبت‌های خانگی یا مراقبت در مراکز نگهداری سالمندان هم برخوردار شوند. افراد بالاتر از ۶۵ سال در استرالیا می‌توانند درخواست استفاده از مراقبت‌های خانگی یا اسکان در مراکز نگهداری از سـالمندان را بدهند. درخواسـت آنها بررسی می‌شود و در صورت تایید توسط مقامات ذی‌ربط، این خدمات به رایگان در اختیارشان قرار می‌گیرد.

شکاف دستمزد بازنشستگی بین زنان و مردان در آلمان

آلمان یکی از برترین سیسـتم‌های بازنشسـتگی را در دنیا دارد و افراد در تمام سـال‌های کاری خود حق بیمه و هزینه‌های درمانی را پرداخت می‌کنند و حتی مبلغی از دسـتمزد آنها بابت بیمه‌های بیکاری هم کسـر می‌شـود. آمار نشـان می‌دهد ۸۵ درصد از افراد شـاغل در این کشـور تحت‌پوشـش بیمه‌هـای بازنشسـتگی دولتی هسـتند،اما مبلغ حداقل و حداکثـری بـرای پرداخت‌هـای ماهانه وجود ندارد و هـر فرد برمبنای دریافتی خود در سال‌های کاری و موقعیت درآمدی و شغلی خود، دریافتی مشخصی دارد.

سـن نرمال بازنشسـتگی در آلمان برای افرادی که بعد از سـال ۱۹۶۴ میلادی متولد شـده‌اند، برابر با ۶۷ سـال است،اما برای زنانی که ماه‌هایی از سـال را برای زایمان و نگهداری از فرزند در مرخصی هسـتند، شـرایط خاصی در نظر گرفته می‌شود.

گزارش‌های سـازمان همکاری و توسـعه اقتصادی نشـان می‌دهد که بیشـترین شکاف پرداختی دسـتمزدهای بازنشستگی بین زنان و مردان تمامی کشورهای صنعتی، در آلمان دیده می‌شود. متوسط دریافتی ماهانه مردان در غرب آلمان برابر با هزار و ۵۲ یورو (معادل ۷۶۷.۴۶ پوند) است و مردانی که در ایالت‌های شـرقی آلمان زندگی می‌کنند، به‌طورمتوسـط هزار و ۶ یورو (معادل ۷۳۳.۹) پوند دریافتی در هر ماه دارند. این در حالی است که زنان در آلمان غربی ماهانه به‌طورمتوسط ۷۰۵ یورو (معادل ۵۱۴ پوند) و در آلمان‌شرقی ۵۲۱ دلار (معادل ۳۸۰ پوند) دریافت می‌کنند.

ژاپن رکورددار بالاترین سن مرگ

ژاپن یکی از پیرترین کشـورهای آسـیایی است و از هر ۴ نفر ساکن این کشور، یک نفر بالای ۶۵ سـال دارد. انتظار می‌رود تا سـال ۲۰۲۵ میلادی، از هر ۳ نفر سـاکن ژاپن، یک نفر بالای ۶۵ سـال داشته باشد. ژاپن رکورد بالاترین سن مرگ را دارد و این یکی از افتخارات دولت ژاپن اسـت که با کمک حمایت‌های مالی و بهداشتی توانسته است طول عمر مردم را افزایش دهد. اما این افزایش طول عمر، هزینه‌هایی هم برای دولت به‌همراه داشـته است، زیرا برای دوره طولانی‌تری باید دستمزدهای بازنشستگی پرداخت شود. از طرف دیگر، با افزایش طول عمر مردم و کاهش نرخ موالید در این کشور تا یک دهه آینده از شمار افرادی که کار می‌کنند و حق بیمه بازنشستگی می‌پردازند، کاسته و بر شمار بازنشستگان افزوده می‌شود. در سال ۲۰۱۲ میلادی، حداقل دستمزدهای بازنشستگی در این کشور برابر با ۷۸۶ هزار و ۵۰۰ ین، معادل ۴هزارو ۳۴۲ پوند در سال (یعنی ۳۶۱.۸ پوند در ماه) بود.

طبق قانون بازنشسـتگی در کشـور ژاپن، تمامی افرادی که بین ۲۰ تا ۵۹ سال سن دارند،باید تحت پوشش بیمه‌های بازنشستگی باشند و حق بیمه بپردازند، اما تنها افراد بالای ۶۵ سـالی که حداقل ۲۵ سـال در ژاپن کار کرده باشند، می‌توانند از حقوق بازنشسـتگی برخوردار شـوند. کارمندان تمام‌وقت شرکت‌های ژاپنی و همسران آنها به‌طوراتوماتیک مشمول طرح بازنشستگی دولتی ژاپن قرار می‌گیرند و این مبلغ به حداقل مبلغ بیمه بازنشستگی که دریافت می‌کنند، اضافه می‌شود. آمار نشان می‌دهد ۸۵ درصد از کل نیروی کاری فعال در کشور ژاپن، تحت‌پوشش بازنشستگی کاری قرار دارند. از طرف دیگر، افراد بالاتر از ۷۵ سال، تنها ۱۰ درصد از هزینه‌های درمانی و پزشـکی خود را می‌پردازند، مگر اینکه اعلام کنند از نظر درآمد و منابع مالی در سـطح بالایی قرار دارند و می‌توانند هزینه‌های درمانی را بپردازند. در حالت عادی، تمامی افرادی که تحت پوشـش بیمه هسـتند، باید ۳۰ درصد از هزینه‌های درمانی را بپردازند. در برخی شهرهای ژاپن تمامی هزینه‌های سـفرهای درون‌شهری و برون‌شهری سـالمندان هم برعهده دولت است و این به افزایش سطح رفاه سالمندان و بیشتر شدن قدرت جابه‌جایی آنها در سطح شهر و ارتقای سطح روانی‌شان منجر شده است.

سیستم بازنشستگی توسعه یافته در نروژ

نروژ یکی از کشـورهای اسـکاندیناوی اسـت که سیستم بازنشستگی توسعه‌یافته‌تری دارد و در سال‌های اخیر به‌دلیل افزایش متوسط دستمزد بازنشسـتگان، سطح فقر در میان مستمری‌بگیران کاهش یافته است. در این کشور، سن بازنشستگی رسمی برای زنان و مردان، ۶۷ سال است و این قانون از سال ۱۹۷۰ میلادی تاکنون اجرا شده است. البته این امکان وجود دارد که از ۶۲ سالگی، فرد خود را بازنشسته اعلام و از مزایای بازنشستگی استفاده کند،اما به کار تمام‌وقت هم ادامه دهد.

بیشـتر مردم ۶۷ سـالگی را سـن بازنشسـتگی خود انتخاب می‌کنند. در سـال‌های اخیر، سیسـتم بازنشسـتگی در نروژ تغییر کرده است،اما تا زمانی‌که سیسـتم قبلی کاملا از دور خارج شـود، هردو سیستم در کشور فعال هستند و مزایای هردو سیستم در اقتصاد کشور مشاهده می‌شود. باید در نظر داشت مبلغی که افراد در طول دوره کاری خود به‌عنوان حق بیمه می‌پردازند، بسیار زیاد است و حق بیمه هم به‌طورافزایشی با ارتقای دستمزد افزایش پیدا می‌کند؛ به‌همین‌دلیل صندوق‌های بازنشستگی، توانایی مالی لازم برای پرداخت دسـتمزد مناسب به بازنشستگان این کشور را دارند و نرخ فقر در این کشـور بسیار پایین اسـت. در بیشترین حالت، کارمندان بالـغ بر ۵۰ درصد از درآمدشـان را به‌عنوان بیمه بازنشسـتگی پرداخت می‌کنند، اما بعد از اینکه ۴۰ سـال از سـال‌های کاری آنها سـپری شـد، می‌توانند ۶۷ درصد از درآمدشان را بعد از کسر مالیات، به‌عنوان‌مستمری بازنشستگی دریافت کنند.نروژ هم مانند دیگر کشورهای صنعتی، با مشکل افزایش سن و نرخ بازنشستگی روبه‌روست. از آنجا که شمار افرادی که وارد بازار کار می‌شـوند، کاهشی اسـت و شمار مستمری‌بگیران روند افزایشی دارد، هرساله متوسط پرداختی به بازنشستگان در این کشور کاهش پیدا می‌کنـد. هم‌اکنـون ۷۰ درصد از جمعیت بین ۵۵ تا ۶۴ سـال نروژ هنوز بازنشسـته نشده‌اند و مشـغول به کار هستند، در حالی که به‌طورمتوسط در اروپا ۵۰ درصد افرادی که در این رده سنی قرار دارند، کار می‌کنند.

برنامه روسیه برای افزایش سن بازنشستگی

سـن بازنشستگی در روسـیه مطابق اسـتانداردهای اولیه اروپایی اسـت. در این کشور متوسط سن بازنشستگی مردان ۶۰ و متوسط سن بازنشستگی زنان ۵۵ سال است. در سال‌های اخیر، درباره افزایش سـن بازنشسـتگی در این کشور صحبت شده،اما از آنجا که امید به زندگی مردان در این کشور اندکی بیش از ۶۰ سـال است، این تغییر در آینده نزدیک امکان‌پذیر نیست. وزیر اقتصاد و دارایی این کشور در مصاحبه خود اعلام کرد سـن بازنشستگی باید به‌تدریج افزایش یابد و به ۶۳ سال بـرای زن و مرد برسـد. همچنیـن، در زمینه ضرورت مطالعه بیشـتر درباره وضعیت مالی بازنشسـتگان هم مسائل تازه‌ای مطرح شـد که هنوز در میان قانون‌گذاران این کشـور در حال بررسـی است. از طرف دیگر، افرادی که در شرایط سخت کار می‌کنند، از قبیل افرادی که در شـمال روسـیه و در مناطق بسیار سرد مشغول به کار هستند یا مادرانی که بیش از ۵ فرزند دارند، می‌توانند زودتر از موعد مقرر درخواسـت بازنشستگی کنند. طبق آمارهای اخیر، حداقل پرداختی مستمری‌بگیران در این کشور برابر با ۴۰ پوند در ماه است،اما بعد از اضافه شدن مزایای مختلف، هر بازنشسته روسی ۱۱۰ پوند در ماه دستمزد دریافت می‌کند که اندکی کمتر از یک‌سـوم متوسط دستمزد ماهانه افراد اسـت. از طرف دیگر، بازنشسـته‌ها در این کشور یارانه‌های سـفر و تخفیف‌های ویژه بـرای خرید دارو دریافت می‌کننـد و می‌تواننـد از آن برای خرید از سـوپرمارکت‌های زنجیـره‌ای خاص که در روزهای خاص هفته اعلام می‌شـود هم، برخوردار شـوند. البته سیسـتم بازنشسـتگی روسیه در سـال‌های اخیر با بحران‌های زیـادی مواجه و این بحران بعد از تحریم اقتصادی این کشـور توسط کشورهای غربی بیشتر هم شده است.

شرط پرداخت حقوق بازنشستگی در افریقای‌جنوبی

در این کشـور، دسـتمزدهای بازنشستگی به افراد بالای ۶۰ سـال داده می‌شـود. اگر این افراد مجرد باشند، سالانه ۲هزارو ۷۶۳ پوند دریافت و اگر متاهل باشـند، سـالانه ۵ هزار و ۵۲۷ پوند دریافت می‌کنند. البته این دسـتمزد در صورتی پرداخت می‌شـود که دارایی سالمندان از ۴۶ هزار پوند کمتر باشـد و تحت‌پوشش هیچ صندوق بازنشستگی دیگری قرار نداشته باشند.

بازنشسـتگان در این کشور ماهانه ۷۵ پوند کمک‌هزینه دریافـت می‌کنند و این مبلغ تنهـا در صورتی به آنها داده می‌شـود که نیازمنـدی آنها به اثبات رسـیده باشـد، اما نکتـه مهم رایگان بـودن خدمات بهداشـتی و درمانی در بیمارستان‌ها و مراکز دولتی این کشور است.

از طرف دیگر، در بسیاری از خانه‌های سالمندان دولتی، خدمـات رایگان در اختیار افراد قرار می‌گیرد و حمل‌ونقل هم برای این گروه از افراد، رایگان است، اما افرادی‌که پیش از ۳۰ سـال کار کردن یا قبل از ۶۰ سـالگی درخواسـت بازنشستگی داده باشند، به‌طورمتوسط ۳.۶ درصد در سال، دستمزد کمتری دریافت می‌کنند.

قوانین حمایتی در ایتالیا، فرانسه و ایرلند

دستمزد دولتی برای بازنشسته‌های ایتالیایی ۲۱۹ تـا ۲۳۰ یورو (معادل ۱۵۹ تا ۱۶۷ پوند انگلسـتان) است که هر هفته به آنها پرداخت می‌شود. این مبلغ بـه افراد کمتر از ۸۰ سـال داده می‌شـود که رقمی معادل ۶۳۶ تا ۶۸۸ پوند در هر ماه اسـت. افراد بالاتر از ۸۰ سـال در ایتالیا هر هفته ۱۷۵ پوند دسـتمزد بازنشسـتگی دریافت می‌کننـد که برابر با ۷۰۰ پوند اسـت. سالمندان این کشور مانند دیگر اقشار جامعه ایتالیا می‌توانند از خدمات بهداشتی و درمانی رایگان در کشـور برخوردار شـوند. خدمـات دیگری که به سـالمندان داده می‌شـود، بسـتگی به منطقه محل سـکونت آنها دارد؛ برای مثال، افراد بالاتر از ۷۰ سال در روم می‌تواننـد از اتوبوس و مترو رایگان اسـتفاده کنند.

سـن قانونی بازنشستگی در فرانسه ۶۲ سال است و این سـن برای افرادی که بین سـال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۳ میلادی متولد شـده‌اند، اعلام شـده اسـت. دسـتمزد کامل بازنشستگی به افرادی داده می‌شود که بین ۴۰ تا ۴۳ سال در فرانسه کار کرده باشند، اما افرادی که سـال‌هایی را برای نگهداری از فرزندشان مرخصی گرفته یا مسـئول نگهداری یک فرد ناتوان بـوده یـا خود با مشـکل جسـمی مواجه شـده‌اند، می‌توانند زمانی که به سـن ۶۵ تا ۶۷ سال می‌رسند، درخواسـت بازنشسـتگی و دسـتمزد کامل دریافت کنند بدون اینکه به تعداد سال‌های کاری آنها توجهی شود. افرادی که در بخش خصوصی کار می‌کنند، بعد از ۲۵ سـال می‌توانند بازنشسـته شوند و معادل ۷۵ درصد از درآمد خود را در ۶ ماه آخر کارشان، به‌عنوان مستمری بازنشستگی دریافت کنند. اما بازنشسته‌ها در فرانسـه در صورت تاهل ۱۴هـزار و ۹۰۴ یورو در سـال و در صـورت تجرد ۹هـزار و ۶۰۰ یورو برابر با ۶هزار و ۹۸۸ پوند دستمزد دریافت می‌کنند.

نظـام بازنشسـتگی در ایرلنـد کم‌وبیش شـبیه انگلسـتان اسـت. در این کشـور هم، بازنشسـتگان کمتر از ۸۰ سال ۱۵۹ تا ۱۶۷ پوند در هفته دستمزد دریافت می‌کنند، در حالی که افراد بالاتر از ۸۰ سال ۱۷۵ پوند در هفته مسـتمری می‌گیرند. سالمندانی کـه اعلام کنند، توان تامیـن هزینه‌های گرمایی در زمسـتان را ندارند، می‌توانند ماهانه ۲۰ پوند بیشـتر دریافـت کنند. افراد بالاتر از ۷۰ سـال، می‌توانند از بـرق و گاز رایگان اسـتفاده کنند،اما این در صورتی است که شرایط مالی نامساعدی داشته باشند؛ حتی خدمات اسـتفاده از شـبکه‌های مختلف تلویزیونی به‌طوررایـگان در اختیـار این افراد قـرار می‌گیرد تا بتوانند دوره سالمندی را به‌خوبی پشت‌سر بگذارند.

توسعه سازمان‌های حمایتی سالمندان در امریکا

با افزایش سن جمعیت در امریکا هر روز بر شمار سازمان‌ها و نهادهایی که به وضعیت سـالمندان در این کشـور رسیدگی و برای بهبود شرایط زندگـی آنها تلاش می‌کنند، افزوده می‌شـود. اما درباره میزان دریافتی سـالمندان بعد از سن ۶۵ سـال نمی‌توان رقم واحدی اعلام کرد. میزان دریافتی سـالمندان در این دوره به این بسـتگی دارد که در کدام ایالت زندگی می‌کنند و اینکه بعد از سن بازنشستگی به کار خود ادامه داده‌اند یا خیر. از طرف دیگر، موقعیت شـغلی این افراد طی سـال‌های کاری، میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری‌شـان تاثیر بسـزایی در دریافتی آنها در دوره بازنشستگی دارد. به‌گزارش مرکز حقوق بازنشستگان در واشنگتن، از میان ۴۴.۷ میلیون نفر بازنشسـته‌ای کـه در امریکا زندگی می‌کنند، نیمی از آنها درآمد کمتر از ۲۰ هزار و ۳۸۰ دلار (معادل ۱۳ هزار و ۲۷۱ پوند) در سـال دارند. اما این تنها منبع درآمد سـالمندان نیسـت، بلکه بازنشسـتگان این کشـور می‌توانند از مزایای تامین‌اجتماعی که رقمی بالغ بر ۱۵هزار و ۱۳۲ دلار (۹ هزار و ۸۵۲ پوند) در سال است، برخوردار شوند. این مبلغ در شرایطی به بازنشستگان پرداخت می‌شود که متوسط حقوق پرداختی به افراد شاغل در این کشور برابر با ۴۴ هزار و ۸۸۸ دلار امریکا اسـت. مطالعات نشـان می‌دهد ۳ نفر از هر ۵ نفری که از مزایای تامین اجتماعی اسـتفاده می‌کنند، اعلام کرده‌اند که این مبلغ نیمی از درآمدهای بازنشسـتگی آنها را تشکیل می‌دهد و سهم بزرگی در تامین معاش آنها دارد،اما برای خانوارهای طبقه پایین اقتصادی این کمک‌های مالی بسیارمهم است.

سیسـتم‌های بهداشـتی و مراقبت طولانی‌مـدت ایالات‌متحده برای پاسـخگویی به نیازهای متنوع و در حال تغییر جمعیت سـالمندان که به‌سـرعت در حال رشد هستند، فعالیت‌های گوناگونی را انجام می‌دهد. اهمیت جوامع بازنشسـتگی طبیعی (NORCs) برای ارتقای سـلامت و سـلامت روانـی افراد مسـن از طریق تلاش‌های مشـترک خدمات و حمایت‌های رسـمی و غیررسمی خانگی و اجتماعی است. NORCها یک مدل حیاتی برای سـالمندی در محل در نظر گرفته می‌شـوند، زیرا افراد مسن ترجیح می‌دهند که در خانه‌های‌شان راحت بمانند و خدمات را می‌توان به‌شیوه‌ای بسیار کارآمدتر و مقرون به‌صرفه‌تر ارائه کرد.







یادداشت

اصلاح ساختارهای اشتباه ضروری است



مجید گودرزی
کارشناس مسکن

بسیاری از مشکلات حوزه مسکن به نبود امکانات و زیرساخت‌های شهری بازمی‌گردد. از ضعف در ساختار حمل و نقل گرفته تا امکانات شهری مانند تامین آب، برق و گاز و... . گاهی ضعف در ارائه این زیرساخت‌های شهری، شهرنشینان را وادار به اقامت در مراکز شهر و استان می‌کند و تراکم جمعیت در حاشیه‌های نوساز شهر به نسبت مراکز شهر را به تعادل نمی‌رساند.

این در حالی است که اگر مشکل حمل‌ونقل و احداث خطوط سریع‌السیر قطار شهری حل شود، خیلی‌ها خواستار ماندن در بافت شهری قدیم به‌علت ترافیک و آلودگی هوا نیستند و شهرک‌های اطراف، مکان بهتری برای زیست می‌شوند.

براساس آمار، بیش از ۳۰۰ هزار هکتار بافت فرسوده در کشور وجود دارد که می‌تواند با نوسازی جهش قابل‌توجهی در بخش مسکن ایجاد کند؛ اما نه اجرای سیاست‌های ناکارآمد مانند اختصاص تسهیلات خرید مسکن.

سیاستی که در تمام این سال‌ها نشان داده نه‌تنها گرهی از مشکلات باز نمی‌کند، بلکه تا حد زیادی دردسرساز است. از سوی دیگر، برای ساماندهی بازار مسکن، راهی جز حذف سوداگری در این بازار نداریم. بنابراین باید سوداگری در مسکن با تنظیم مالیات‌های سنگین به‌حداقل برسد.

یکی از راه‌های ساماندهی این بازار، ایجاد پلتفرم خریدوفروش ملک مانند اپلیکیشن‌های تاکسی‌های اینترنتی است تا تسلط بر قیمت‌گذاری از دست گروه خاص مانند بنگاه‌های ملکی خارج شود. همچنین، در بخش اجاره و فروش ملک نیز، نیازمند لحاظ کردن فاکتور مهم استهلاک در ساختمان هستیم.

از سوی دیگر، باید تمام آگهی‌های فروش ملک شناسنامه‌دار شوند و هر قیمتی که از طرف مالک درج شد، ملاک خوداظهاری در ارزش ملک برای محاسبه مالیات قرار گیرد. به علاوه اینکه، باید مسکن سرمایه‌ای، از ملک مصرفی تفکیک شده و مشمول اخذ مالیات‌های متفاوت شوند.

برای گام برداشتن در این مسیر نیز، می‌توان الزاماتی در تفکیک مسکن مصرفی و سرمایه‌ای قائل شد. به‌عنوان‌نمونه، مسکن مصرفی، حداقل به مدت ۱۰سال مشمول ممنوعیت خریدوفروش شود (این میزان در فرانسه حدود ۳۰ سال است) و تصویب قانون بهای تمام‌شده مسکن تبدیل به یک مطالبه ملی شود.

از سوی دیگر، مجلس شورای اسلامی به‌طورجدی به موضوع ساماندهی بازار مسکن ورود کند و مانند کشور اتریش، قیمت‌گذاری واحدهای مسکونی نوساز توسط کارشناس رسمی دادگستری انجام پذیرد؛ نه براساس طمع بی‌پایان سازندگان که آتش بر دامن گرانی ملک می‌زند.

اکنون در بسیاری از شهرهای ایران تمام دستمزد نیز کفاف اجاره یک واحد مسکونی متعارف را نمی‌دهد. به‌همین‌دلیل دوره انتظار برای خانه‌دار شدن بسیار طولانی شده است.

برای کاهش این دوره نیز باید ساخت مسکن، مشمول ارزان‌ترین وام‌ها و تسهیلات شود. همچنین، باید جلوی تصویب قوانین بی‌هدف و پوچ نظیر قانون مالیات بر خانه‌های لوکس و مالیات بر خانه‌های خالی را گرفت. در واقع تا زمانی که قیمت‌گذاری ملک کنترل نشود، وضع هرگونه مالیات یا عوارضی تنها منجر به افزایش قیمت اجاره و خرید ملک شده و باعث تشنج بیشتر در بازار مسکن می‌شود. سقف قراردادهای اجاره نیز مانند کشورهای ایتالیا و استرالیا باید حداقل در سقف پنج‌ساله منعقد شوند.

اکنون بخش مهمی از نارضایتی‌های مردم ناشی از بحران مسکن و کارنامه سیاه دولت‌هایی است که افتخار می‌کردند یک واحد مسکونی هم نساخته‌اند. اگر حتی نساختن یک واحد مسکونی در کشور ترک فعل نیست، پس چیست؟ آیا این اتفاق کوچکی است؟

فرآیند نرخ‌گذاری برای اجاره ملک و تناسب اجاره با درآمد نیز مشکلات خاص خود را دارد. میزان اجاره یک واحد مسکونی نباید بیش از ۳۰ درصد درآمد خانوارها را به خود اختصاص دهد. هزینه ودیعه مسکن نیز باید به‌اندازه ۳ ماه اجاره باشد و تنها با هدف جبران خسارت‌های احتمالی وارده به ملک یا پرداخت نکردن اجاره در اختیار صاحب ملک قرار گیرد و در پایان دوره، اجاره با سود متعلقه به مستاجر بازگردانده شود (مثل کشور آلمان). اکنون ارزش زمانی ودیعه مستاجران در یک عرف غلط، صفر منظور شده است؛ ودیعه قرض‌الحسنه و نرخ ملک جاری، مانند یک استعمار است. در نهایت اینکه برای ساماندهی بازار ملک راهی جز اصلاح ساختارهای نادرست یادنشده نداریم.

به‌مناسبت روز بهزیستی و تامین‌اجتماعی بررسی شد

کارگران ساختمانی زیر چتر بی‌توجهی

محمد انوشه‌ئی
editor@smtnews.ir

مشاغل ساختمانی از جمله خطرناک‌ترین کارها هستند و این افراد بیش از سایر مشاغل در معرض انواع حوادث قرار دارند و یکی از پرحادثه‌ترین مشاغل به‌شمار می‌روند. از این‌رو موضوع بیمه به‌ویژه در حوزه حوادث ناشی از کار، امری حیاتی برای آنها محسوب می‌شود. برهمین‌اساس، طبق تبصره یک ماده ۲۸ قانون تامین‌اجتماعی، این نهاد مکلف است با دریافت مجموع ۳۰ درصد حق بیمه، افراد را تحت‌پوشش بیمه بازنشستگی و درمان قرار دهد. به‌طورکلی کارفرمایان، مسئول پرداخت حق بیمه خود و فرد بیمه‌شده به سازمان تامین‌اجتماعی هستند. به این ترتیب که کارفرما موظف است موقع پرداخت حقوق و مزایا، سهم بیمه‌شده را کسر و سهم خود را بر آن بیفزاید و به سازمان پرداخت کند. در صورت تاخیر یا عدم‌پرداخت؛ مسئولیت با کارفرما است. در حالت معمول و در کارگاهی که محل کار، روزهای کاری و کارفرما مشخص و ثابت است، چالشی در رابطه بیمه‌ای کارگر، کارفرما و سازمان تامین‌اجتماعی وجود ندارد؛ اما آنچه موجب شده تا به قانون مجزایی برای بیمه کارگران ساختمانی نیاز باشد؛ ماهیت این شغل و ثابت نبودن روزهای کاری، محل کار و کارفرما است. این ویژگی باعث شده است که برقراری رابطه بیمه‌ای بین کارگر و کارفرما به‌شکل معمول ممکن نباشد. صمت در این گزارش به موضوع بیمه کارگران ساختمانی پرداخته است.



عکس: صمت

برخی کارگران ساختمانی بدون بیمه کار می‌کنند و در صورت بروز حادثه، هیچ‌گونه حمایتی برای آنها فراهم نیست

کارگران ساختمانی اقشار بسیار آسیب‌پذیر جامعه

بیمه کارگران ساختمانی، بیمه‌ای است که از سوی سازمان تامین‌اجتماعی برای حمایت از این کارگران در برابر خطرات احتمالی ناشی از شغل آنها، در نظر گرفته شده است.

کارگران، یکی از اقشار بسیار آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌شوند که دارای حداقل درآمد برای گذران زندگی هستند.

در این میان، دولت برای حمایت از کارگران ساختمانی، از آن‌رو که کارگر فصلی محسوب می‌شوند و دارای درآمد ثابت در طول یک سال نیستند، قانونی برای بیمه کردن آنها، تحت‌عنوان بیمه کارگران ساختمانی به تصویب رسانده است.

کارشناسان و فعالان صنعت ساختمان، تاکید دارند که اصلاح ماده ۵ قانون بیمه کارگران ساختمانی در بهمن پارسال و اجرایی شدن آن، مشکلات زیادی را برای این صنعت به‌وجود آورده است و گره‌گشایی از این موضوع با اصلاح سریع و مجدد قانون مذکور میسر می‌شود.

سازمان تامین‌اجتماعی منبع درآمدی لازم برای پوشش بیمه‌ای افزون بر یک میلیون و ۴۰۰ هزار کارگر ساختمانی کشور را نداشت، از این‌رو در قانون فعلی تصمیم بر آن شد که مبنای حق بیمه کارگران ساختمانی، ۴ تا ۶ درصد حداقل دستمزد کارگران باشد.

باوجودی که هدف از تصویب این قانون، تامین منابع بیمه کارگران ساختمانی بود، اما به‌گفته کارشناسان و فعالان صنعت ساختمان‌سازی، اجرایی شدن آن و تحمیل هزینه بیمه کارگران ساختمانی بر دوش سازندگان واحدهای مسکونی، پیامدهای منفی برای این صنعت همچون کاهش صدور پروانه ساختمانی را داشته است.

جایگاه ضعیف کارگران در ساختار اقتصادی



فرامرز محبی، کارشناس بازار مسکن به صمت گفت: به‌طورکلی، مشکلات کارگران ساختمانی در کشور به‌دلیل عدم‌رعایت قوانین کاری، ایمنی و بهداشتی، نداشتن قرارداد کاری، عدم‌پرداخت حقوق و مزایا به‌موقع، کار کردن در شرایط نامساعد، نبود بیمه و جایگاه ضعیف کارگران در ساختار اقتصادی کشور است.

وی در ادامه افزود: برخی کارگران ساختمانی بدون بیمه کار می‌کنند و در صورت بروز حادثه، هیچ‌گونه حمایتی برای آنها فراهم نیست. از طرفی، بسیاری از کارفرمایان ساختمانی قرارداد کاری را رعایت نمی‌کنند و کارگران را بدون قرارداد به‌کار می‌گیرند که این موضوع می‌تواند به عدم‌پرداخت حقوق و مزایا منجر شود.

مسلما کمبود کار در صنعت ساختمانی می‌تواند باعث شود، کارفرمایان حقوق و مزایای کمتری به کارگران بپردازند و کارگران این شرایط نامساعد را قبول کنند.

محبی خاطرنشان کرد: در گذشته برای حل مشکلات کارگران ساختمانی اقداماتی انجام شده، اما هنوز به‌دلیل چالش‌های بسیاری که در این صنعت وجود دارد، مشکلات کارگران ساختمانی ادامه دارد،بنابراین تلاش‌های بیشتری برای حل این مشکلات نیاز است.

در این راستا، دولت باید سیاست‌هایی را اجرا کند که به بهبود شرایط کاری و زندگی کارگران ساختمانی کمک کند. برای مثال، دولت می‌تواند کارگران ساختمانی را به‌صورت قانونی بیمه و قرارداد کاری را برای آنها تضمین کند.

ضرورت بهبود شرایط کاری کارگران

این کارشناس تصریح کرد: به‌طورکلی توسعه صنعت ساختمانی و توسعه پایدار در کشور می‌تواند به بهبود شرایط کاری کارگران ساختمانی کمک کند. اگر صنعت ساختمانی در ایران با استفاده از فناوری‌های مدرن و روش‌های جدید توسعه پیدا کند، شرایط کاری کارگران ساختمانی بهبود خواهد یافت و این موضوع رشد شرایط اقتصادی کشور را نیز به‌همراه خواهد داشت.

همچنین، ایجاد شرکت‌هایی با سرمایه‌گذاری بالا و تخصصی در صنعت ساختمانی، ارائه آموزش‌های تخصصی و افزایش توانمندی‌های فنی و حرفه‌ای کارگران، توسعه زیرساخت‌های صنعت ساختمانی و فراهم کردن شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری در صنعت ساختمانی از دیگر راهکارهای مهمی هستند که می‌توانند به بهبود وضعیت کارگران ساختمانی در ایران کمک کنند.

وی در پایان گفت: به‌طورکلی، برای حل مشکلات کارگران ساختمانی، نیاز است که دولت و سایر نهادهای مربوطه در کشور، بهبود شرایط کاری و زندگی را به‌عنوان یک اولویت مهم برای‌شان در نظر بگیرند و سیاست‌های مناسبی را برای بهبود وضعیت این کارگران اجرا کنند.

باتوجه به اینکه دولت و نمایندگان مجلس به این موضوع توجه دارند و در راستای اصلاح ماده ۵ قانون بیمه کارگران ساختمانی اقداماتی را انجام داده‌اند، امیدواریم که مشکلات و موانع مربوط به بیمه کارگران ساختمانی در کمترین زمان ممکن حل شود. با این حال، باید توجه داشت که این مسئله نیازمند هماهنگی و همکاری بین دولت، نمایندگان مجلس، سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های کارگری است تا بتوانیم به بهبود وضعیت کارگران ساختمانی و حفظ حقوق آنها کمک کنیم.

بیمه کارگران ساختمانی به‌عنوان یک ضرورت حیاتی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است

خودداری از اجرای یک قانون مهم



حمید همتی، کارشناس بازار مسکن در رابطه با موضوع بیمه کارگری به صمت گفت: باتوجه به آمارها، نصف حوادث کار در کشور به کارگاه‌های ساختمانی مربوط می‌شود. بنابراین، موضوع بیمه کارگران ساختمانی به‌عنوان یک ضرورت حیاتی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و مسئولان و متولیان باید در این زمینه بیشتر اهتمام کنند. به‌دلیل عدم‌ساماندهی کارگران ساختمانی و عدم‌بیمه‌گذاری آنان، مشکلات فراوانی برای این افراد ایجاد شده است. در این‌باره، سازمان تامین‌اجتماعی همچنان به دلایل مختلف از پوشش تعداد زیادی از کارگران ساختمانی خودداری می‌کند. همچنین، به‌دلیل عدم‌مشمولیت کارگران ساختمانی در قانون کار، آنها مشمول دریافت بیمه بیکاری نیستند و در صورت بروز حادثه، خانواده آنها نیز با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شوند.

همتی بر لزوم عملیاتی شدن ماده ۵ قانون بیمه اجتماعی کارگران در جامعه تاکید کرد و افزود: پس از مدت ۲ سال از اصلاح و بازنگری قانون بیمه کارگران ساختمانی در مجلس شورای اسلامی و تصویب کلیات آن در خانه ملت، این قانون آماده ورود به صحن علنی مجلس بود. با این‌حال، به‌دلیل مخالفت برخی نمایندگان به دلایل مختلف، این موضوع از بررسی در صحن علنی مجلس بازماند. از طرفی، منابع سازمان تامین‌اجتماعی برای بیمه کارگران ساختمانی کافی نیستند، به‌همین‌دلیل قانون بیمه کارگران ساختمانی در راستای اصلاح و تغییرات ماده ۵ قانون بیمه‌های اجتماعی به مجلس ارائه شده است. وی خاطرنشان کرد: در سال‌های گذشته، بخشی از حق بیمه کارگران ساختمانی از صدور پروانه ساختمانی و سهم مالیات بر ارزش‌افزوده شهرداری‌ها تامین می‌شد، همچنین با اصلاح ماده ۵ قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی، مقرر شد ۱۵درصد از حق بیمه این کارگران از محل صدور پروانه و۵ درصد نیز با مصوبه هیات‌دولت به سازمان تامین‌اجتماعی پرداخت شود. سازمان تامین‌اجتماعی این میزان را ناکافی می‌داند و باوجود افزایش ۱۵درصدی مصوبه هیات‌دولت در پرداخت حق بیمه کارگران ساختمانی به این سازمان، چون این قانون مصوبه مجلس شورای اسلامی را دریافت نکرده است، از اجرای این طرح خودداری می‌کند.

همتی افزود: خرداد سال گذشته، کلیات طرح بیمه کارگران ساختمانی در مجلس شورای اسلامی با قید دوفوریت به‌تصویب رسید و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۶ فروردین ۱۴۰۱ در جلسه علنی، گزارش دوم کمیسیون اجتماعی درباره طرح اصلاح قانون بیمه کارگران ساختمانی را بررسی کردند که در جریان بررسی این طرح، ایراداتی به بند الف ماده واحده طرح گرفته شده و باتوجه به آنکه به‌دلیل برخی ابهامات نیازمند اصلاح دانسته شده، به کمیسیون اجتماعی بازگشته است.

وی خاطرنشان کرد: در حوزه حوادث کار، حوادث ساختمانی همچنان حرف اول را می‌زند و نحوه کار در بخش ساختمان به‌گونه‌ای است که بدون‌حفاظ است؛ کارفرما تنها یک بیمه مکمل خریداری می‌کند و به آن اکتفا می‌کند و اهمیتی به حفاظ و ایمن‌سازی کارگر ساختمانی نمی‌دهد، در نتیجه مسائل ایمنی در حوزه ساختمان رعایت نمی‌شود. از این‌رو سازمان نظام‌مهندسی به‌دلیل عدم‌نظارت کافی و اصولی بر نحوه ساخت ساختمان‌ها و ایمنی آن در این زمینه مقصر است.

امیدواری نسبت به بیمه کارگران ساختمانی

این کارشناس افزود: کارگران ساختمانی چون مشمول قانون کار نیستند، در شرایط بیکاری مشمول دریافت بیمه بیکاری نمی‌شوند و اگر اتفاقی در هنگام کار برای کارگر ساختمانی بیفتد، یک خانواده متلاشی می‌شود. کارگر حادثه‌دیده جدا از اینکه باید هر ماه هزینه‌های درمانش را بپردازد، باید حق بیمه‌اش را هم واریز کند و اگر تا ۳ماه حق بیمه نپردازد، بیمه او خود به خود قطع می‌شود و غرامت ایام بیکاری به وی تعلق نمی‌گیرد.

همتی در پایان گفت: بحث بیمه کارگران ساختمانی بیش از هر زمان دیگری باید موردتوجه دولتمردان قرار گیرد، چرا که در صورت بروز اتفاق ناگوار برای کارگران، خانواده آنها نیز دچار مشکلات اقتصادی فراوانی می‌شوند.

امید می رود باتوجه به نگاه مثبت دولت به کارگران و همراهی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با دولتمردان در اصلاح ماده ۵قانون بیمه کارگران ساختمانی، مشکلات و موانع فراروی این قشر در کمترین زمان حل شود.

سخن پایانی

برابر آمارها بیشترین حوادث ناشی از کار مربوط به کارگاه‌های ساختمانی است و کارگران ساختمانی در فهرست بیشترین قربانیان حوادث شغلی قرار دارند که عمدتا از پوشش بیمه اجتماعی برخوردار نیستند. با پیشنهاد توقف ۲ساله اجرای طرح و بازگشت به قانون قبلی بیمه کارگران ساختمانی مصوب سال ۱۳۹۳ همچنان ۱۵درصد عوارض صدور پروانه به‌عنوان حق بیمه کارگران ساختمانی از سازنده و کارفرما دریافت خواهد شد.

متوقف شدن اصلاحیه بیمه کارگران ساختمانی در کلیه بخش‌های صنعت ساختمان منجر به افزایش فشار و بار مالی بر کارگران ساختمانی می‌شود. برای مثال، در صورت بروز حوادث و بیماری‌ها، کارگران ساختمانی ممکن است به مراکز بهداشتی مراجعه کنند و برای دریافت خدمات‌پزشکی و درمانی هزینه‌های زیادی را بپردازند. باتوجه به کاهش پوشش بیمه، کارگران ساختمانی باید هزینه‌های بیشتری را برای درمان خود پرداخت کنند که ممکن است برای آنها سخت باشد.

علاوه بر این، کاهش پوشش بیمه می‌تواند باعث کاهش تعداد کارگران ساختمانی شود. باتوجه به اینکه کارگران ساختمانی معمولا در شرایط کاری بسیار سخت و خطرناک فعالیت می‌کنند، بیشترین نیاز آنها به پوشش بیمه است. با کاهش پوشش بیمه و افزایش ریسک بروز حوادث و بیماری‌ها، تعداد کارگران ساختمانی ممکن است، کاهش یابد و این می‌تواند از نظر اقتصادی و اجتماعی برای کارگران و صنعت ساختمان مضر باشد. در کل، اصلاحیه بیمه کارگران ساختمانی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های حمایتی از کارگران ساختمانی بود که با متوقف شدن آن، می‌تواند تاثیرات منفی بسیاری برای کارگران ساختمانی و صنعت ساختمان در پی داشته باشد.

مصوبه ۱۱ ساله همسان‌سازی حقوق بازنشستگان اجرایی می‌شود؟

بلاتکلیفی بازنشستگان کارگری

رئیس کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس شورای اسلامی چند روز پیش از تصویب همسان‌سازی حقوق بازنشستگان کشوری، لشکری و تامین اجتماعی در کمیسیون برنامه‌وبودجه و محاسبات مجلس خبر داد. به این ترتیب، همسان‌سازی برای تصویب نهایی راهی صحن مجلس خواهد شد، اما سوال اصلی برای بازنشستگان کارگری این است که آیا این همسان‌سازی شامل حال بازنشستگان کارگری می‌شود؟



گروه گزارش
editor@smtnews.ir

متناسب‌سازی بی‌یال و دم و اشکم

در صورت اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان در قانون برنامه هفتم، سالانه چند درصد میزان حقوق‌ها افزایش خواهد یافت؟ به‌گفته مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری، سازمان امور استخدامی و گروه طبقات تدوین کرده است که در صورت اجرای همسان‌سازی، این جداول پس از اصلاح مدنظر قرار خواهد گرفت. اما آنچه مسلم است، میزان افزایش‌ها برای همه گروه‌ها یکسان نخواهد بود. با این‌همه اگر قبل از سال ۱۳۹۶ جدولی در بحث رتبه، رسته شغلی بی‌عدالتی گسترده‌تر خواهد شد.

چنانچه در دور قبل همسان‌سازی در سال ۹۹، دولت اعتبار جداگانه به صندوق‌های کشوری و لشکری اختصاص داد و با این اعتبار، حقوق بازنشستگان این بازنشستگان کارگری از شمول طرح خط بخورند، صندوق‌ها به‌میزان قابل‌توجهی افزایش یافت، اما برای بازنشستگان کارگری اعتباری در نظر گرفته نشد. در نتیجه، آنچه با منابع تامین‌اجتماعی اجرا شد، نه همسان‌سازی که یک متناسب‌سازی بدون یال و دم و اشکم بود که بازنشستگان، انتقادات بسیار به آن داشتند.

ادامه فعالیت صندوق‌های ورشکسته توجهی ندارد



جبار کوچکی‌نژاد، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات در مجلس شورای اسلامی بااشاره به ضرورت همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و رسیدگی به معیشت آنها گفت: اگرچه همسان‌سازی حقوق بازنشستگان جزو قوانین دائمی کشور است، اما دولت‌ها به‌دلیل نداشتن منابع کافی برای اجرای این قانون از انجام آن سر باز می‌زنند، بنابراین باید در برنامه هفتم راهی برای تامین مالی این مهم پیدا شود، به‌عنوان‌مثال باید صندوق‌های بازنشستگی را به یک منبع مالی یا سرمایه‌گذاری مانند درآمدهای نفتی یا صندوق توسعه ملی وصل کنیم، البته تلاش برای پیدا کردن یک روش مالی ادامه دارد. کوچکی‌نژاد با بیان اینکه برخی افراد در سازمان اداری و استخدامی و سازمان برنامه، مانع همسان‌سازی حقوق بازنشستگان شدند، ادامه داد: از آنجا که صندوق‌ها توانایی همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را ندارند و با کمک‌های دولت روی پا مانده‌اند، باید هرچه سریع‌تر آنها را تعیین‌تکلیف کرد، چرا که صندوق‌ها در پرداخت حقوق بازنشستگان تنها نقش ۵ درصدی دارند، بنابراین باید پرسید که دلیل ادامه فعالیت صندوق‌های مذکور چیست؟ آیا تنها برای پرداخت حقوق‌های کلان به مدیران و هیات‌مدیره ادامه فعالیت می‌دهند؟ عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات در مجلس شورای اسلامی افزود: همچنین در کنار پیشنهاد تامین مالی صندوق‌ها باید پیشنهاد فروش این صندوق‌ها توسط دولت نیز جدی گرفته شود، چرا که اگر دولت بتواند صندوق‌های بازنشستگی را به‌فروش برساند، از درآمد حاصل از آن بخشی از هزینه‌های خود را جبران خواهد کرد،بنابراین از نمایندگان محترم می‌خواهم این موضوع را در برنامه هفتم دنبال کنند، زیرا لزومی بر ادامه فعالیت صندوق‌های ورشکسته وجود ندارد.

همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، رویه دائمی شود



رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، تورم مزمن را عامل کاهش ارزش مستمری بازنشستگان دانست و گفت: مرکز پژوهش‌ها در روند بررسی لایحه برنامه هفتم بر اصل کفایت مستمری بازنشستگان تاکید داشته است.

بابک نگاهداری بااشاره به تاکید رئیس مجلس شورای اسلامی بر جمع‌سپاری در بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه اظهار کرد: مرکز پژوهش‌های مجلس تاکنون جلسات مختلفی با حضور نخبگان و صاحب‌نظران حوزه‌های گوناگون برنامه هفتم توسعه برگزار کرده و برگزاری این نشست در راستای بررسی مطالبات و خواسته‌های بازنشستگان پیرامون برنامه هفتم توسعه صورت گرفته است. وی افزود: مسئله بازنشستگان و صندوق‌های بازنشستگی همواره یکی از مسائل موردتوجه مرکز پژوهش‌های مجلس بوده است و هم‌اکنون نیز با تعامل و همکاری میان دفاتر مختلف و کارشناسان این مرکز با اعضا و کمیته‌های مختلف کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه مجلس شورای اسلامی، مجموعه نظرات و پیشنهادهای اصلاحی مرکز پژوهش‌ها حول مسائل و مطالبات بازنشستگان در اختیار نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار داده می‌شود. نگاهداری مهم‌ترین مسئله و دغدغه بازنشستگان را مسئله کفایت مستمری آن دانست و گفت: مستمری فعلی بازنشستگان نشان می‌دهد که این مقدار، به‌سختی الزامات یک زندگی متوسط را برای آنها فراهم می‌کند و باتوجه به طولانی شدن روند استقلال فرزندان از خانواده‌ها، بعد مخارج زندگی بازنشستگان افزایش یافته است. رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در تشریح علل ناپایداری مالی صندوق‌های بازنشستگی اظهار کرد: این ناپایداری ناشی از تغییرات جمعیتی و تحولات اقتصادی است که همین امر محدودیت‌های شدیدی را برای بهبود وضعیت مستمری بازنشستگان ایجاد کرده، علاوه بر این، شرایط تورمی مزمن در کشور باعث شده است که ارزش مستمری بازنشستگان همواره در حال کاهش باشد. وی بااشاره به تبعیض میان بازنشستگان صندوق‌های مختلف در دریافت میزان مستمری و مزایای بازنشستگی تصریح کرد: این تبعیض منشأ نارضایتی برخی بازنشستگان شده است و باید به این نکته توجه کرد که مدل همسان‌سازی و متناسب‌سازی نباید در مقایسه با شاغلان فعلی باشد، بلکه لازم است مستمری با زمان برقراری مستمری متناسب شود. نگاهداری یکی از مهم‌ترین درخواست‌های بازنشستگان را پوشش مناسب بیمه درمانی دانست و افزود: سهم قابل‌توجهی از مستمری بازنشستگان صرف هزینه‌های درمانی می‌شود و عدم‌جبران این هزینه‌ها از سوی بیمه‌های درمانی، می‌تواند بازنشستگان را به ورطه فقر بکشاند. رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، لایحه صندوق‌های برنامه هفتم توسعه را واکنش به چالش ناپایداری صندوق‌های بازنشستگی توصیف کرد و گفت: البته تمرکز بر پایداری مالی در لایحه برنامه هفتم توسعه توسط دولت نباید باعث کم‌توجهی به پایداری اجتماعی و امنیتی از طریق کفایت مستمری شود و نباید اصل کفایت به‌عنوان یکی از چالش‌های نظام بیمه‌ای و مهم‌ترین اصل بیمه‌های اجتماعی مغفول بماند. نگاهداری افزود: مرکز پژوهش‌ها در روند بررسی لایحه برنامه هفتم بر اصل کفایت مستمری بازنشستگان تاکید داشته و همچنین پیشنهادهایی را به‌منظور اصلاحات نظام بازنشستگی با رعایت حقوق تمامی ذی‌نفعان و با دوری از شتاب‌زدگی ارائه داده است.

همسان‌سازی از اهداف برنامه هفتم توسعه



علیرضا شهبازی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی گفت: کمیسیون برنامه و بودجه در جریان بررسی برنامه هفتم توسعه پیشنهادی مبنی بر همسان‌سازی حقوق بازنشستگان کشوری، لشکری و تامین‌اجتماعی را تصویب کرد. وی ادامه داد: کمیسیون برنامه و بودجه در زمان بررسی پیشنهادات لایحه برنامه هفتم تصویب کرد که همسان‌سازی حقوق بازنشستگان نیز در لایحه درج شود. این عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: این موضوع در قالب پیشنهاد و مصوبه کمیسیون برنامه و بودجه به کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم داده شده است و در نهایت این موضوع باید در کمیسیون تلفیق تصمیم‌گیری و نهایی شود.

سخن پایانی

حدود ۱۱ سال پیش، مجلس شورای اسلامی قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را تصویب کرد تا حقوق بازنشستگان در بازه‌ای مشخص همسان با حقوق شاغلان شود؛ با این حال، سال‌ها از تصویب این قانون توسط مجلس می‌گذشت و خبری از اجرای این قانون نبود. در تمام این سال‌ها قرار بود منابع لازم برای اجرای این قانون توسط دولت تامین شود؛ اما کم‌توجهی هر ساله به این امر در لایحه بودجه یا محدودیت منابع دولت، باعث شده است که این موضوع دچار یک عقب‌ماندگی جدی شود. در نهایت، همسان‌سازی حقوق یکی از مطالبات جدی بازنشستگان است که باید به‌درستی موردپیگیری دولت و مجلس قرار گیرد.

یادداشت

داستان درام همسان‌سازی



بهروز صادقی
روزنامه‌نگار

براساس گفته رئیس کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان کشوری، لشکری و تامین اجتماعی در کمیسیون برنامه‌وبودجه و محاسبات مجلس مصوب شده است. به این ترتیب، همسان‌سازی احتمالا برای تصویب نهایی به صحن مجلس خواهد رفت، اما سوال اصلی برای بازنشستگان کارگری این است که آیا این همسان‌سازی شامل حال بازنشستگان کارگری می‌شود؟

اجرا نشدن صحیح طرح همسان‌سازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی در حالی است که این گروه درخواست رفع تبعیض‌های موجود بین آنان و بازنشستگان خدمات کشوری و لشکری را دارند.

در این زمینه باید در نظر داشت، براساس بررسی‌های انجام‌شده (که از سوی صداوسیما نیز انعکاس یافت)، با حذف دفترچه‌های درمانی تامین‌اجتماعی سالانه بیش از ۲ میلیارد تومان در بودجه این سازمان صرفه‌جویی خواهد شد، در حالی که به‌خاطر هزینه چاپ همین دفترچه‌ها تاکنون، ۲ درصد حقوق دارندگان این دفاتر کسر می‌شده که سرجمع این رقم سر به فلک می‌کشد. بی‌تردید اگر کسر این مبلغ (زین پس که هزینه چاپ برای دفترچه‌ها در کار نیست)، تداوم یابد، یک ظلم و برداشت غیرقانونی آشکار خواهد بود که باید با جدیت پیگیری و از تداوم آن جلوگیری شود.

نکته دیگری که وجود دارد، اجحاف در حق بیمه‌شدگان تامین‌اجتماعی برای بیمه بودن داروهایی است که برای‌شان تجویز می‌شود؛ برای مثال یک بازنشسته تامین اجتماعی که حداقل ۲ بیماری زمینه‌ای مزمن مثل دیابت، کلسترول یا فشارخون بالا دارد، هیچ‌یک از داروهایی که برایش تجویز می‌شود و باید مصرف کند، مشمول بیمه نیست و همه را باید به‌صورت آزاد از داروخانه تهیه کند و این امر در حقیقت به‌مثابه ظلمی فاحش در حق بیمه‌شدگان تامین‌اجتماعی است؛ یعنی از یک‌سو، افزایش حقوق آنان در طرح همسان‌سازی در حد ۱۹ درصد بوده، در حالی که این رقم برای بازنشستگان خدمات کشوری و لشکری حداقل ۷۰ درصد نسبت به حقوق کارکنان هم‌ردیف و شاغل است و از دیگرسو، دفترچه‌های درمانی آنان نیز فعال است و این افراد تمامی داروهای موردنیاز خود را با برخورداری از پوشش بیمه دریافت می‌کنند، اما بازنشستگان تامین‌اجتماعی باید ویزیت پزشک معالج و هزینه اقلام دارویی موردنیازشان را از جیب خود بپردازند و بعد سازمان ادعا کند که چندین میلیارد تومان صرفه‌جویی داشته است اما به‌نفع چه کسی؟! این استراتژی و راهبرد به‌نفع هر کس و هر سازمانی که باشد، در هر حال به ضرر بازنشستگان است!

بی‌تردید اگر حذف دفترچه‌های درمان، اقدامی به‌نفع بیمه‌شدگان بود، صندوق‌های بیمه لشکری و کشوری همان‌گونه که سهم خود را از دولت گرفتند، خیلی پیش‌تر دفترچه‌ها را حذف می‌کردند، در حالی که هم‌اکنون دفترچه‌های درمانی آنها معتبرتر و قوی‌تر از گذشته فعال است و در این میان، فقط سازمان تامین‌اجتماعی مدعی است که حذف هزینه کاغذ، چاپ و در نهایت حذف دفترچه‌های فیزیکی، میلیاردها تومان صرفه‌جویی در پی خواهد داشت. حال پرسش اساسی این است که نمایندگان محترم مجلس که وکیل مردم هستند، چرا چشمان خود را بر قانون‌گریزی سازمان و دولت در این زمینه بسته‌اند و باوجود اینکه مشاهده می‌کنند سالیان درازی است که سفره‌های بازنشستگان تامین، هر روز کوچک و کوچک‌تر و فشار اقتصادی، روحی و روانی زیادی بر آنان وارد می‌شود، تلاش ملموس و بازدارنده‌ای برای حمایت از این قشر از آحاد جامعه از خود نشان نمی‌دهند؟

امید آنکه قوه قضاییه به‌عنوان مدعی‌العموم، سازمان‌های بازرسی و نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، رسیدگی جدی به وضع بازنشستگان تامین اجتماعی و احقاق حق آنان را در اولویت برنامه‌ها و کارهای خود قرار دهند و این گروه از آحاد جامعه را از فشارهای سخت اقتصادی امروز جامعه رهایی بخشند.

حدود ۱۱ سال پیش، مجلس شورای اسلامی قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را تصویب کرد تا حقوق بازنشستگان در بازه‌ای مشخص همسان با حقوق شاغلان شود

www.Gostaresh.news
با ما
سبک زندگی اقتصادی
را گسترش دهید
آخرین اخبار و
تازه‌ترین تحلیل‌ها
را در پایگاه خبری
«گسترش نیوز»
دنبال کنید
۸۸ ۷۲۲ ۷۳۲
www.Gostaresh.news

«آگهی مناقصه»
شرکت سنگ آهن گهرزمین (سهامی عام)
Gohar Zamin Iron Ore Co.
انتخاب مشاور برگزاری مناقصه پروژه IPCC معدن گهرزمین
شرکت سنگ‌آهن گهرزمین (سهامی عام) در نظر دارد پروژه خردایش درون معدن و حمل با نوار نقاله موسوم به سیستم IPCC(In-Pit Crushing and Conveying) خود را از طریق برگزاری مناقصه به مشاور ذیصلاح واگذار نماید. سیستم IPCC شامل سنگ‌شکن‌های نیمه‌متحرک (Semi Mobile Crusher)، نوارهای نقاله و پخش‌کننده یا Spreader است و وظیفه انتقال باطله‌های معدن به دامپ را برعهده دارد. بدینوسیله از کلیه شرکت‌های مهندسی و مشاوران واجد شرایط دعوت بعمل می‌آید در صورت تمایل با در نظر گرفتن موارد ذیل نسبت به تهیه اسناد اقدام نمایند:
شروط لازم برای خریداری و تحویل اسناد به مناقصه‌گر:
۱- نامه‌های اعلام آمادگی رسمی و معرفی نماینده جهت دریافت اسناد؛
۲- تصویر اساسنامه و آخرین روزنامه رسمی و آگهی آخرین تغییرات؛
۳- تصویر گواهینامه‌های مرتبط و معتبر:
- آماده‌سازی و بهره‌برداری معدن (رتبه ۱)
- صنعت و معدن (رتبه ۱)
- زمین‌شناسی
- کانه‌آرایی و فرآوری معدن
۴- خلاصه‌ای از رزومه شرکت و سوابق کاری
۵- فیش واریزی مبلغ ۳،۰۰۰،۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۸۵۴۸۰۰۰۹۱۷۲۲ به نام شرکت سنگ‌آهن گهرزمین نزد بانک سپه شعبه بلوار اسفندیار کد ۱۸۵۴؛
کلیه مدارک فوق، به واحد بازرگانی شرکت گهرزمین به آدرس تهران، بلوار آفریقا، بلوار آرش غربی، پلاک ۱۲ طبقه سوم تحویل داده شده و پس از احراز صلاحیت مناقصه‌گر، اسناد مناقصه تحویل نماینده معرفی شده خواهد شد.
مناقصه‌گران موظفند اسناد مناقصه تکمیل شده را حداکثر تا تاریخ شنبه ۱۴۰۲/۰۵/۲۸، مطابق با شرایط ذکر شده در اسناد، به دبیرخانه شرکت گهرزمین به آدرس تهران، بلوار آفریقا، بلوار آرش غربی، پلاک ۱۲ طبقه ۵ تحویل نمایند. در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۲۱۳۰۱۴۸۳۱ تماس حاصل گردد.
شرکت سنگ آهن گهرزمین

دریچه

تامین اجتماعی از دیروز تا امروز

در بررسی تاریخچه بیمه‌های اجتماعی در ایران به‌عنوان یکی از مولفه‌های مهم سیاست‌های اجتماعی می‌توان گفت نخستین اقدام، به سال ۱۲۸۶ بازمی‌گردد که در این سال طرحی برای حمایت از بازماندگان کارگران شاغل در حوزه خدمات عمومی -باتوجه خاص به کارکنان دولت- تصویب شد.

در سال ۱۳۰۱ با تصویب نخستین قانون استخدام کشوری، یک صندوق بازنشستگی برای کارکنان دولت تشکیل شد که در سال‌های بعد سازمان بازنشستگی کشوری از دل آن بیرون آمد. مهم‌ترین سازمان و نهادی که در این حوزه دچار تحول شده و به‌صورت وسیع‌تر و عام‌تری حضور داشته و تغییرات آن را می‌توان پیگیری کرد، سازمان تامین اجتماعی امروزی است که سابقه تشکیل آن به‌صورت نظری به ساخت‌وسازها و برنامه‌های عمرانی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ بازمی‌گردد.

نوسازی اتفاق افتاده در این دوران، سبب شکل‌گیری تعدادی از کارخانه‌ها و طرح‌های عمرانی بزرگ شد، در حالی که تا قبل از آن حوزه کارگری ایران تنها محدود به کارگاه‌های کوچک بود. با افزایش جمعیت کارگری متشکل، به‌صورت طبیعی نیازهای جامعه کارگری و نحوه پاسخگویی به این نیازها نیز موردتوجه قرار گرفت.

با آغاز برنامه ایجاد خط‌آهن سراسری که کارگران زیادی را در سراسر کشور جذب کرد، وزارت طرق و شوارع آیین‌نامه‌ای برای تشکیل صندوق احتیاط کارگران طرق و شوارع تدوین کرد که در اسفند ۱۳۰۹ به تصویب رسید و از ابتدای سال ۱۳۱۰ اجرایی شد.

در اسفند ۱۳۲۰ لایحه بیمه کارگران دولتی و غیردولتی تقدیم مجلس شد که به‌سبب تغییرات جدی سیاسی و اجتماعی و هرج‌ومرج ناشی از دوران جنگ جهانی دوم مسکوت ماند تا آنکه در آبان ۱۳۲۲ گروهی از کارشناسان بیمه ایران مسئول بررسی این موضوع و انجام محاسبات موردنیاز شدند و در نهایت در مجلس قانونی تصویب شد که به‌موجب آن کارگران نزد بیمه ایران، بیمه می‌شدند و خدمات این بیمه هم عمدتا معطوف به ازکارافتادگی و فوت و نظارت بر محیط‌های کار از نظر سلامت نیروی کار و ارزیابی توان کارگران برای انجام کارهای محوله بود.

در سال ۱۳۲۵ بحث بنگاه رفاه اجتماعی مطرح شد که بخشی از نخستین پیش‌نویس قانون کار کشور بود. در آن قانون دو صندوق به نام‌های صندوق بهداشت و صندوق تعاون پیش‌بینی شده بود که قرار بود برای هدایت و مدیریت صندوق تعاون، بنگاه رفاه اجتماعی تاسیس شود.

در همین بحث محدودیت ۴۸ ساعت کار هفتگی و شرایط کار زنان و کودکان نیز برای نخستین بار موردتوجه قرار گرفت. در سال ۱۳۲۶ آیین‌نامه بیمه کارگران مطرح شد که به بحث معاینه کارگران و ارائه خدمات درمانی به کارگران می‌پرداخت. در سال ۱۳۲۸ مجلس وقت، تاسیس صندوق تعاون و بیمه کارگران را تصویب کرد که در واقع ادامه همان بحث بنگاه رفاه اجتماعی بود و تغییر ساختار جدی نداشت.

مهم‌ترین تحول را شاید بتوان مربوط به سال ۱۳۳۱ دانست که با اختیاراتی که مرحوم مصدق توانسته بود از مجلس اخذ کند، لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی کارگران در هیات دولت تصویب شد. در این قانون برای نخستین بار بحث بیمه‌های اجتماعی به مفهوم بازنشستگی و بیمه‌های بیکاری در کنار بحث بیمه‌های درمانی و حمایت از کارگران مصدوم و حادثه‌دیده و خانواده‌های بازمانده آنان، مورد تاکید قرار گرفت.

در پی تصویب این قانون، سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران در اردیبهشت ۱۳۲۲ تاسیس شد. با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و الغای لوایحی که به‌موجب اختیارات ویژه دکتر مصدق تصویب شده بود، این قانون با تغییراتی جزئی دوباره مورد تصویب مجلس قرار گرفت. در سال ۱۳۳۹ با همکاری کارشناسان سازمان بین‌المللی کار که برای نخستین بار به ایران آمدند، بیمه‌های اجتماعی موردبازنگری قرار گرفت.

سازمان بیمه‌های تامین اجتماعی با پشت سر گذاردن مسیر پرفرازونشیب ناشی از تحولات اقتصادی و اجتماعی ناشی از هجوم نیروی کار به شهرها و شکل‌گیری کارخانه‌های جدید به فعالیت خود ادامه داد و در سال ۱۳۴۷ واژه کارگران از قانون و سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران حذف شد و به سازمان بیمه‌های اجتماعی تبدیل شد تا برخی کارکنان حوزه‌های دولتی هم به جمع مشمولان آن اضافه شوند.

در سال ۱۳۴۸ قانون تشکیل صندوق بیمه روستاییان تصویب و سازمان بیمه‌های اجتماعی روستاییان در همین سال تاسیس شد که چندان دوام نیاورد و در سال ۱۳۵۴ در ساختار تامین اجتماعی ادغام شد. بعد از افزایش درآمدهای نفتی و بازبینی برنامه پنجم، در سال ۱۳۵۴ قانون تامین اجتماعی تصویب و سازمان تامین اجتماعی جایگزین سازمان بیمه‌های اجتماعی شد.

سازمان بازنشستگی کشوری هم در همین سال، شکل کنونی‌اش سامان پیدا کرد و وزارت رفاه هم در همین سال شکل گرفت که بعد از کمتر از یک سال منحل شد. اتفاق مهم بعدی به تشکیل دوباره وزارت رفاه و تامین اجتماعی در سال ۱۳۸۳ بازمی‌گردد.

ایجاد این وزارتخانه در واقع باتوجه به تکلیف ماده ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفت تا ساختاری ایجاد شود که همه آحاد جامعه را تحت پوشش خدمات حمایتی، بیمه‌ای و امدادی قرار دهد و جامعیت، کارآمدی و کفایت خدمات را تضمین کند.

بررسی صمت از عملکرد نهاد حمایت‌گر کارگران

سازمان تامین‌اجتماعی متعلق به کارگران است

مرضیه احقاقی
editor@smtnews.ir

برخی از کارشناسان معتقدند تاکید بر توزیع مجدد درآمدها و نیز حمایت از فقرا آن‌گونه که در سیستم تامین اجتماعی ایران و نیز اصل ۲۹ قانون اساسی موردنظر قرار گرفته، می‌تواند صدماتی به اقتصاد ملی وارد کند. این حرکت راهی است که قبلا یک بار توسط کشورهای پیشرفته امتحان شده و نتیجه نهایی آن، تلاش آن کشورها برای کاهش میزان سوبسیدهای رفاهی و ایجاد حلقه اتصال مستقیمی بین کار و رفاه بوده است.

به‌عبارت بهتر، تمامی کشورهای صنعتی قبلا شیوه ارائه سوبسیدهای رفاهی را تجربه کرده و هم‌اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که باید بودجه‌ها و سوبسیدهای رفاهی را به‌گونه‌ای به اقتصاد کشور تزریق کنند که حتی‌الامکان این بودجه از طریق کار و دستمزد کار به اقتصاد ملی متصل شود.

صمت در این گزارش به‌مناسبت روز تامین اجتماعی به بررسی عملکرد این سازمان در قبال کارگران پرداخته است.


عکس: صمت

در اصل سازمان تامین اجتماعی متعلق به کارگران است ، نه دولت؛ اما از سال ۱۳۸۲ این سازمان به وزارت رفاه و تامین اجتماعی واگذار شد که از اساس فرآیند اشتباهی بود، زیرا در حال حاضر حاکمیت دولت بر این سازمان جریان دارد

الگوی نظام‌های پیشرفته تامین اجتماعی

رویکرد غالب در نظام‌های پیشرفته تامین اجتماعی، استقرار نظام‌های تامین اجتماعی چندلایه است که همه گروه‌های جمعیتی را پوشش می‌دهد. در واقع با لایه‌بندی این نظام امکان ارائه حمایت‌های اجتماعی در لایه اول، اجرای بیمه‌های اجتماعی در لایه دوم و بیمه‌های خصوصی مبتنی بر پس‌اندازهای فردی در لایه سوم، هر کدام با سطوح حمایتی مشخص و منطبق با سطح توانایی و جایگاه افراد جامعه فراهم می‌شود؛ از این‌رو می‌توان امیدوار بود در جامعه با تغییر رویکرد به سمت و سوی الگوهای مدرن تامین اجتماعی، عدالت اجتماعی و برخورداری از رفاه متناسب با ظرفیت‌ها و قابلیت افراد ممکن شود و قدرت انتخاب افراد در جامعه افزایش یابد.

سازمان تامین اجتماعی، صندوق بیمه کارگران



حسین حبیبی، فعال کارگری:

در ارزیابی عملکرد سازمان تامین اجتماعی می‌توان گفت اصل ۲۹ قانون اساسی بر برخورداری افراد از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و... تاکید دارد؛ در همین حال، براساس این اصل دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی‌فوق را برای یک‌یک افراد کشور تامین کند، اما عملکرد کنونی سازمان تامین اجتماعی با تعریف یادشده تفاوت دارد.

در اصل سازمان تامین اجتماعی صندوق بیمه‌ای است که به کارگران تعلق دارد؛ با این وجود، مردم و کارگران در طول این سال‌ها به دولت، مسئولان و سیاست‌گذاران اعتماد کرده و مدیریت اموال خود را در این سازمان به دولت سپرده‌اند؛ هرچند این اطمینان آنقدرها هم نتیجه‌بخش نبوده و انتقادهای بسیاری به سیاست‌گذاران و عملکرد آنها در این سازمان وجود دارد.

▣ دولت موظف به حفظ امانت است

باتوجه به موارد یادشده سازمان تامین اجتماعی از مصادیق حق‌الناس است و جز کارگران کسان دیگری حق بهره‌برداری از آن را ندارند. دولت نیز موظف است نسبت به حفظ این امانت کوشا باشد؛ هرچند دولتمردان ما در طول ۴ دهه گذشته امانتدار خوبی برای کارگران نبوده‌اند. دولت‌ها در طول این سال‌ها به این سازمان همچون قلکی نگریسته‌اند و در شرایط ضرورت از آن برداشت کرده و هیچ‌گاه نیز این قرض را پس نداده‌اند.

با ورود مهمانان ناخوانده جدید به صندوق تامین اجتماعی که پرداخت سهم بیمه کارفرمای آنها بر عهده دولت است، مشکلات صندوق بیش از پیش افزایش پیدا کرد. از جمله گروههایی که حق بیمه سهم کارفرمای آنها باید ازسوی دولت پرداخت شود می‌توان به قالیبافان، کارگران ساختمانی، کامیونداران، بسیجیان، طلاب و... اشاره کرد و چنانچه این بدهی پرداخت شود، منابع صندوق به سطح پایداری خواهد رسید.

▣ وظیفه پرداخت سرانه درمان کارگران

دولت همچنین وظیفه پرداخت سرانه درمان کارگران را بر عهده دارد، اما در پرداخت آن کوتاهی می‌کند و بدین‌ترتیب شاهد مجموعه‌ای از مطالبات کارگران در سازمان تامین اجتماعی و از دولت هستیم و چنانچه این بدهی دولت پرداخت شود، منابع موردنیاز این صندوق تامین و بسیاری از چالش‌های آن برطرف خواهد شد.

▣ چالش قراردادهای موقت و کوتاه‌مدت

یکی دیگر از مواردی که منجر به کاهش منابع صندوق شده، بحث قراردادهای کار است. در طول سال‌های اخیر رابطه میان کارگر و کارفرما به‌واسطه وجود قراردادهای موقت و کوتاه‌مدت به چالش کشیده شده است. علاوه بر این، شاهد انعقاد قراردادهایی میان کارگر و کارفرما بدون بیمه‌پردازی هستیم. در واقع فعالیت کارگاه‌های غیررسمی رو به افزایش است. در این کارگاه‌ها نیروهای کار غیررسمی بدون قرارداد کار و بیمه فعالیت می‌کنند. در شرایطی که قرارداد کار بر روابط میان کارگر و کارفرما حاکم نباشد، قانون کار که شرایط حداقلی را برای حمایت از کارگران تعیین می‌کند، اجرایی نخواهد شد و در ادامه سازمان تامین اجتماعی نیز با کسری منابع روبه‌رو می‌شود. اما این پایان کار نیست، زیرا در چنین فضایی، با کسری منابع، سازمان در ارائه سرویس‌های خدماتی و درمانی و بیمه‌ای به کارگران دچار ضعف و چالش خواهد شد. این موضوع در ادامه موجب می‌شود کارگران به‌طور عام از عملکرد سازمان تامین اجتماعی رضایت نداشته باشند.

تامین اجتماعی در حال حاضر با دریافت منابع مستقیم از کارگران فعالیت و انواع خدمات درمانی و بیمه‌ای را ارائه می‌دهد.

▣ تامین اجتماعی در دام خصوصی‌سازی

واگذاری شرکت‌های تامین اجتماعی در قالب خصوصی‌سازی نیز از مشکلات دیگر این نهاد است. سازمان تامین اجتماعی در اصل متعلق به کارگران است، نه دولت؛ اما از سال ۱۳۸۲ این سازمان به وزارت رفاه و تامین اجتماعی واگذار شد که از اساس فرآیند اشتباهی بود، زیرا در حال حاضر حاکمیت دولت بر این سازمان جریان دارد. در چنین شرایطی، به‌راحتی امکان سوءاستفاده از این سازمان که براساس سرمایه‌های کارگران شکل‌گرفته فراهم شد. دولتی شدن سازمان تامین اجتماعی موجب شده دولت بابت رد دیون خود، مقداری از شرکت‌های سازمان تامین اجتماعی را واگذار کند. این واگذاری‌ها درحالی هستند که سازمان تامین اجتماعی از محل درصدی از حقوق کارگران تشکیل شده و واگذاری آن مصداق واگذاری حق‌الناس است.

ما تاکید داریم شرکای این سازمان کارگران، کارفرماها و دولت هستند و دولت به میزان آورده خود که ۳ درصد برآورد می‌شود، حق دخالت و نظردهی دارد. هرچند در طول این سال‌ها، هیچ‌گاه سهم ۳ درصدی دولت به سازمان پرداخت نشده است.

▣ خطر ورشکستگی سازمان

سازمان تامین اجتماعی با کسری منابع روبه‌رو است. این کسری منابع از دو عامل نشأت می‌گیرد که پیش‌تر به آنها اشاره شد؛ نخست عدم‌پرداخت بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی و دیگری کاهش بیمه‌پردازی به‌دلیل کوتاه شدن زمان قراردادهای میان کارگر و کارفرما و کارگران غیررسمی. ۳۰ سال پیش که سازمان با جمعیت جوان روبه‌رو بود، این جمعیت تنها منابع مالی برای سازمان تولید می‌کرد و هیچ برداشتی با عنوان بازنشستگی نداشتیم و طبیعتا سازمان با این چالش‌ها روبه‌رو نبود. باتوجه به فاکتورهای یادشده، ما به یکباره در جمع بیمه‌شدگان با خاتمه کار و بازنشستگی روبه‌رو شدیم. در چنین شرایطی، واریزی نداریم و تنها برداشت از سازمان انجام می‌شود، اما این برداشت تا چه زمانی امکان دارد؟

البته تا ۲۰ سال آینده امکان رفع این چالش‌ها وجود دارد، چراکه در حال حاضر حجم قابل‌توجهی از جوانان آماده کار را داریم و اشتغال جوانان به‌منزله بیمه‌پردازی است. در چنین شرایطی، وظیفه دولت این است که اشتغال آنها را مدیریت کند تا بیمه‌پردازی با موفقیت انجام و به‌دنبال آن کسری منابع سازمان تامین شود. در ادامه نیز برای ۲۰ سال آینده از هم‌اکنون چاره‌ای اساسی اندیشیده شود.

> عملکرد کنونی سازمان تامین اجتماعی با اصل ۲۹ قانون اساسی مطابقت ندارد و در اصل سازمان تامین اجتماعی به صندوق بیمه‌ای تبدیل شده که به کارگران تعلق دارد

فاصله معنادار با رسالت اصلی



کیومرث فتح‌اله‌کرمانشاهی، کارشناس اقتصاد:

سازمان تامین اجتماعی از رسالت اصلی خود فاصله بسیاری گرفته است. این سازمان با هدف سرویس‌دهی به اعضای خود یعنی کارگران و بیمه‌پردازان ایجاد شد، اما به‌جای اجرای مسئولیت‌های واگذارشده به آن، اقدام به احداث مجموعه سرمایه‌گذاری با عنوان شستا کرده است. در چنین شرایطی این سوال مطرح می‌شود که منافع این دست اقدامات به جیب چه کسانی می‌رود؟ آیا کارگران به‌عنوان صاحبان اصلی سازمان تامین اجتماعی از منافع آن سهمی دارند؟ شستا با هدف انجام فعالیت‌های اقتصادی چندین شرکت زیرمجموعه ایجاد کرده، اما منافع آن در نهایت به کارگران و کسانی که حق بیمه پرداخت می‌کنند، نمی‌رسد.

در طول سال‌های طولانی که از تاسیس سازمان تامین اجتماعی می‌گذرد، موجی از نارضایتی نسبت به عملکرد این سازمان شکل‌گرفته که بخش قابل‌توجهی از این نارضایتی‌ها در سایه نبود شفافیت عملکردی این سازمان حاصل شده است. نبود شفافیت در همه سطوح، فساد، رانت و سایر چالش‌های اقتصادی را منجر خواهد شد؛ بنابراین انتظار می‌رود برای رفع این دست چالش‌ها، گزارشی کامل و شفاف از عملکرد و صورت‌های مالی سازمان تامین اجتماعی و سایر صنایع وابسته به آن ارائه شود. در همین حال، کارگران در سود این سازمان و فعالیت‌های اقتصادی وابسته به آن سهیم باشند.

تامین اجتماعی به‌جای آنکه حامی حقوق کارگران باشد، به بنگاهی برای سرویس‌دهی به جناح‌ها و باندهای سیاسی بدل شده است. بدون تردید این دست اقدامات و شرایط زمینه نارضایتی بیمه‌پردازان و کارگران را فراهم کرده است.

▣ وظایفی که به‌درستی اجرا نمی‌شوند

با خیل عظیمی از کارگران روبه‌رو هستیم که حق بیمه و مالیات آنها در سرع وقت پرداخت می‌شود؛ بنابراین انتظار می‌رود خدمت‌رسانی به این قشر نیز به بهترین شکل انجام شود اما در عمل، شرایط کاملا برعکس است. باتوجه به اینکه تلاش کارگران در چرخه تولید قابلیت جایگزینی ندارد، انتظار می‌رود سازمان تامین اجتماعی خدمات شایسته‌ای را مطابق وظایف خود به بیمه‌پردازان ارائه دهد.

سازمان تامین اجتماعی وظایفی را در زمینه نیازهای درمانی بیمه‌پردازان خود بر عهده دارد؛ با این وجود شاهدیم که با بهانه‌های گوناگون از پرداخت بسیاری از هزینه‌های دارو و درمان سر باز می‌زند یا در موارد متعددی بهره‌گیری از خدمات این سازمان نیازمند پیگیری‌های طولانی‌مدت است و مراجعان را پاس‌کاری می‌کنند. بسیاری از بیمارستان‌ها به‌دلیل مطالباتی که از دولتی‌ها دارند از ارائه خدمات به مردم خودداری می‌کنند. در چنین شرایطی، شاهد مشکلات عدیده‌ای برای افرادی هستیم که همچنان حق‌بیمه خود را پرداخت می‌کنند. این فضا زمینه نارضایتی کارگران و بیمه‌پردازان را فراهم کرده است.

▣ چالش‌های اساسی خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی و واگذاری نهادهای زیرمجموعه سازمان تامین اجتماعی نیز در سال‌های اخیر به‌دلیل نبود شفافیت با چالش‌های اساسی روبه‌رو است. کما اینکه از شرکت‌های واگذارشده به بخش خصوصی با عنوان خصولتی یاد می‌شود؛ یعنی منشأ تمام این واحدها در نهایت دوباره به دولت می‌رسد. از مجموع موارد یادشده این‌طور برداشت می‌شود که چنانچه شفافیت بر عملکرد این سازمان حاکم شود، امکانی برای رفع مشکلات فراهم خواهد شد. چنانچه رابطه میان کارگر و کارفرما نیز براساس قانون مشخص شود می‌توان به بهبود موقعیت کنونی امید داشت. علاوه بر این، لازم است قوانین حاکم بر این سازمان شفاف باشد تا امکان انواع سوءاستفاده از بین برود.

سخن پایانی

این روزها و با شدت گرفتن چالش‌های اقتصادی حاکم بر جامعه، رشد تورم، افت سطح درآمدی خانوارها و... ضریب نفوذ بیمه تامین اجتماعی و صندوق‌های مشابه آن در کشور بین ۲۵ تا ۳۰ درصد کاهش داشته است. این افت بدین معنی است که حدود یک‌چهارم جمعیت که استحقاق دریافت پوشش و خدمات بیمه‌ای را دارند، از این امکان محروم شده‌اند. برخی نیز معتقدند تامین اجتماعی به‌عنوان نهاد حامی حقوق کارگران از مسیر اصلی خود دور شده است.

بنابراین، ساختار این سازمان نیازمند بازنگری کلی در درک مفهوم تامین اجتماعی و اصلاح سیاست‌های اجتماعی براساس الگوهای تصحیح‌شده جهانی است.

صمت چالش‌های بیمه‌ای دانش‌بنیان‌ها را بررسی کرد

بی‌محلی به قانون

معافیت از پرداخت حق بیمه یکی از راهکارهای تسهیلگرانه در اکوسیستم دانش‌بنیان است. این اقدام در تفاهم صورت‌گرفته میان معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهوری و سازمان تامین اجتماعی پیگیری شد و براساس اجرای بند ۱۹ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۹/۱۲۱۰۱ در تاریخ ۲۰ اسفند سال ۱۳۹۹، سازمان تامین‌اجتماعی موظف است تا کلیه قراردادهای دانش‌بنیان را که به تایید معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهوری برسند، از پرداخت ضرایب حق بیمه قراردادها معاف کند. از دانش‌بنیان‌ها که بپرسید، می‌گویند که هیچ قانون یا بخشنامه‌ای که در راستای تسهیل فعالیت‌های دانش‌بنیان‌ها تصویب شده باشد، مورد تمکین سازمان تامین اجتماعی نیست و بازرسان بیمه به قدر کافی توجیه نیستند. به‌همین‌دلیل چالش‌های بیمه‌ای دانش‌بنیان‌ها در صدر معضلات این شرکت‌ها قرار دارد، اما گویا این مشکلات سردراز دارد؛ از بدهی این سازمان به بازنشستگان تا بدهی دولت به این سازمان موجب شده است که دولت هم اقدام امیدوارکننده‌ای برای حل معضلات بیمه دانش‌بنیان انجام ندهد. از طرفی هم، دانش کم برخی صاحبان شرکت‌های فناور، خود موجب خسارت‌های سنگین بیمه‌ای برای آنها شده است. صمت به مناسبت روز بهزیستی و تامین‌اجتماعی به بررسی اصلی‌ترین چالش‌های بیمه‌ای شرکت‌های دانش‌بنیان پرداخت و راهکارهای حل آن را از سوی معاونت علمی و فناوری اقتصاد دانش‌بنیان پیگیری کرد.

مهتاب دمیرچی
editor@smtnews.ir



وقتی قانون بی‌معنی می‌شود

امیرعباس اختراعی، رئیس هیات‌مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی ایران در گفت‌وگو با صمت گفت: چالش‌های مربوط به بیمه و تامین‌اجتماعی شرکت‌های دانش‌بنیان با اختلاف در صدر معضلات فعالان در این اکوسیستم است. چندین‌بار هم، از روش‌های مختلف این معضلات را بررسی کردیم و در نتیجه پیگیری‌ها متوجه شدیم که گره کار بسیار کور است. وی بااشاره به چرایی این معضلات گفت: سازمان تامین‌اجتماعی، بخشنامه‌محور است. به‌عبارت روشن‌تر، کارکنان و بازرسان این سازمان اعتنایی به قوانین مستند و تفاهمنامه‌ها نمی‌کنند و تنها به بخشنامه‌ها و رویه‌های ابلاغی سازمان‌های بالادستی خودشان استناد و مطابق آنها عمل می‌کنند. در واقع گره کار اینجا است که سازمان تامین‌اجتماعی به قوانین کلی تمکین نمی‌کند. برای مثال، دانش‌بنیان‌هایی که از سوی معاونت علمی معرفی می‌شوند، باید از پرداخت حق بیمه معاف شوند. این در حالی است که سازمان تامین‌اجتماعی زیر بار این معافیت نمی‌رود و همچنان نسبت به اخذ حق بیمه مبادرت می‌ورزد. اختراعی بااشاره به ابهامات درآمدی سازمان تامین‌اجتماعی گفت: به‌اعتقاد من، حق بیمه‌ها و درآمدهای فعلی تکافوی هزینه‌های سازمان تامین‌اجتماعی را نمی‌کند؛ به‌همین‌دلیل این سازمان می‌خواهد به هر طریقی حق بیمه‌ها را افزایش دهد. بنابراین بعید می‌دانم که با قوانین مربوط به معافیت دانش‌بنیان‌ها موافقت کند. اختراعی گفت: زمانی که به‌عنوان یک تشکل بزرگ صنعتی، از سازمان تامین‌اجتماعی به‌دلیل این عدم‌تمکین‌ها درباره معافیت دانش‌بنیان‌ها به هیات نظارت بر این سازمان شکایت کردیم، باوجوداینکه پذیرفته شد و نمایندگان سازمان هم محکوم شدند؛ اما در نهایت، صورت‌جلسه را امضا نکردند و کار به جایی نرسید و متاسفانه هیچ بهبودی حاصل نشد. وی افزود: پرونده‌های متعددی مبنی بر شکایت شرکت‌های دانش‌بنیان و صنعتی از تامین‌اجتماعی تشکیل شده که در نهایت به محکومیت این سازمان رسیده است، اما متاسفانه در بیشتر موارد از پذیرش حکم سر باز زدند. حتی در برخی موارد این شکایت‌ها به دیوان عالی کشور هم رسیده، اما هیچ‌گاه به مرحله عمومیت‌بخشی نرسیده‌اند. در واقع، برای یک معضل واحد چندصد شرکت دانش‌بنیان باید مراحل قانونی واحدی را به‌منظور دریافت حق و حقوق خود طی کند که در بیشتر موارد معمولا پرونده‌ها باز می‌ماند.

اختراعی بااشاره به نقش معاونت علمی در حل این معضل گفت: نهادی نظیر معاونت علمی در سطح بنگاهی کمک‌حال دانش‌بنیان‌ها است، یعنی اگر شرکتی به مشکل بر بخورد، می‌تواند از معاونت علمی نامه‌ای مبنی بر حل چالش‌های بیمه‌ای خود دریافت کند، اما هیچ‌گاه تاکنون چنین اتفاقی عمومیت نداشته است.

زور مجلس هم نرسید

به‌گفته اختراعی، سال گذشته با رئیس مجلس شورای اسلامی جلسه‌ای با محوریت این موضوع و با حضور نمایندگان شرکت‌های دانش‌بنیان برگزار شد که در میانه جلسه، آقای قالیباف خواستار حضور معاون نظارتی خود شد و وقتی معاون نظارتی وی حاضر شد، از وی خواست تا این مسئله پیگیری شود.

وی افزود: بعد از طرح این مسئله، رئیس کمیسیون تامین‌اجتماعی دعوت شد و این معضل به‌شدت مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت؛ اما تا به امروز باز هم گرهی از این کار باز نشده است. نزدیک به بیش از یک سال از این جلسات می‌گذرد و هیچ ترتیب اثری دیده نشده؛ در واقع، باوجود اینکه مجلس دارای ۲ نقش مهم وضع قانون و نظارت بر قانون است، اما باز هم چالش تامین‌اجتماعی برای شرکت‌های دانش‌بنیان حل‌نشده باقی مانده است. به‌گفته رئیس هیات‌مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی ایران، قوانینی که وضع می‌شود برای سازمان تامین‌اجتماعی تعریف نشده‌اند و این سازمان به‌راحتی قانون‌شکنی می‌کند.

بدهی دولت ربطی به بخش خصوصی ندارد

بدهکار بودن دولت به سازمان تامین‌اجتماعی، معضل دیگری است که اختراعی بااشاره به آن گفت: معضل اینجا است که بدهی دولت به سازمان تامین‌اجتماعی دامنگیر بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان هم شده است؛ بارها در طول پیگیری شکایات فهمیدیم که بدهی دولت دست آن را بر نظارت و اجبار بر این سازمان کوتاه کرده است. در واقع، در جلسات شکایاتی که با دولت داشتیم، وقتی تمام ادله‌ها را بیان می‌کردیم، پاسخی که داده می‌شد، این بود که اگر تامین‌اجتماعی فراخوانده شود و موردنظارت قرار گیرد، از آنجایی که دولت به این سازمان بدهی دارد، این سازمان پیگیر بدهی‌هایش می‌شود و در واقع، به‌نوعی گروکشی می‌کند. در حقیقت، تامین‌اجتماعی در شرایطی حاضر به قبول چنین دعاوی می‌شود که دولت بدهی‌هایش را پرداخت کند. سوال این است که به بخش خصوصی چه ارتباطی دارد که سازمان تامین‌اجتماعی به دیگر بخش‌ها ضرر داده است یا میان این سازمان با دولت چه بده بستان‌هایی وجود دارد.

بخشنامه روی بخشنامه

وی افزود: متاسفانه هر شرکتی برای دریافت مفاصاحساب وقتی راهی سازمان تامین‌اجتماعی می‌شود، مجبور به پرداخت هزینه‌هایی می‌شود که توجیه قانونی ندارند، اما متاسفانه هیچ‌گاه زور دانش‌بنیان‌ها به تامین‌اجتماعی نچربیده است و این شرکت‌ها برای اینکه روال کارشان جلو بیفتد، مجبور می‌شوند این هزینه‌ها را پرداخت کنند. به‌اعتقاد من، مشکلات دانش‌بنیان‌ها در بیمه اصلا قابل‌مقایسه با مالیات نیست. معضلات مربوط به مالیات در اکوسیستم دانش‌بنیان به‌مراتب قابل‌حل‌تر از معضلات مربوط به بیمه است.

حسابرسی، کار تامین‌اجتماعی نیست

وی بااشاره به حسابرسی کردن بازرسان بیمه که روندی غیرقانونی است، گفت: در قانون تامین‌اجتماعی فرآیند بازرسی وجود دارد. در واقع، آنها می‌توانند با مراجعه حضوری به شرکت‌ها، کارگاه‌ها و دیگر نهادهای تولیدی، تعداد افراد را با لیست بیمه تطبیق دهند. این بازرسی به‌مرور زمان برای سازمان تامین‌اجتماعی تبدیل به حسابرسی شده، یعنی این سازمان در درون خود نهادی را تاسیس کرده است به نام شرکت حسابرسی تامین‌اجتماعی که این شرکت تمام دفاتر مالی نهادهای تولیدی و شرکت‌های خصوصی را دریافت می‌کند و حتی تا فاکتورهای خرید را هم موردبررسی قرار می‌دهد.



متاسفانه مصوبه قانونی برای این بی‌قانونی را هم سال گذشته دریافت کرد، یعنی به‌آرامی رنگ و بوی قانون به آن داد. وی افزود: بارها اعتراض کردیم که سازمان تامین‌اجتماعی حق حسابرسی ندارد، اما کار به‌جایی رسیده که ستاد تسهیل از سازمان تامین‌اجتماعی خواسته است که فقط سال آخر را بازرسی کند، اما باز هم سازمان تامین‌اجتماعی به چنین دستوری هم اعتنا نمی‌کند و تمام سال‌ها را مورد حسابرسی قرار می‌دهد.

نان مردم آجر کن

رئیس هیات‌مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی ایران گفت: به‌قدری چالش‌های مربوط به تامین‌اجتماعی برای دانش‌بنیان‌ها زاینده و پیچیده است که سال‌ها تلاش برای حل آن بی‌نتیجه مانده است. تاکنون سازمان‌های زیادی در کشور به‌دلیل روال کار سازمان تامین‌اجتماعی تعطیل شده‌اند؛ حتی ۲ شرکت دانش‌بنیان نمی‌توانید پیدا کنید که بگوید با چالش‌های مربوط به این سازمان دست‌وپنجه نرم نمی‌کند. بی‌شک اگر جلوی این کارشکنی‌های سازمان تامین‌اجتماعی گرفته شود و رسانه به افشاگری این کارشکنی‌ها هم بپردازد، بی‌شک تحول شگرفی در تولید به‌وجود می‌آید.

برداشت سلیقه‌ای بازرسان بیمه

سجاد میدانلو، مسئول حوزه بیمه معاونت توسعه دانش‌بنیان معاونت علمی ریاست‌جمهوری در گفت‌وگو با صمت گفت: بیمه و چالش‌های شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه سازمان تامین‌اجتماعی، مسئله نخست این شرکت‌ها است که ریشه این چالش‌ها به پیچیدگی قوانین و بخشنامه‌های این سازمان، همچنین به امکان برداشت‌های سلیقه‌ای از بخشنامه‌ها برمی‌گردد. معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری به‌منظور حل چالش‌های شرکت‌های دانش‌بنیان با سازمان تامین‌اجتماعی تعاملات سازنده‌ای را در پیش گرفته است. وی افزود: در واقع، بسیاری از شرکت‌های فناور نوپا توانایی پرداخت حق بیمه ندارند و این امری طبیعی است. معاونت علمی در تعامل با وزارت کار، سازمان دادرسی دیوان عدالت اداری، سازمان تامین‌اجتماعی و کارگروه‌های مشترک با کل ادارات سازمان تامین‌اجتماعی استان‌ها به پرونده شرکت‌ها از طریق این ارتباطات رسیدگی می‌کند. مسئول حوزه بیمه معاونت توسعه دانش‌بنیان معاونت علمی ریاست‌جمهوری بیان کرد: درباره حل مشکلات زیربنایی هم با وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی نامه‌نگاری‌هایی در سال جاری به‌منظور آسیب‌شناسی این حوزه انجام شده که پیشنهاداتی هم ارائه شده و منتظر پاسخگویی آنها هستیم.

دانش‌بنیان‌ها پایش بیمه‌ای می‌شوند

میدانلو گفت: همچنین برای حل این دست از مسائل در کنار رایزنی با سازمان‌های مربوطه، از ابتدای امسال فرآیند پایش بیمه‌ای این شرکت‌ها آغاز شد. در این فرآیند، معضلات بیمه‌ای شرکت‌ها توسط تیم بیمه‌ای و کارشناسان و کارگزاران معاونت توسعه دانش‌بنیان تشخیص داده می‌شود و طی جلسات مشاوره تخصصی به‌صورت جداگانه به آن دسته از چالش‌هایی که ناشی از کمبود اطلاعات بیمه‌ای صاحبان شرکت‌ها است، می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم با آموزش، دانش بیمه‌ای صاحبان شرکت‌ها را ارتقا دهیم، اما آن دسته از معضلاتی را که ناشی از خطای انسانی کارکنان و شعبات سازمان تامین‌اجتماعی بوده است، در کارگروه‌های مشترک با ادارات کل سازمان تامین‌اجتماعی کل کشور و استان‌ها مطرح می‌کنیم. این برنامه برای کاهش بروکراسی پیگیری‌های مسائل بیمه‌ای شرکت‌ها نیز مفید واقع شده است.

بازرسان بیمه با مفهوم دانش‌بنیان آشنا نیستند

میدانلو با اشاره به اصلی‌ترین چالش بیمه‌ای شرکت‌های دانش‌بنیان گفت: اصلی‌ترین چالش بیمه‌ای شرکت‌ها، معافیت در ضرایب حق بیمه قراردادها و صدور مفاصاحساب و بروکراسی رسیدگی به اعتراضات در هیات‌های رسیدگی شکایات شرکت‌ها است. به این معنا که بسیاری از شرکت‌ها مطابق ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی ملزم به پرداخت ضرایب حق بیمه برای بیمه کردن نیروهای مربوط به پروژه‌های مناقصه‌ای و قراردادی خود هستند، اما شرکت‌های نوآور و فناور که برپایه فناوری تاسیس شده‌اند، مانند دیگر شرکت‌های تولیدی نیستند که در قالب پیمانکاری فعالیت کنند. در واقع آنها نیروهای متخصص ثابتی دارند که در هر مکانی که شرکت مستقر باشد، اعم از واحد مسکونی و اداری یا پارک‌های علم و فناوری از این نیروها بهره می‌گیرند و حق بیمه این نفرات را ذیل قرارداد سالانه خود پرداخت می‌کنند. از طرفی شکایات این شرکت‌ها در هیات‌هایی رسیدگی می‌شود که داوران آن از طرف خود سازمان تامین اجتماعی و ساختار آن تعیین می‌شوند که باتوجه به ذی‌نفع بودن خود سازمان تامین اجتماعی منصفانه بودن رأی این هیات‌ها در مواردی جای سوال دارد. چنین روندی برای آن دسته از دانش‌بنیان‌ها و شرکت‌های فناور که در پارک‌های علم و فناوری مستقر هستند، مشکل‌آفرین است، چراکه مفاهیمی چون دانش‌بنیان، دورکاری، فری‌لنسری و... برای بازرسان سازمان تامین اجتماعی شفاف نیست و شرکت‌ها مجبور به پرداخت جرایم و حق بیمه می‌شوند. رفع این شرایط، دارای بروکراسی پیچیده است و اگر شرکتی بدهی داشته باشد، نمی‌تواند مفاصاحساب دریافت کند.

تامین‌اجتماعی قدرت بیشتری دارد

وی گفت: از یک‌سو، معاونت علمی به‌عنوان نهادی تسهیلگر در تلاش برای حل چالش‌های دانش‌بنیان‌ها است که قدرت تغییر قوانین را ندارد، اما می‌تواند در قالب پیشنهاداتی به بدنه دولت و مجلس شورای اسلامی به حل چالش‌های قانونی بپردازد و از سوی دیگر، سازمان تامین‌اجتماعی یک نهاد شبه‌حقوقی است که می‌تواند حساب هر شرکت یا نهادی را ببندد و این ابزار قدرتمندی است که اگر به‌درستی از آن استفاده نشود؛ منجر به سقوط کسب‌وکار می‌شود. میدانلو گفت: متاسفانه اشتباهات فردی کارشناسان تامین‌اجتماعی با هر درجه از سواد و سابقه کاری، می‌تواند موجب شکست کاری شرکتی شود که چند سال است در اکوسیستم نوآوری فعالیت می‌کند. البته اگر سراغ تامین‌اجتماعی هم بروید، مسئولان آن می‌گویند چندین سال است که حق بیمه تحت تعهد دولت را دریافت نکرده‌اند و دولت‌ها به آنها بدهکار بوده‌اند و این بار مالی نمی‌تواند بیشتر از این شود. به‌گفته وی، چالش‌های مالی و بدهکار بودن این سازمان به بازنشستگان حاکی از روند معیوب تامین مالی آن سازمان است، به‌همین‌دلیل، چالش‌های عدیده‌ای در دیگر حوزه‌ها به‌وجود می‌آید، زیرا خود این سازمان هم دچار معضلات زیاد مالی است. اینها چالش‌های کلی است که اگر خواهان حل آنها هستیم، باید در سطح کلان، سیاست‌گذاری‌های درستی اتفاق بیفتد و در ساختار تامین مالی و سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی بازنگری شود.

وی افزود: اگر قرار باشد سازمان تامین‌اجتماعی تنها به فکر درآمدزایی خود باشد، به‌طبع ممکن است که کسب‌وکارها زیان جدی ببینند. البته ناگفته نماند که تعدادی از دانش‌بنیان‌ها هم دانش کافی در زمینه قوانین بیمه ندارند و اصلا برخی شرکت‌ها توجه جدی به بیمه و مالیات نمی‌کنند و بیشتر تمرکزشان تولید و توسعه محصول در بازار است، اما پس از سال‌ها فعالیت به یک‌باره با ساختار تامین‌اجتماعی و بعد با چالش‌های اساسی مواجه می‌شوند که در برخی موارد شرکت‌ها را تا مرز تعطیلی هم می‌کشاند. البته باوجود همه این مسائل، تلاش‌های دلسوزانه‌ای در ساختار سازمان تامین اجتماعی کل کشور در تعامل با معاونت علمی انجام می‌شود که قابل‌تقدیر است. وی گفت: در نهایت، تلاش می‌کنیم آگاهی و دانش بیمه‌ای دانش‌بنیان‌ها ارتقا یابد و برای این هدف، استان به استان معضلات دانش‌بنیان‌ها را پیگیری می‌کنیم. موضوعاتی نظیر معافیت از ضرایب حق بیمه قراردادهای دانش‌بنیان و بازرسی دفاتر که شرکت‌ها مشکلات عدیده‌ای در این زمینه دارند، لیست حق بیمه که برخی شرکت‌ها توان پرداخت آن را ندارند یا اعمال قوانین سختگیرانه سازمان تامین‌اجتماعی و برخی کوتاهی‌هایی که ناشی از عدم‌آگاهی بوده، همچنین بخشنامه‌ها و پیچیدگی زبان و بیان آنها که برای هر فردی قابل‌فهم نیست، چالش‌هایی است که با آموزش و پیگیری و تعامل و سیاست‌گذاری‌ها سعی در حل آنها داریم. معاون محترم علمی رئیس‌جمهوری نیز وزیر محترم کار را در جریان تمامی موارد گفته‌شده گذاشته‌اند و پیشنهاداتی هم برای حل آن داده شده و در حال رایزنی و پیگیری است.



سخن پایانی

برخی کارشناسان معتقدند که مجلس و دولت نیز می‌توانند در یک لایحه جامع نسبت به مسائل و مشکلات بیمه‌ای و تامین‌اجتماعی شرکت‌های دانش‌بنیان قوانین خوبی را تصویب کنند که هم به‌نفع شرکت‌های دانش‌بنیان باشد، هم افزایش اشتغال در کشور را رقم بزند و هم فشار مالی به سازمان تامین‌اجتماعی وارد نکند. این فرآیند در شرایطی عملیاتی می‌شود که مشکلات میان دولت و سازمان تامین‌اجتماعی حل شود.

یادداشت



بیمه حقوق فرآیندی تعریف‌نشده

فاطمه قناد
مدیرعامل سامانه «کلینیک حقوقی ایران»

یکی از ضرورت‌های مهم در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، استفاده شهروندان از بیمه حقوقی است و داشتن این بیمه‌نامه، امری عادی تلقی می‌شود. برای مثال، ۹۲ درصد شهروندان سوئد از بیمه حقوقی برخوردار هستند.

در این کشورها، بیمه حقوقی به‌طورکامل قابل‌اندازه‌گیری و سنجش است که به نظارت دقیق بر امور اجتماعی و اداری آنها برمی‌گردد؛ از آنجایی که در ایران چنین نظارت‌هایی وجود ندارد، بسیاری از شهروندان فاقد بیمه حقوقی هستند. در حالی که صنعت بیمه در کشور ما صنعت پویایی است.

در کشور ما ارائه مشاوره حقوقی به مردم تبدیل به کالای لوکس شده، اما به کمک فناوری، این امکان ایجاد شده است که اطلاعات لازم، دقیق و به‌روز در اختیار متقاضیان گذاشته شود. متقاضیان با ورود به این سامانه یا براساس اطلاعات ارائه‌شده به پاسخ سوالات‌شان دست می‌یابند و مشکلات آنها حل می‌شود یا در این فرآیند قانع می‌شوند که در جریان حقوقی با مراجعه به وکیل به حل مشکل بپردازند. بسیاری از سایت‌های حقوقی در اصل به دلالی حقوقی می‌پردازند که اطلاعات غیردقیق و بروزرسانی‌نشده در اختیار افراد قرار می‌دهند.

مردم برای دسترسی به خدمات حقوقی با مشکل مواجهند. این مسئله ضرورت شکل‌گیری سامانه «کلینیک حقوقی ایران» را ایجاد کرد. گاهی بسیاری از افراد نمی‌دانند که در واقع از یک معضل حقوقی پیش‌آمده چه چیزی می‌خواهند؛ در اصل نمی‌دانند چه چیزی باید از پرونده حقوقی خود دریافت کنند. از سوی دیگر، برخی وکلا هم نگاه تخصصی به حرفه خود ندارند. اینکه وکلا در قبول پرونده‌ها نگاه تخصصی ندارند و در هر زمینه‌ای به کار وکالت می‌پردازند، یک معضل بزرگ دستگاه قضایی به‌شمار می‌رود، در حالی که امروزه در دورانی به‌سر می‌بریم که نمی‌توان انتظار هر نوع توانمندی را از افراد کارشناس و خبره داشت، در نتیجه یکی از معضلات اصلی جامعه امروز، فقدان نگرش تخصصی به پرونده‌های حقوقی است.

برای تحقق این هدف، باید ارتباط با رسانه شفاف باشد و برای بهره از خدمات فعالیت شفاف، نیاز به اطلاعات دقیق وجود دارد. در این راستا، کار در اتاق‌های شیشه‌ای موجب توسعه ارتباط با رسانه خواهد شد. از سوی دیگر، رسانه ملی هم، وظیفه ترویج فرهنگ بیمه در کشور را دارد، چرا که این کشور بسیار حادثه‌خیز است و همواره باید نیاز به بیمه در کشور احساس شود. گفتنی است، یکی از راهکارهای ارتباط گسترده بیمه با مردم، داشتن رسانه تخصصی است. متاسفانه فقدان رسانه تخصصی تاثیرگذار که مرجع مهمی برای مردم باشد، به‌شدت احساس می‌شود، همچنین دولت و مجلس شورای اسلامی نباید صنعت بیمه را به‌عنوان محل تامین منابع مالی در شرایط بحرانی در نظر بگیرند، زیرا پولی که دریافت می‌شود، از جیب مردم است و به‌تبع سود، این خدمات نیز باید به مردم ارائه شود.

سامانه «کلینیک حقوقی ایران» یک پلتفرم هوشمند برای ارائه خدمات حقوقی است و این خدمات از مشاوره تا پیشبرد پرونده‌های حقوقی را شامل می‌شود. هوش‌مصنوعی بستر دریافت اطلاعات در این پلتفرم است و این فرآیند، شناسایی دعاوی را در دفاتر خدمات الکترونیک آسان‌تر می‌کند.

گفتنی است، حدود ۶۵۰ عنوان حقوقی شناسایی شده‌اند که در یک بازه زمانی چندماهه به‌تدریج اطلاعات آنها وارد سامانه می‌شود و افراد می‌توانند اطلاعات موردنیاز خود را دریافت کنند.

مدیریت هوشمند در «کلینیک حقوقی ایران» مولفه بسیار مهم و کارآمدی است که می‌تواند فرآیندهای حقوقی را برای عموم مردم آسان‌تر کند.

بیمه و چالش‌های مربوط به ارتباط شرکت‌ها با سازمان تامین‌اجتماعی، معضل نخست شرکت‌های دانش‌بنیان است که ریشه این چالش‌ها به پیچیدگی قوانین و بخشنامه‌های این سازمان و به برداشت‌های سلیقه‌ای کارکنان آن برمی‌گردد

نظرگاه

مزایای صندوق سرمایه‌گذاری بازنشستگی تکمیلی

فرشید سلگی -کارشناس اقتصاد: چندی پیش اکبر ایرانشاهی، رئیس مرکز نظارت بر صندوق‌های سرمایه‌گذاری سازمان بورس در ابلاغیه‌ای به «نهادهای مالی واجد شرایط تأسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری»، «ساختار کلی صندوق‌های بازنشستگی تکمیلی» را ابلاغ کرد.

براساس مصوبه صندوق سرمایه‌گذاری بازنشستگی تکمیلی با دریافت مجوز تاسیس و فعالیت از سازمان، از مصادیق صندوق‌های سرمایه‌گذاری موضوع بندهای ۱۹ و ۲۰ ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران و بند ه ماده ۱ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به‌منظورتسهیل سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی محسوب شده و مطابق اساسنامه و امیدنامه نمونه آغاز به فعالیت خواهد کرد. باتوجه به سهامی بودن صندوق‌های سرمایه‌گذاری بازنشستگی تکمیلی و گزارش روزانه NAV و ترکیب دارایی این صندوق‌ها، شفافیت رکن اصلی دارایی متقاضیان خواهد بود. همچنین با تاسیس این صندوق‌ها منابع پایدار و مستمر به بازار سرمایه وارد خواهد شد.

هدف اصلی صندوق سرمایه‌گذاری بازنشستگی تکمیلی، جمع‌آوری و سرمایه‌گذاری پول اعضا برای فراهم‌کردن منابع مالی برای زمان بازنشستگی است. اعضای این صندوق‌ها افرادی هستند که در حال حاضر یک صندوق بازنشستگی اصلی دارند (مانند سازمان تامین‌اجتماعی یا بازنشستگی کشوری) و می‌خواهند سرمایه‌گذاری بیشتری را برای بازنشستگی خود انجام دهند.

عملکرد این صندوق‌ها به این صورت است که اعضا به‌عنوان سرمایه‌گذاران، پس از پرداخت حق عضویت و واریز سایر وجوه، واحدها یا «یونیت» صندوق را دریافت می‌کنند. سپس سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده توسط صندوق در انواع منابع سرمایه‌گذاری مانند سهام، اوراق بهادار، املاک و...، صورت می‌گیرد و سود و زیان حاصل از این سرمایه‌گذاری میان اعضا توزیع می‌شود. در زمان بازنشستگی نیز اعضا می‌توانند از سرمایه‌های کسب‌شده از صندوق استفاده کنند و به تامین هزینه‌های خود بپردازند. صندوق سرمایه‌گذاری بازنشستگی تکمیلی مزایای زیادی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها این است که به اعضا امکان می‌دهد پس از بازنشستگی، دارای درآمد ثابت و پایداری باشند و نیازهای مالی خود را تامین کنند. در برخی کشورها تعدادی از صندوق‌های بازنشستگی تکمیلی از مزایای مالیاتی برخوردارند که این خود عامل مهمی در ترغیب افراد برای سرمایه‌گذاری در این صندوق‌ها است. البته سودهای حاصل از سرمایه‌گذاری در صندوق بازنشستگی تکمیلی، تحت شرایط خاصی از مالیات معاف می‌شود. از سویی صندوق بازنشستگی تکمیلی معمولا به اعضای خود امکان می‌دهد در محل‌های مختلف مانند سهام، اوراق بهادار، اوراق قرضه، املاک و مستغلات و...، سرمایه‌گذاری کنند. این امر به آنها کمک می‌کند تا از سبد سرمایه‌گذاری متنوع‌تری برخوردار باشند و ریسک سرمایه‌گذاری را در دارایی‌های مختلف توزیع کنند. فرد شاغل با عضویت در صندوق سرمایه‌گذاری بازنشستگی تکمیلی، معمولا می‌تواند برنامه‌ریزی خود را در طول دوران کاری و پس از بازنشستگی تغییر دهد.

او می‌تواند میزان سرمایه‌گذاری خود را تنظیم کند، میزان کمک‌های مالی را تغییر دهد و در صورت نیاز به سرمایه‌گذاری اضافی اقدام کند. صندوق‌های بازنشستگی تکمیلی توسط تیم‌های حرفه‌ای اداره می‌شوند که تخصص و تجربه کافی در زمینه مدیریت سرمایه‌گذاری را دارند.

این تیم‌ها مسئولیت مدیریت سرمایه‌های اعضا را به‌عهده می‌گیرند و با هدف کسب بهره‌وری بیشتر و کاهش ریسک، تصمیم‌گیری‌های مالی را انجام می‌دهند. ذکر این نکته ضروری است که صندوق سرمایه‌گذاری بازنشستگی تکمیلی از طریق سرمایه‌گذاری در بازارهای مختلف دارایی سعی در رشد سرمایه اعضای خود دارد. این به‌معنای افزایش ارزش سرمایه‌گذاری یک فرد شاغل در طول زمان است که می‌تواند منجر به ایجاد ثروت و افزایش بازده دارایی فرد هنگام بازنشستگی شود.

سطح ریسکی که برای سرمایه‌گذاری در صندوق بازنشستگی تکمیلی وجود دارد، نقش مهمی در عملکرد سرمایه‌گذاری اعضا خواهد داشت.

سرمایه‌گذاری در این صندوق‌ها می‌تواند شامل ریسک‌های مختلفی از جمله ریسک سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی و تغییرات نرخ دارایی‌ها باشد، اما باید به این مطلب مهم اشاره کرد که مدیریت این صندوق‌ها به‌صورت حرفه‌ای و تخصصی انجام می‌شود؛ بنابراین این نوع سرمایه‌گذاری برای کارگران و افراد شاغل در صنوف مختلف با کمترین ریسک ممکن همراه خواهد بود.

هدف‌ها و زمان‌بندی در بازنشستگی نیز می‌تواند تاثیر قابل‌توجهی بر سرمایه‌گذاری در صندوق بازنشستگی تکمیلی داشته باشد. از طرفی عملکرد و تاریخچه صندوق‌ها در جذب افراد بسیار موثر است. آنها باید مطمئن شوند صندوق‌ی که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند، تاریخچه مطلوبی از بازده و عملکرد دارد.

بررسی صمت از وضعیت صندوق‌های بازنشستگی در گفت‌وگو با کارشناسان

سونامی ورشکستگی دور از انتظار نیست

گروه بانک وبیمه
editor@smtnews.ir

چند سالی است صندوق‌های بازنشستگی تامین اجتماعی با چالش‌های متعددی مواجه شده‌اند که بر عملکرد آنها بسیار تاثیرگذار بوده است. یکی از این چالش‌ها ناترازی میان منابع و مصارف این صندوق‌ها بوده و دیگری اینکه این صندوق‌ها فاقد یک نهاد ناظر متخصص و تنظیم‌گر هستند، به همین دلیل با مشکلات فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، مسئله‌ای است که طی روزهای گذشته، عده زیادی از مقامات و کارشناسان این حوزه به آن اشاره کرده و نسبت به آن واکنش نشان دادند.

صمت در این گزارش به‌مناسبت روز بهزیستی و تامین اجتماعی به بررسی مشکلات صندوق‌های بازنشستگی پرداخته است.



تاریخچه صندوق بازنشستگی کشوری

صندوق بازنشستگی کشوری از سازمان‌های باسابقه کشور از زمان نوسازی دستگاه بروکراسی دولت در سده اخیر محسوب می‌شود. هسته نخستین تشکیل صندوق بازنشستگی کشوری بیش از یکصد سال قبل شکل گرفت و آرام‌آرام به نهادی تعیین‌کننده در نظام دیوان‌سالاری کشور تبدیل شد. نخستین اقدامی که می‌توان آن را زمینه‌ساز و آغازگر شکل‌گیری صندوق بازنشستگی کشوری دانست، به سال ۱۲۸۷ و تصویب «قانون وظایف» در مجلس اول مشروطه برمی‌گردد. براساس این قانون، کارمندان دولت مشمول «پرداخت حقوق بازنشستگی و وظیفه» شدند. نظام بازنشستگی کارمندان دولت طی ۱۴ سال پس از آن تاریخ براساس قانون وظایف ساماندهی و اجرا می‌شد، اما در آذر ۱۳۰۱ «قانون استخدامی» به تصویب رسید که با اجرای فصل ۴-۵ این قانون، دایره‌ای با عنوان «دایره تقاعد» در وزارت مالیه وقت تشکیل و مامور اجرای وظایف مربوط به بازنشستگی کارکنان دولت شد. این دایره ابتدا بخشی از اداره‌کل حسابداری وزارت مالیه بود، اما بعدها زیر نظر اداره کارگزینی آن وزارتخانه قرار گرفت. در قانون استخدامی (مصوب ۱۳۰۱) سن بازنشستگی اجباری ۷۰ سال تعیین شده بود و منابع لازم از محل «۵ درصد مقرری ماهانه کارکنان دولت به‌علاوه مقرری ماه اول ورود به خدمت و همچنین، مبلغ ماه اول اضافه مقرری‌های بعدی» تامین می‌شد. نقطه عطف بعدی در مسیر شکل‌گیری نظام بازنشستگی کارکنان دولت، در سال ۱۳۱۳ رقم خورد. در این سال با تصویب «قانون دانشگاه» دایره تقاعد به اداره و پس از مدتی به «اداره‌کل بازنشستگی» تغییر نام داد.

یکی از مهم‌ترین مقاطع شکل‌گیری نظام بازنشستگی در ایران به تصویب قانون استخدام کشوری در ۳۱ خرداد ۱۳۴۵ بازمی‌گردد. به‌موجب ماده ۷۰ این قانون، اداره‌کل بازنشستگی با کلیه دارایی و موجودی صندوق بازنشستگی و اسناد و اوراق و بودجه و تعهدات خود از وزارت دارایی منتزع و تابع سازمان امور اداری و استخدامی کشور شد و براساس اصلاحیه نخست این ماده از سال ۱۳۵۴ صندوق بازنشستگی کشوری به‌صورت موسسه‌ای مستقل وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور تشکیل شد. با ادغام سازمان‌های امور اداری و استخدامی کشور و برنامه‌وبودجه در سال ۱۳۷۸ و تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، صندوق بازنشستگی کشوری نیز یکی از موسسات تابعه این سازمان شد. با تصویب قانون نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی در سال ۱۳۸۳، صندوق بازنشستگی کشوری از سازمان مدیریت‌وبرنامه‌ریزی کشور منتزع و تابع وزارت رفاه وتامین اجتماعی شد و توسط صندوق بازنشستگی کشوری اداره می‌شود. با ادغام وزارتخانه‌های «تعاون»، «کار و امور اجتماعی» و «رفاه و تامین اجتماعی» در سال ۱۳۹۰ و تشکیل وزارتخانه «تعاون، کار و رفاه اجتماعی»، صندوق بازنشستگی کشوری هم به‌عنوان نهادی تابع وزارتخانه جدید تعریف شد.

ستون فقرات صندوق‌های بازنشستگی شکسته است



علیرضا امیرپور، کارشناس حوزه رفاه اجتماعی درباره عملکرد صندوق‌های بازنشستگی به صمت گفت: حدود ۱۸ صندوق بازنشستگی در کشور وجود دارد که غیر از دو صندوق، بقیه در آستانه ورشکستگی هستند. این ورشکستگی به‌معنای این است که شکاف منابع و مصارف وجود دارد. یعنی مصارف و هزینه‌های صندوق‌ها بیشتر از منابع ورودی آنها است؛ بنابراین سونامی ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی دور از انتظار نیست.

وی افزود: صندوق سازمان تامین اجتماعی که بزرگ‌ترین صندوق بیمه‌ای کشور است و بیش از ۴۵ میلیون نفر از جمعیت اصلی و تبعی کشور را شامل می‌شود، هنوز به ورشکستگی نرسیده، اما زنگ خطر ورشکستگی این صندوق به صدا در آمده است.

امیرپور با اشاره به اینکه در حال حاضر دولت، هزینه صندوق‌هایی که با مشکل ورشکستگی مواجهند را پرداخت می‌کند، گفت: هر سال، اعتبار قابل‌توجهی با هدف تامین مالی صندوق‌های بازنشستگی در بودجه‌های سنواتی مطرح و تصویب می‌شود. وی با اشاره به سازکار ایجاد و حفظ این صندوق‌ها گفت: صندوق‌های بازنشستگی موظف به تامین منابع برای هزینه‌کرد در مصارف هستند، اما به‌دنبال بروز بسیاری از مشکلات و ضعف مدیریت طی سال‌های گذشته این اتفاق نیفتاده و صندوق‌های بازنشستگی نتوانستند موفق عمل کنند.

این کارشناس حوزه رفاه اجتماعی، تعداد بالای بازنشستگان نسبت به تعداد بیمه‌پردازان را عامل ایجاد بحران در صندوق‌های بازنشستگی دانست و گفت: در سال‌های ابتدایی انقلاب، نسبت تعداد بیمه‌پردازان به تعداد بازنشستگان ۲۰ به یک بوده است؛ یعنی ۲۰ نفر بیمه شده بودند و حق بیمه پرداخت می‌کردند و یک نفر بازنشسته بود و مستمری دریافت می‌کرد، اما این نسبت، طبق آخرین آمار به ۲.۸رسیده است؛ یعنی ۲.۸ نفر حق‌بیمه پرداخت می‌کنند و یک نفر بازنشسته و مستمری‌بگیر است.

حق‌بیمه، خون در رگ صندوق بازنشستگی

امیرپور با اشاره به اهمیت نیروی جوان در رونق صندوق‌های بازنشستگی گفت: نیروی جوان و شاغل به‌مثابه خونی است که وارد رگ‌های صندوق بازنشستگی می‌شود و حیات و نشاط ایجاد می‌کند، چراکه می‌تواند به‌عنوان منبع ورودی صندوق‌های بازنشستگی عمل و حق‌بیمه پرداخت کند.

وی افزود: وقتی جمعیت رو به سالمندی می‌رود و از چرخه اشتغال خارج می‌شود، میزان ورودی و منابع صندوق بازنشستگی کم و در ادامه تعداد مستمری‌بگیران و دریافت‌کنندگان حق بازنشستگی بیشتر می‌شود و این مسئله رفته‌رفته به چالش در حوزه صندوق‌های بازنشستگی تبدیل خواهد شد.

مداخلات تکلیفی باید کاهش یابد

امیرپور در ارائه راهکارهایی برای عبور از بحران کنونی بر اهمیت انجام اصلاحات ساختاری تاکید کرد و گفت: ستون فقرات صندوق‌های بازنشستگی شکسته است. این صندوق‌ها برای ادامه حیات نیازمند برنامه فوری و کارآمد هستند؛ بنابراین باید اجرای اصلاحات ساختاری و پارامتریک در دستور کار دولت قرار گیرد. همچنین برای رفع ضعف مدیریت باید اداره صندوق‌های بازنشستگی برپایه نظام حکمرانی جدید برنامه‌ریزی شود. وی تصریح کرد: ایجاد شفافیت، حاکمیت قانون و پاسخگویی یک نهاد تنظیم‌گر حوزه بیمه از موارد موردنیاز برای صندوق‌های بازنشستگی به‌شمار می‌آیند، این در حالی است که به‌نظر می‌رسد در کشور نهاد تنظیم‌گر حوزه بیمه و بازنشستگی وجود ندارد. این کارشناس حوزه رفاه اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی را «صندوق‌های مشاع حق‌الناس بین‌النسلی» نام نهاد و گفت: منظور از «بین‌النسلی» این است که یک نسل حق‌بیمه می‌دهد و نسل آینده از خدمات و مزایای آن استفاده می‌کند. یعنی تمام کسانی که حق بیمه پرداخت می‌کنند، در این صندوق‌ها سهم دارند و صاحب حق هستند و باید اعمال حاکمیت کنند.

اعمال سه جانبه‌گرایی واقعی در صندوق‌ها

امیرپور با اشاره به اینکه دولت باید سه‌جانبه‌گرایی واقعی را در صندوق‌های بازنشستگی اعمال کند، گفت: بیمه‌شده، کارفرما و دولت می‌توانند با سه‌جانبه‌گرایی واقعی در صندوق‌های بازنشستگی اعمال حاکمیت کنند، اما متاسفانه معمولا نقش دولت در این مسئله بسیار قوی‌تر است و دو طرف بیمه شده و کارفرما در صندوق‌های بازنشستگی نقش بایسته و شایسته خود را ندارند.

کاهش مداخلات تکلیفی

وی با اعتقاد به اینکه مداخلات تکلیفی در حوزه صندوق‌های بازنشستگی باید کاهش یابد، ادامه داد: در سال‌های گذشته مداخلات تکلیفی مانند اعطای حق بیمه‌های رانتی و یارانه‌ای به بعضی از مشاغل باعث شد افرادی به ناحق بر سر سفره صندوق‌های بازنشستگی به‌ویژه صندوق تامین اجتماعی بنشینند و از مزایای رانتی آن استفاده کنند، در حالی که صاحب حق نبودند.

این کارشناس رفاه اجتماعی افزود: مثلا براساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، معافیت‌های بیمه‌ای شامل حال برخی از مشاغل شده بود و شاغلان آن حق بیمه کمتری پرداخت می‌کردند. در برخی از مشاغل مقدار حق بیمه پرداختی کمتر از حق بیمه عرف بود و برخی برای بهره از این مزیت و پرداخت حق بیمه کمتر، وارد این مشاغل می‌شدند.

نقش حیاتی مدیران حرفه‌ای حوزه اقتصاد

امیرپور با اشاره به نقش هلدینگ‌ها و شرکت‌های تابعه صندوق بازنشستگی کشوری اعم از پتروشیمی، فولاد، خودروسازی و... در عملکرد صندوق‌ها گفت: تاکنون این شرکت‌ها تاثیرگذاری مثبتی در عملکرد صندوق‌های بازنشستگی نداشته‌اند، چراکه فقط ۵ درصد هزینه‌های صندوق را تامین می‌کنند و ۹۵ درصد باقیمانده را دولت پرداخت می‌کند.

وی با ابراز تاسف از بازدهی ناچیز و تاثیرگذاری اندک این شرکت‌ها بر صندوق گفت: میزان سودآوری شرکت‌های وابسته به صندوق‌های بازنشستگی حتی کمتر از سودآوری سپرده‌گذاری در نظام بانکی است. اگر تمام شرکت‌های اقتصادی را بفروشند و تبدیل به پول نقد کنند و آن را به‌عنوان سپرده بانکی در بانک‌ها سرمایه‌گذاری کنند، سود آن بیشتر از پرداختی این هلدینگ‌ها به صندوق بازنشستگی به‌عنوان سود می‌شود.

این کارشناس رفاه اجتماعی بهره‌گیری از مدیران حرفه‌ای در حوزه اقتصاد را امری بسیار حیاتی دانست و گفت: مدیران باید بدون وابستگی رانتی و سیاسی بتوانند پاسخگوی مطالبات شرکای اجتماعی صندوق بازنشستگی به‌ویژه بیمه‌شدگان و بازنشستگان باشند.

حدود ۱۸ صندوق بازنشستگی در کشور وجود دارد که غیر از دو صندوق، بقیه در آستانه ورشکستگی هستند

الگوی محاسبات بیمه‌ای باید تغییر کند



کامبیز لعل، کارشناس صنعت بیمه درباره عملکرد صندوق‌های بازنشستگی به صمت گفت: در این سال‌ها، صندوق‌های بازنشستگی دچار مشکلات اجرایی در تحقق اهداف شده‌اند. علت این مسئله آن است که خلط مبحثی ذیل موضوعات رفاهی و اجتماعی ایجاد شده است.

وی با اشاره به نبود یک سند یا یک نظام‌نامه رفاهی در سازکار تامین اجتماعی گفت: برای ساماندهی حمایت‌های رفاهی و اجتماعی نیازمند سند و نظام‌نامه مشخص هستیم، در صورتی که برای اعمال هرگونه حمایت به استفاده از ساختار سازمان تامین اجتماعی و بیمه‌ها متوسل شده‌ایم؛ بنابراین فشارهای غیرقابل جبرانی به منابع صندوق‌ها وارد شده و این صندوق‌ها از اصول و سازکار بیمه‌ای خود خارج شده‌اند.

این کارشناس صنعت بیمه با اشاره به خطر ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی گفت: تقریبا جز صندوق تامین اجتماعی و صندوق روستاییان، سایر صندوق‌های بازنشستگی که در کشور براساس محاسبات بیمه‌ای فعالیت می‌کنند، صندوق‌های ورشکسته یا رو به ورشکستگی قلمداد می‌شوند.

اشتغال، مبنای ارائه خدمات بیمه‌ای

لعل علت اصلی ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی را عدم رعایت اصول بیمه‌های تامین اجتماعی دانست و گفت: بسیاری از اقدامات حمایتی این صندوق‌ها، حمایت‌های بیمه‌ای نیست و بیشتر در قالب حمایت‌های رفاهی و اجتماعی قرار می‌گیرد.

وی افزود: مشکلات دیگری نیز وجود دارد که ناشی از بیماری‌های اقتصاد به‌ویژه تورم‌های سنگین و بلندمدت و همچنین وضعیت بیکاری و اشتغال در کشور است.

این کارشناس صنعت بیمه با اشاره به اینکه نظامات بیمه‌ای برمبنای اشتغال عمل می‌کنند و آن چیزی که مبنای ارائه خدمات بیمه‌ای محسوب می‌شود شغل است، گفت: در نظام اقتصادی هر قدر ایجاد اشتغال رسمی و دائم کمتر باشد، درآمدهای بیمه‌ای صندوق‌ها با محدودیت و نقصان مواجه می‌شود.

ضرورت بروزسانی الگوی محاسبات بیمه‌ای

لعل با اشاره به تاثیر ویژگی‌های جمعیتی بر عملکرد صندوق‌ها گفت: الگوی محاسبات بیمه‌ای سازمان تامین اجتماعی مربوط به دهه ۵۰ شمسی است، در حالی که طی این سال‌ها کیفیت جمعیت، سبک زندگی و امید به زندگی کاملا متفاوت شده است.

وی گفت: افزایش امید به زندگی باتوجه به سن بازنشستگی، منجر به افزایش سقف مستمری‌های بازنشستگی شده و برای کاهش مشکلات تامین منابع باید الگوی محاسبات بیمه‌ای تغییر کند.

سخن پایانی

تعداد بازنشستگان کشور در پایان سال ۱۳۹۹، بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر برآورد شده که بسیاری از آنها از عملکرد صندوق بازنشستگی گلایه دارند، اما صندوق‌های بازنشستگی نیز چالش‌های خاص خود را دارند و همواره در آستانه ورشکستگی هستند.

از سوی دیگر باوجود پیشنهادات کارشناسان حوزه بیمه و رفاه اجتماعی هنوز بهبود قابل‌توجهی در وضعیت صندوق‌های بازنشستگی ایجاد نشده است؛ بنابراین کارشناسان بر انجام اصلاحات و بازنگری اساسی در سازکار صندوق‌های بازنشستگی تاکید دارند که باید برای تحقق آن تدابیر بنیادین اندیشیده شود. اصلاح سن بازنشستگی و مدیریت درست منابع از الزاماتی که باید در این مسیر موردتوجه قرار گیرد.

۱۸۱ ملک مازاد ادارات کردستان در طرح مولدسازی شناسایی شد

مقاومت مدیران در برابر فروش اموال

مولدسازی دارایی‌های دولت در همه جای دنیا تجربه شده است، در بسیاری از کشورهای توسعه یافته هم تلاش می‌شود دارایی‌های دولت مولد شود. مفهوم مولدسازی دارایی‌های دولت این است که دولت اموال بلا استفاده‌ای که دارد یا اموالی که ارزش افزوده و بهره‌وری پایین دارند و سال‌ها رها شده‌اند و استفاده مطلوبی از این اموال صورت نمی‌گیرد را شناسایی کند تا این اموال بهینه‌سازی شوند و بهره‌وری و ارزش‌افزوده آنها افزایش یابد. این اموال برای نسل‌های کنونی و آینده است و این‌گونه نیست که احساس کنیم اموال دولت فقط برای دوره کنونی است، این اموال همانند نفت، سرمایه بین نسلی است و باید تلاش شود تا از این اموال به صورت بهینه استفاده شود. در واقع مفهوم مولدسازی دارایی‌های دولت این است که دولت اموال بلا استفاده‌ای که دارد یا اموالی که ارزش افزوده و بهره‌وری پایین دارد و سال‌ها رها شده‌اند و استفاده مطلوبی از این اموال صورت نمی‌گیرد را شناسایی کند تا این اموال بهینه‌سازی شوند.



عکس: آیدا فریدی

مجوز لازم برای فروش املاک مازاد کردستان صادر شده اما هیات عالی مولدسازی دارایی‌های دولت، سال گذشته مسیر دیگری را برای فروش در نظر گرفت که منتظر دستور و موافقت آنان هستیم

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

مقدمات فروش اموال مازاد فراهم است

مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان کردستان گفت: زمینه و مجوز فروش ۱۵۰ مورد از املاک مازاد دستگاه‌های اجرایی استان به ارزش ۱۰هزار میلیارد تومان صادر و فراهم شد. محمد مشیرپناهی، در گفت‌وگو با تسنیم از شناسایی ۱۸۱ ملک مازاد ادارات برای تامین مالی طرح‌های نیمه تمام کردستان خبر داد و اظهارکرد: از این تعداد، ۵۱ مورد از این املاک استان به ارزش ۱۲۰ میلیارد تومان به فروش رسید که تمامی مبالغ به دستگاه‌های اجرایی مربوطه بازگشته است.

وی با بیان اینکه مقدمات و زمینه فروش املاک مازاد از طریق استان و دو مسیر ظرفیت‌های قانون بودجه تبصره ۱۱ و ۱۲ و ۱۸ فراهم است، گفت: مجوز لازم برای فروش این املاک نیز از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی گرفته شده اما هیات عالی مولدسازی دارایی‌های دولت، سال گذشته مسیر دیگری را برای فروش در نظر گرفت که منتظر دستور و موافقت آنان هستیم. مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان کردستان با ذکر اینکه اگر دستگاه‌های اجرایی اراده کنند، مقدمات کار برای فروش اموال مازاد و هزینه‌کرد در اتمام پروژه‌های ناتمام فراهم است، افزود: یکی از برنامه‌های دولت برای تامین مالی طرح‌های نیمه تمام که از قبل تعریف شده، تامین منابع مالی از طریق مولدسازی دارایی‌های دولت است. وی با اذعان به اینکه در راستای اجرای طرح مولدسازی، با موانع‌هایی از جمله مقاومت و عدم همکاری دستگاه‌ها مواجه هستیم، تصریح کرد: هیات عالی مولدسازی دارایی‌های دولت، هنوز مجوز فروش این واحدها را به استان نداده و دلیل آن هم بررسی و شفاف‌سازی در هزینه‌کرد مبالغ دریافتی از فروش اموال مازاد است. مشیرپناهی ارزش ۱۵۰ ملک مازاد دستگاه‌های اجرایی کردستان را ۱۰ هزار میلیارد تومان عنوان کرد و یادآور شد: دولت هزینه‌کرد این مبالغ در بخش هزینه‌های جاری را منع کرده و باید درآمد حاصله، صرف پروژه جدید یا اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام استان شود، هر دستگاهی که قصد فروش ملکش را دارد باید همزمان پروژه‌ای جهت ساخت ارائه دهد. به گفته وی، درآمد حاصله از فروش اموال مازاد و هزینه‌کرد در اتمام پروژه هر دستگاه دیگر منعی ندارد چرا که استاندار رئیس کارگروه استانی است و این اختیار را دارد که درآمد مثلا ۱۰ ملک فروش رفته در فلان پروژه هزینه شود. وی با اشاره به اینکه در صورت فروش املاک مازاد و درآمد حاصله ۱۰ هزار میلیارد تومانی جهشی در حوزه عمرانی استان اتفاق خواهد افتاد، خاطر نشان کرد: کل اعتبار لازم برای اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام کردستان با هر میزان درصد پیشرفت فیزیکی از صفر تا ۹۰ درصد، به ۷ هزار میلیارد تومان هم نمی‌رسد که طبق بررسی‌ها تنها ۴ ملک مازاد دستگاه‌ها ۵ هزار میلیارد تومان ارزش دارد.

مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان کردستان در پاسخ به این سوال که آیا امکان موافقت هیات عالی مولدسازی دارایی‌های دولت با فروش این املاک مازاد دستگاه‌های استان وجود دارد، دلیل تعلل چیست؟ توضیح داد: قطعا هیات موافقت می‌کند و هیچ منعی نداریم اما دلیل تعلل تنها به خاطر شفاف‌سازی در هزینه‌کرد است، همین امروز از سامانه‌ای مربوط به فروش املاک مازاد جهت شفاف‌سازی در سازمان خصوصی‌سازی رونمایی می‌شود. وی افزود: در این سامانه از صفر تا صد فروش ملک، میزان درآمد حاصله، محل هزینه‌کرد در فلان پروژه مشخص است.

▣ تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام

مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان کردستان ابرازکرد: فروش املاک مازاد بهترین فرصت برای اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام و ایجاد جهش در استان است چرا که با همین درآمد حاصله متناسب با نیاز پروژه‌ها، می‌توان به هدف رسید اما در صورت عدم هزینه‌کرد در اتمام پروژه‌های نیمه تمام، قطعا فروش نرفتنش بهتر است. وی با اذعان به اینکه اکنون بزرگ‌ترین مانع در اجرای طرح مولدسازی در استان، مقاومت دستگاه‌های اجرایی است، گفت: متاسفانه این دستگاه‌ها صرفه و صلاح خود را نمی‌دانند در حالی‌که با همین درآمد حاصل از فروش املاک مازاد می‌توانند تمام پروژه‌های نیمه‌تمام و بلاتکلیف خود را به اتمام برسانند. مشیرپناهی عنوان کرد: دستگاهی همچون ورزش و جوانان کردستان ۶ هزار متر زمین بلاتکلیف و رها شده دارد، از سوی دیگر دهها پروژه ناتمام دارد. ساختمانی را در بهترین منطقه سنندج اول بلوار شبلی(جوانان سابق) مشخص نیست به‌دست کی سپرده‌اند در حالی که با فروش همین ملک مازاد می‌توانند پروژه جدید ۱۰هزار متری خانه جوان را تکمیل کنند. وی اذعان داشت: متاسفانه مدیران استانی تنها منتظر منابع هستند و برای تامین آن به خود زحمت نمی‌دهند، در حالی‌که با فروش همین املاک مازاد با حفظ چارچوب و سلامتی کار، می‌توانند به اهداف مدنظر برسند و تناقضی صورت نگیرد. برخی از دستگاه‌ها نیز املاک مازاد خود را رها کرده و باوجود اینکه برای‌شان هیچ استفاده نداشته و از سوی دیگر نیز نگهداری آن هزینه‌بردار است اما از فروش آن مقاومت می‌کنند! مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان کردستان با هشدار اینکه اگر از استان برای فروش این املاک ورود نکنیم قطعا دستگاه‌های ملی ورود خواهند کرد، افزود: چنانچه امسال این املاک مازاد را تعیین تکلیف و به فروش برسانیم قطعا برای استان برد است، بنابراین مدیران همکاری لازم را داشته باشند.

سخن پایانی

شناسایی املاک و اموال دستگاه‌های مشمول، دو مسیر دارد. اموال یا بر اساس خود اظهاری دستگاه یا بررسی دبیرخانه و مجری شناسایی می‌شوند. اگر از سوی دستگاه به عنوان مازاد اعلام شود، در هیات گزارش دستگاه مربوطه شنیده و بررسی خواهد شد و در صورت تایید، مهر مازاد بودن بر آن می‌خورد و در مسیر مولدسازی قرار می‌گیرد. با این حال، هر چه دستگاه اعلام کرده به معنای مالکیت مطلق دولت و مازاد بودن آن نیست و ممکن است در هر یک از ۶ مرحله سرنوشت دیگری داشته باشد. مواردی که دبیرخانه شناسایی کرده و اختلاف نظر کارشناسی بر سر مازاد بودن یا نبودن وجود داشته باشد در کمیته تخصصی بررسی می‌شود.

زمینه و مجوز فروش ۱۵۰ مورد از املاک مازاد دستگاه‌های اجرایی استان کردستان به ارزش ۱۰ هزار میلیارد تومان فراهم و صادر شد

پنجمین شهرک صنعتی غیردولتی فارس در آستانه بهره‌برداری

قاسم توانایی: مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی به فارس گفت: مراحل صدور پروانه بهره‌برداری پنجمین شهرک صنعتی غیردولتی استان برای شهرک صنعتی غیردولتی پدیده نوآور قادرآباد در حال انجام است. به گزارش خبرنگار صمت از شیراز، سیدمصطفی هاشمی در حاشیه بازدید از طرح‌های زیرساختی شهرک صنعتی غیردولتی پدیده‌های نوآور قادرآباد گفت: مراحل صدور پروانه بهره‌برداری این شهرک صنعتی در هیات مدیره شرکت شهرک‌های صنعتی در حال بررسی است. وی با اشاره به ظرفیت‌های منطقه قادرآب در بخش صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی به عنوان مزیت اصلی منطقه، افزود: این شهرک صنعتی با هدف ایجاد زیرساخت استقرار صنایع و جذب سرمایه‌گذار در منطقه قادرآباد شهرستان خرمبید راه‌اندازی شده و می‌تواند بستر مناسبی برای توسعه صنعتی و ایجاد اشتغال پایدار فراهم کند. هاشمی خاطرنشان کرد: زیرساخت‌هایی نظیر شبکه برق، توزیع آب و نیز آب این شهرک صنعتی غیردولتی نیز توسط سرمایه‌گذار بخش خصوصی فراهم شده است. وی در ادامه با بیان اینکه براساس قانون، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران مجاز است نسبت به صدور مجوز تاسیس و بهره‌برداری شهرک‌های صنعتی برای بخش خصوصی و تعاونی اقدام کند، گفت: در این زمینه، صدور مجوز برای ایجاد و توسعه شهرک صنعتی خصوصی پس از انجام مطالعات امکان سنجی فنی، اقتصادی و زیست محیطی در چارچوب طرح‌های توسعه و عمران توسط سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران و شرکت‌های استانی تابعه انجام می‌شود. وی افزود: براساس قانون، شهرک‌های صنعتی غیردولتی از همه مزایای قانونی شهرک‌های صنعتی دولتی برخوردار خواهند شد. مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی فارس تاکید کرد: بانک‌های عامل نیز موظف هستند قراردادهای مربوط به تخصیص زمین در شهرک‌های صنعتی غیردولتی را هم ردیف اسناد رسمی پذیرفته و تسهیلات اعتباری و حقوقی مربوط به اسناد رسمی را در این خصوص اعمال کنند. هاشمی گفت: متقاضیان ایجاد این شهرک‌ها باید زمین مناسب که در مالکیت آنها قرار دارد را برای بررسی‌های امکان‌سنجی ایجاد شهرک‌ها معرفی کنند.

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی فارس افزود: برای ایجاد شهرک‌های صنعتی بخش خصوصی در استان به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته حمایت‌های لازم توسط سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی انجام



می‌شود. هاشمی با بیان اینکه تاکنون پروانه بهره‌برداری برای چهار شهرک صنعتی غیردولتی شامل فراسان، کامپوزیت سازه ماندگار، محبت گستر و شرکت توسعه صنایع و صادرات فارس صادر شده است، گفت: شهرک صنعتی پدیده نوآور قادرآباد پنجمین شهرک صنعتی استان محسوب می‌شود که پروانه بهره‌برداری برای آن صادر می‌شود.

تحقق مسئولیت‌های اجتماعی در پتروشیمی شازند



علیرضا خلیلی‌نیا، مدیرعامل پتروشیمی شازند، تاسیس باشگاه ورزشی را نقطه‌ای عطف برای پتروشیمی شازند خواند و گفت: اهمیت ورزش در بین کارکنان و خانواده‌های‌شان بسیار حائز اهمیت است و همواره بر این مهم توصیه و توجه ویژه‌ای شده است. به گزارش خبرنگار صمت از استان مرکزی خلیلی‌نیا افزود: متاسفانه در پاره‌ای از مواقع نسبت به اهمیت مسائل ورزشی پرسنل و فرزندان ایشان غفلت‌های صورت گرفته و این در حالی است که ظرفیت‌های مستعد و درخشانی در مجموعه پتروشیمی شازند وجود دارد که باید آن استعدادها را شکوفا کرد. مدیرعامل پتروشیمی شازند گفت: به همین دلیل یکی از برنامه‌های اساسی شرکت، تاسیس یک باشگاه فرهنگی ورزشی در راستای عمل به مسئولیت‌های اجتماعی است که به منظور حضور در لیگ‌های مختلف ورزشی در سطح کشور ایجاد می‌شود. وی افزود: در صورت اخذ مجوزهای لازم می‌توانیم در رشته‌های مختلف در دو بخش آقایان و بانوان شاهد کسب عناوین و مقام‌های قهرمانی بسیار ارزنده ورزشی باشیم. به همین جهت باید ظرفیت‌های موجود در شرکت و منطقه به ویژه ظرفیت‌های موجود در شهرستان شازند شناسایی شوند. در گام بعد با تشکیل این باشگاه و بر اساس توانمندی‌های شناسایی شده، تیم‌های ورزشی در قالب یک باشگاه منسجم به نام پتروشیمی شازند می‌توانند حضوری فعال و افتخار آفرین در سطح لیگ‌های ورزشی مختلف داشته باشند. خلیلی نیا یکی از اهداف و سیاست‌های شرکت را تبدیل باشگاه فرهنگی ورزشی پتروشیمی شازند به قطب ورزش کشور خواند و گفت: در این راستا از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد. وی افزود: امکانات و زیرساخت‌های خوبی طی سالیان گذشته در مجموعه امور ورزش ناحیه غیرصنعتی شرکت در شهر مهاجران تاسیس و نگهداری شده است، اما متاسفانه برخی از این سالن‌ها، تجهیزات یا امکانات مورد استفاده وضعیت مطلوبی نداشته و نیاز است مربیان ورزشی درخواست‌ها و نیازهای مرتبط با رشته‌های ورزشی را به واحد امور ورزش اعلام کنند تا در اسرع وقت نسبت به بهسازی و نوسازی این تجهیزات اقدام شود. مدیرعامل پتروشیمی شازند با تاکید بر اینکه حضور همکاران و خانواده‌های محترم‌شان در مسابقات ورزشی در سطوح مختلف محدودیتی ندارد گفت: اعزام به مسابقاتی که با نظارت دستگاه‌های اجرایی مربوطه برگزار می‌شود، باید با جدیت پیگیری شود تا بیش از پیش شاهد کسب رتبه‌های برتر در رشته‌های ورزشی برای شرکت پتروشیمی شازند باشیم.

فعالیت کارگزاری صندوق ضمانت صادرات در یزد



کارگزاری صندوق ضمانت صادرات ایران در استان یزد به اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی این استان واگذار شد. به گزارش خبرنگار صمت از استان یزد؛ در نشست هیات‌رئیسه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی یزد، مشکلات تولیدکنندگان و صادرکنندگان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. . امیر برهانی، رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران در این نشست گفت: برای خروج فعالیت‌های صندوق ضمانت صادرات از پایتخت، تصمیم بر ایجاد کارگزاری این صندوق در خارج از تهران گرفته شد. برهمین اساس کارگزاری صندوق ضمانت صادرات ایران در خارج از محدوده پایتخت و برای حوزه فعالیت استان یزد، به اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی یزد واگذار شد. وی افزود: بنابراین از این پس تولیدکنندگان و صادرکنندگان استان یزد به جای مراجعه به تهران، می‌توانند امور مربوط به صندوق ضمانت صادرات ایران را از داخل استان و از طریق اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی یزد پیگیری کنند. به گفته برهانی در آینده نزدیک همایش آموزشی آشنایی با صندوق ضمانت صادرات ایران و حیطه عملکردی این صندوق نیز برگزار خواهد شد. وی افزود: این همایش آموزشی با هدف استفاده بیشتر از خدمات صندوق، با حضور کارشناسان صندوق ضمانت صادرات ایران در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی یزد برگزار خواهد شد.

آگهی مناقصه عمومی (دو نوبته - یک‌مرحله‌ای)

نوبت دوم
شناسه ۱۵۲۷۰۲۱

سازمان عمران شهرداری قزوین در نظر دارد نسبت به **انتخاب پیمانکار، جهت حمل، پخش و کمپکت آسفالت ماشینی معابر اصلی و فرعی (ماشین رو) سطح منطقه یک و سه و سطح شهر (در صورت لزوم) قزوین از محل اعتبارات داخلی طی مدت ۳ ماه (سه ماه)** بر مبنای قانون برگزاری مناقصات به شرح جزئیات مندرج در اسناد مناقصه و با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir). از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. متقاضیان می‌توانند پس از انتشار آگهی جهت آگاهی و دریافت اسناد مناقصه به آدرس اینترنتی فوق مراجعه نمایند.

برگزاری مناقصه صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد و کلیه مراحل فرآیند مناقصه شامل دریافت اسناد مناقصه، پرداخت تضمین شرکت در مناقصه، انصراف از شرکت در مناقصه، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکات، اعلام به برنده، پذیرش برنده بودن، پرداخت تعرفه سامانه و ... در بستر سامانه می‌باشد.

پاکات «الف»، «ب» و «ج» می‌بایست در سامانه بارگذاری و اصل تضمین شرکت در مناقصه (پاکت «الف») به مبلغ ۱/۲۵۰/۱۵۰/۰۰۰ (به حروف یک میلیارد و دویست‌وپنجاه میلیون و صدوپنجاه هزار ریال) به دبیرخانه سازمان عمران شهرداری قزوین تحویل گردد.

هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آدرس: قزوین - چهارراه عمران - طبقه فوقانی شهرداری منطقه دو

تلفن تماس: ۰۲۸-۳۳۳۶۶۱۳۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

سازمان عمران شهرداری قزوین

آگهی مناقصه عمومی (دو نوبته - یک‌مرحله‌ای)

نوبت دوم
شناسه ۱۵۲۷۰۲۵

سازمان عمران شهرداری قزوین در نظر دارد نسبت **به انتخاب پیمانکار، جهت پخش و کمپکت آسفالت ماشینی کمربندی شرق شهر قزوین از محل اعتبارات داخلی طی مدت ۲ ماه (دو ماه)** بر مبنای قانون برگزاری مناقصات به شرح جزئیات مندرج در اسناد مناقصه و با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir). از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. متقاضیان می‌توانند پس از انتشار آگهی جهت آگاهی و دریافت اسناد مناقصه به آدرس اینترنتی فوق مراجعه نمایند.

برگزاری مناقصه صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد و کلیه مراحل فرآیند مناقصه شامل دریافت اسناد مناقصه، پرداخت تضمین شرکت در مناقصه، انصراف از شرکت در مناقصه، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکات، اعلام به برنده، پذیرش برنده بودن، پرداخت تعرفه سامانه و ... در بستر سامانه می‌باشد.

پاکات «الف»، «ب» و «ج» می‌بایست در سامانه بارگذاری و اصل تضمین شرکت در مناقصه (پاکت «الف») به مبلغ ۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (به حروف دو میلیارد و پانصد میلیون ریال) به دبیرخانه سازمان عمران شهرداری قزوین تحویل گردد.

هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آدرس: قزوین - چهارراه عمران - طبقه فوقانی شهرداری منطقه دو **تلفن تماس: ۰۲۸-۳۳۳۶۶۱۳۱**

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

سازمان عمران شهرداری قزوین

شنبه
۲۴ تیر ۱۴۰۲- ۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ - ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۳- شماره ۲۳۶۰- پیاپی ۳۶۷۸

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»

مدیرمسئول: عاطفه خسروی

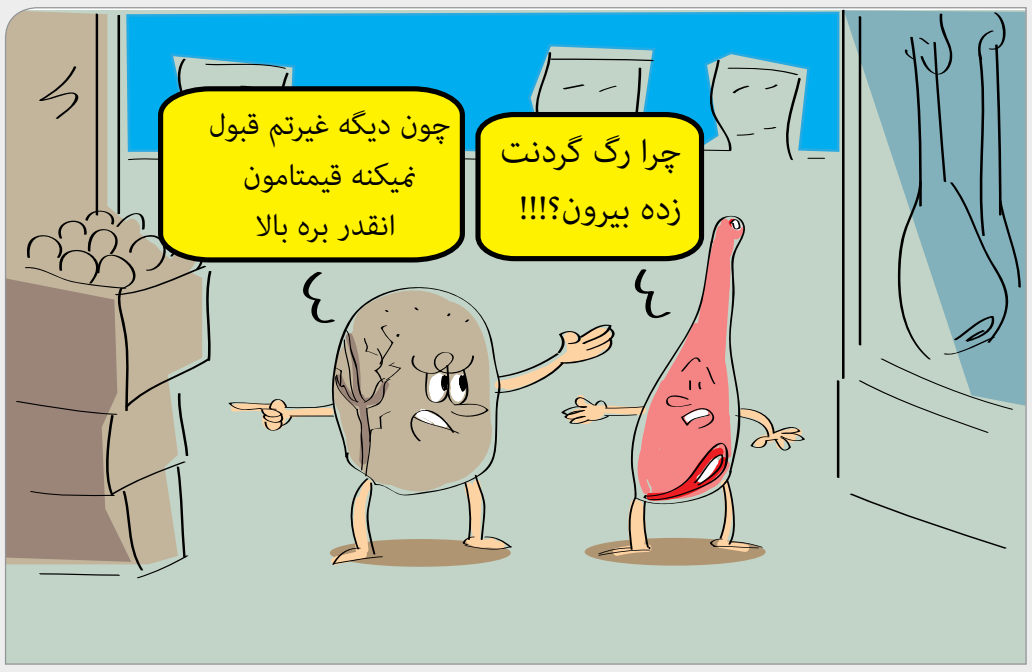
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۲ - ۰۹۹۹۹۱۹۵۷۶۱
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com
تلفن: ۸۲۱۹۰ - نمابر:(داخلی-۱۰۴) پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰
امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۷۳۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵
تهران، خیابان قائم‌مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کد پستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir
امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir
چاپخانه: امید نشر و چاپ ایرانیان

www.smtnews.ir info@smtnews.ir
telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper
tozi.smtnews@gmail.com

روزنامه صمت با رتبه ۱
در میان روزنامه‌های تخصصی مقام ۱
در میان روزنامه‌های اقتصادی مقام ۲

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده



جایگاه تعامل سه‌جانبه در «تامین اجتماعی» ایران

امیرعباس آذرموند: نظام تامین اجتماعی ایران در سال ۱۳۳۱ پایه‌گذاری شد و با وجود قدمت این سازکار، سازمان تامین اجتماعی ایران با مشکلات جدی مواجه است. سازکار اداره این سازمان و صندوق‌ها و شرکت‌های زیرمجموعه و تصدی دولت بر این مجموعه‌ها در کنار روش تامین مالی دارای مشکلات زیادی است. به گزارش صمت موضوعات مهمی چون سه‌جانبه‌گرایی و گفت‌وگوی اجتماعی میان شرکای اجتماعی صندوق‌های بازنشستگی همواره مورد توجه نهادهای مهم بین‌المللی چون سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه بین‌المللی تامین اجتماعی قرار داشته است.این موضوع ضمن تعمیق بهره‌مندی از هم‌اندیشی و دیدگاه‌ها و نظرات دولت، تشکل‌های کارگری و نهادهای کارفرمایی، مانع از غلبه یکی از این شرکای اجتماعی بر سیاست‌های تامین اجتماعی می‌شود. صمت در تحلیل پیش‌رو با تکیه بر پژوهش مرکز پژوهش‌های اسلامی به ساختار سه‌جانبه‌گرایی در سازمان تامین اجتماعی و ضرورت اصلاحاتی در این ساختار پرداخته است.

توجه ILO به ساختار تامین اجتماعی

اهمیت ساختار تامین اجتماعی در حوزه روابط کار تا جایی است که سازمان بین‌المللی کار (ILO) یکی از ۴ استراتژی خود برای آغاز قرن ۲۱ را به موضوع تقویت سه‌جانبه‌گرایی و گفت‌وگوهای اجتماعی اختصاص داد و دپارتمانی را با عنوان «دپارتمان حکمرانی و سه‌جانبه‌گرایی» ایجاد کرد. با وجود پیوستن زودهنگام ایران به سازمان جهانی کار، سه‌جانبه‌گرایی در ایران همواره با چالش روبه‌رو بوده است؛ اگرچه نقض این تعامل سه‌گانه با فراز و فرودهای متفاوتی روبه‌رو بوده اما در یک دهه اخیر به سیطره کامل دولت بر این حوزه منتهی شده است. عیان بودن این مسئله تا آنجاست که از معدود مواردی در حوزه رفاه و تامین اجتماعی تلقی می‌شود که اجماع کارشناسی درباره آن وجود دارد و شرکای اجتماعی در اغلب مطالعات، هر نوع اصلاح در نظام بازنشستگی را منوط به استقرار سه‌جانبه‌گرایی دانسته‌اند.

تعریف سازمان جهانی کار از سه‌جانبه‌گرایی

سازمان جهانی کار سه‌جانبه‌گرایی را تعامل میان دولت، کارفرمایان و کارگران، از طریق نمایندگان آنان، در جایگاه شرکای مستقل و برابر با هدف یافتن راهکارهایی برای مسائل و دغدغه‌های مشترک‌شان، تعریف کرده است. از آنجا که این ۳ گروه با نسبت‌های متفاوت، سهامداران صندوق تامین اجتماعی تلقی می‌شوند، انتظار می‌رود پایداری و بهبود وضعیت صندوق نیز به مثابه دغدغه مشترک آنها از طریق سه‌جانبه‌گرایی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. آنچه در این میان مورد مجادله قرار می‌گیرد، شیوه مناسب مشارکت میان شرکای اجتماعی است. اگر بیشتر بر تعداد نمایندگان به‌عنوان مهم‌ترین موضوع مشارکت ذی‌نفعان تاکید می‌شود اما به نظر اصالت نمایندگی و کیفیت مشارکت نمایندگان از اهمیت بالاتری برخوردار است.

سهم‌دهی در سه‌جانبه‌گرایی

در این فرمول سهم‌دهی و سهم‌خواهی، برخی طرفدار سهم بالاتر نمایندگان دولت از نظر تعداد بر دو طرف دیگر هستند چراکه تاکید دارند دولت نقش تضامنی دارد و لازم است نقش موثرتری در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشد. برخی نیز بر این باورند که اگر سهم دولت در این میان با دیگران برابر باشد، دیگر در قبال این صندوق‌ها به دلیل مسئولیت کمتر، پاسخگویی نخواهد داشت. گروهی دیگر به برقراری تناسب براساس میزان مشارکت تاکید دارند که عموما در زمره کارفرمایان قرارمی‌گیرند. این گروه با توجه به سهم حق بیمه که شامل سهم ۲۰ درصدی کارفرما در برابر سهم ۷ و ۳ درصدی کارگر و دولت می‌شود، بر این باورند که باید نمایندگان کارفرما نقش مهم‌تری در تصمیم‌گیری‌های مربوط به صندوق بیمه اجتماعی داشته باشند. در نهایت گروه سوم به برابری سهم هر یک از شرکای اجتماعی و دستیابی به تصمیمات مورد قبول همه ذی‌نفعان باور دارند. بیشتر گروه‌های کارگری رسمی از این ایده حمایت می‌کنند و در اساس سه‌جانبه‌گرایی را منوط به برابری سهم هر یک از اعضا می‌دانند.

نظر مرکز پژوهش‌های مجلس

از نظر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بررسی تمام جهات نشان می‌دهد بدون هیچ تردید دیدگاه سوم رویکرد مناسب‌تری دارد که به مشارکت عادلانه میان همه منتهی خواهد شد. رویکرد نخست، می‌تواند به تقویت مداخلات سیاسی در امور صندوق‌های بازنشستگی منجر شود؛ برای مثال در دهه ۹۰ تصمیم‌گیری درباره بخش سرمایه‌گذاری صندوق تامین اجتماعی در اختیار وزارت کار قرار گرفته است و مدیران صندوق نقش چندانی در راهبری آن ندارند. این موضوع ممکن است تا حدی استقلال اداری و مالی صندوق را مخدوش کند. از سوی دیگر مفروض رویکرد دوم نیز پیروزی از نوعی نگرش سهامداری است که جانبدار سرمایه‌دار است و خواهان مطیع بودن نیروی کار. درحالی‌که پیشینه سه‌جانبه‌گرایی حاکی از آن است که موضوع یادشده بر نوعی تعاونی است که در آن، تصمیم‌گیری و راهبری در این حوزه، نه براساس میزان سهام، بلکه منطبق با نوعی کنترل دموکراتیک انجام می‌شود به‌ویژه آنکه صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی براساس همبستگی بنا شده که در آن توزیع ریسک افقی میان همه اعضای صندوق و عمودی میان نسل‌های مختلف صورت می‌گیرد؛ بنابراین میزان مشارکت در حق بیمه، فاقد تاثیر بر تصمیم‌گیری در این زمینه است.

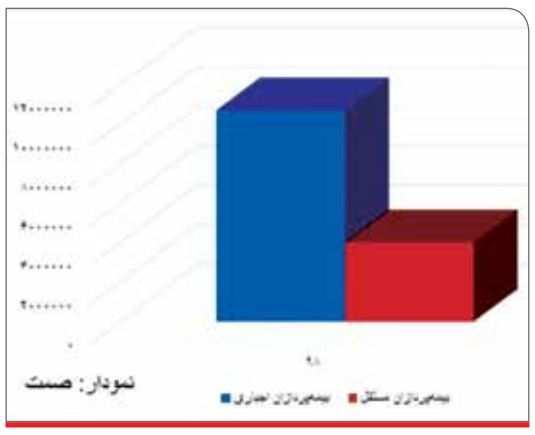
منابع درآمدی و هزینه‌ای سازمان همخوانی ندارد

تامین مالی یکی از مشکلات اساسی سازمان تامین اجتماعی است. با توجه به منابع درآمدی سازمان تامین اجتماعی و هزینه‌های مربوط به بازنشستگی، از کار افتادگی، بازماندگان، بیکاری و بیمه سلامت، بسیاری معتقدند این منابع قادر به پوشش هزینه‌های سازمان تامین اجتماعی نیست. منابع درآمدی سازمان عبارتند از: حق بیمه مربوط به حقوق و دستمزدها که با استناد بر فهرست دستمزد کارکنان از شرکت‌ها دریافت می‌شود. علاوه‌بر این، به استناد مواد ۳۸ و ۴۱ قانون تامین اجتماعی، حق بیمه قراردادهای پیمانکاری نیز از فعالان بخش خصوصی وصول می‌شود.

حق بیمه، چالش اصلی کسب‌وکار

طبق گزارش‌های منتشر شده از مشکلات محیط کسب‌وکار، پرداخت حق بیمه تامین اجتماعی از چالش‌های مهم محیط کسب‌وکار کشور محسوب می‌شود. گزارش بانک جهانی، کسب رتبه ۱۴۴ در نماگر پرداخت مالیات وضعیت نامناسب تعامل سازمان تامین اجتماعی با کسب‌وکارها را نشان می‌دهد. همچنین امتیاز نامناسب مولفه رویکردهای سختگیرانه اداره‌های کار و بیمه تامین اجتماعی برای مدیریت نیروی انسانی در گزارش پایش محیط کسب‌وکار ایران که به‌صورت فصلی توسط اتاق بازرگانی تهیه می‌شود، انعکاس دیگری از نارضایتی فعالان اقتصادی از عملکرد سازمان تامین اجتماعی است.

از سوی دیگر، گستره کسب‌وکارهایی که در تعامل با سازمان تامین اجتماعی هستند نیز بسیار وسیع است به نحوی که براساس سالنامه آماری سازمان تامین اجتماعی، تعداد بیمه‌پردازان اجباری این سازمان بیش از ۱۰ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بوده است. همچنین افرادی که به‌صورت مستقل اقدام به فعالیت می‌کنند و کارفرمای مشخصی ندارند مشمول بیمه‌های خاص سازمان تامین اجتماعی می‌شوند که جمعیتی بیش از ۴ میلیون نفر را دربر می‌گیرد. اینها بیانگر اهمیت ویژه و اثرگذاری بالای شیوه تعامل سازمان تامین اجتماعی بر محیط کسب‌وکار و تولید کشور است.



مغایرت‌های قانونی که به ضرر تولید تمام می‌شود

تعدد بخشنامه‌ها، دستورالعمل و آیین‌نامه‌های سازمان تامین اجتماعی به سد عظیمی در برابر کسب‌وکارها به‌ویژه کسب‌وکارهای نوپا بدل شده که تولیدکنندگان سال‌هاست درخواست اصلاحاتی در این قوانین دارند.

ماده ۴۱ قانون تامین اجتماعی، اقدام به تعیین درصدهایی برای قراردادهای پیمانکاری کرده که براساس آن درصدها، حق بیمه دریافت می‌شود. تعیین درصد و تدوین بخشنامه‌های مرتبط نیز برعهده سازمان تامین اجتماعی است. مبلغ حق بیمه در این حالت که به‌اصطلاح حق بیمه قرارداد نامیده می‌شود و بسته به اینکه قرارداد عمرانی یا غیرعمرانی باشد، درصدی از قرارداد به‌صورت یکجا به‌عنوان حق بیمه اخذ می‌شود. وجود امکان مذاکره در زمینه ضریب انتخاب شده، عدم انطباق درصد درنظر گرفته شده با میزان حق بیمه واقعی، نگه داشتن بخش قابل‌توجهی از مبالغ قراردادهای پیمانکاری به منظور اطمینان از پرداخت حق بیمه قرارداد و... مشکلات متعددی را برای فعالان اقتصاد در این بخش ایجاد کرده است. از سوی دیگر این قانون با اصل ۸۵ قانون اساسی مغایر است که حل آن نیازمند مداخله مجلس است. اختیارات بازرس و کارمند شعبه تامین اجتماعی برای تعیین ضریب حق بیمه، یکی دیگر از معضلات کسب‌وکارها است. علاوه‌بر نقش همزمان سازمان تامین اجتماعی که موجب تعارض منافع ساختاری می‌شود، قائم به شخص بودن وصول حق بیمه امکان فساد را بیشتر می‌کند.

براساس ماده ۴۵ قانون تامین اجتماعی نحوه تسلیم اعتراض و درخواست تجدیدنظر و تشکیل جلسات هیات‌ها و ترتیب رسیدگی و صدور رأی و ابلاغ، به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد هیات‌مدیره سازمان به تصویب شورای‌عالی سازمان تامین اجتماعی خواهد رسید که این امر با روح اصل ۸۵ قانون اساسی مغایرت دارد. همچنین مطالبات سازمان بابت حق بیمه و خسارات تاخیر و جریمه‌های نقدی طبق مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی مطالبات به وسیله ماموران اجرای سازمان قابل وصول است و آیین‌نامه اجرایی این موضوع نیز از سوی سازمان تامین اجتماعی تهیه شده و به تصویب وزارت رفاه اجتماعی و وزارت دادگستری می‌رسید. با توجه به این موضوع سازمان تامین اجتماعی نقش موثری در تدوین تشریفات دادرسی و شیوه اجرای احکام توسط سازمان تامین اجتماعی برعهده دارد.

ماده ۴۷ قانون تامین اجتماعی به مسئله حسابرسی از دفاتر و اسناد کارفرما اختصاص دارد. این حسابرسی‌ها و زمان‌بندی آن فاقد هرگونه قاعده بوده و در عمل هر زمان که سازمان بخواهد انجام می‌شود. شاید بتوان گفت بیشتر بازرسی‌های انجام‌شده برای بررسی مدارک مربوط به سال‌ها قبل بوده و حتی مواردی وجود دارد که نمایندگان سازمان خواستار بازرسی دوره زمانی بیش از ۱۰ سال گذشته شده‌اند. در موارد گوناگون نتیجه این حسابرسی‌ها تعیین مبلغ قابل‌توجهی بدهی برای کارفرماست که پرداخت آن برای واحد اقتصادی مشکلاتی ایجاد می‌کند.

علاوه‌بر تمام موارد یادشده یکی از مشکلات موجود در نظام‌های بیمه کشور، نگرانی از احقاق حق کارگران بیمه نشده است. به عبارت بهتر، در فرآیندهای فعلی ممکن است برخی کارگران توسط کارفرما بیمه نشوند و حقوق آنها ضایع شود. درحال‌حاضر طبق ماده ۱۴۸ قانون کار، کارفرمایان مکلف هستند کارگران خود را بیمه کنند. همچنین براساس ماده ۱۸۳ قانون کار، کارفرمایانی که از این کار خودداری کنند جریمه می‌شوند. اما سازکار دقیقی برای شناسایی کارفرمایانی که از بیمه کارگران خودداری کرده‌اند وجود نداشته و این امر به فرآیند شکایت کارگر از کارفرما موکول شده است.

یادداشت



شناسایی دقیق قشر آسیب‌پذیر

مهدی کرباسیان
مدیرعامل اسبق سازمان تامین اجتماعی

هفته تامین اجتماعی و بهزیستی مانند تمام هفته‌هایی که برای بزرگداشت تصویب شده و در تقویم رسمی قرار گرفته، از یک سو برای تقدیر و تشکر از کلیه مدیران، کارکنان و دست‌اندرکاران دو سازمان مهم تامین اجتماعی و بهزیستی کشور و در کل برای قدردانی از کسانی که در این راستا فعالیت می‌کنند و از سوی دیگر برای توجه به بخشی از جامعه که با مشکل معاش و مشکلات جسمی و معلولیت روبه‌رو هستند، است. هدف دوم از نام‌گذاری این روز و هفته در تقویم و پاسداشت آن، این است که تمام مسئولان کشور و مردم به این دو حوزه توجه کرده و حمایت بیشتری از این دو سازمان مهم و افراد تحت پوشش آنها صورت پذیرد. حمایت وسیع‌تر از سازمان تامین اجتماعی و توجه بیشتر به منابع درآمدی آن از جمله مواردی است که باید در دستور کار دولت و مجلس شورای اسلامی قرار گیرد؛ به‌عبارت دیگر پرداخت بدهی‌های این سازمان مهم و کمک به مدیران و دست‌اندرکاران سازمان تامین اجتماعی از ضرورت‌هایی است که باید با هدف ارائه خدمات بیشتر و مناسب‌تر به افراد تحت پوشش، صورت پذیرد. ترکیب بیمه‌شدگان سازمان تامین اجتماعی را بیشتر کارگران و کارکنانی تشکیل می‌دهند که مشغول فعالیت در بخش غیردولتی هستند و برای سربلندی و توسعه کشور در بخش‌های مختلف تولید و خدمات به ارائه خدمت می‌پردازند. بدون شک تامین آرامش فکری این قشر از جامعه منجر به ارتقای بهره‌وری شده و در نهایت رونق تولید را به‌دنبال خواهد داشت. در این صورت حتی مسیر توسعه نیز هموارتر خواهد بود و در نقطه مقابل کارفرمایان نیز با آرامش خاطر از نیروی کار، از تمام ظرفیت فکری و کاری خود در راستای تامین سرمایه و یافتن راهکار رونق تولید استفاده خواهند کرد. در گام بعد آرامش حاکم در زمینه بازنشستگی نیز به نیروی کار نسبت به آینده اطمینان خاطر می‌دهد و مجموع این عوامل به یک نکته کلیدی می‌رسد و آن اینکه نیروی شاغل نیز از تمام ظرفیت کاری و فکری خود در راستای بهبود کار و ارتقای کیفیت و کمیت تولید بهره خواهد برد. درحال‌حاضر نیمی از جمعیت کشور یعنی بیش از ۴۰ میلیون نفر از افراد بیمه‌شده مستقیم و افراد تحت تکفل آنها زیر پوشش خدمات سازمان تامین اجتماعی کشور قرار دارند. در صورت اعمال حمایت‌های لازم و برنامه‌ریزی درست، نیمی از جمعیت کشور با آرامش از حمایت‌های درمانی و حوادث ناشی از کار و بازنشستگی، به تولید توجه خواهند داشت. بدون شک توجه به این قشر به‌معنای توجه به تولید و حمایت از اشتغال خواهد بود؛ به‌علاوه اینکه بخش قابل توجهی از افراد تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی را بازنشستگان تشکیل می‌دهند؛ افرادی که بعد از سال‌ها خدمت و پرداخت حق بیمه، به سال‌های بهره‌برداری از آن رسیده و تامین بسترهای لازم برای زندگی در آرامش این قشر از دیگر وظایف سازمان تامین اجتماعی و دولت است. بدیهی است که برپایه قانون اساسی و باورهای اعتقادی و انقلابی کشور، حمایت بیشتر از حوزه تامین اجتماعی جزو وظایف دولت به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر بخشی از جمعیت کشور نیز خارج از پوشش تامین اجتماعی بوده و با مشکل اشتغال و زندگی عادی مواجهند؛ این افراد تحت پوشش خدمات سازمان بهزیستی بوده و این سازمان نیز حسب تکلیف قانونی، موظف به ارائه خدمات و حمایت از این بخش است. با وجود اهمیت این بخش، سازمان بهزیستی همواره با کسر بودجه مواجه است و هرگز موفق به دریافت بودجه مناسب نشده است. مهم‌ترین راهکار حمایت عملی از این بخش، تخصیص بودجه مورد نیاز است. تحت تاثیر همین شرایط بخش بزرگی از افراد تحت پوشش سازمان بهزیستی مشکلات جدی در تامین مسکن، دارو و حداقل‌های زندگی و معاش دارند. البته خیرین در قالب تشکل‌های مردم‌نهاد یا حتی به‌طور مستقیم و فردی نقش اساسی در حمایت و کمک به سازمان بهزیستی دارند، اما سوال مطرح آن است که آیا ارائه این خدمات و حمایت‌ها وظیفه مردم و خیرین است یا وظیفه دولت و حاکمیت؟ دولت و حاکمیت باید نقش اصلی و کلیدی در حمایت از اقشار تحت پوشش سازمان بهزیستی داشته و در کنار دولت و حاکمیت، حمایت‌های خیرین می‌تواند در راستای رفع نیاز این گروه انجام گیرد؛ روندی که در کشور ما به‌درستی برنامه‌ریزی و اجرا نمی‌شود. متاسفانه روندی که در کشور ما وجود دارد، موازی‌کاری سیستم‌ها و نهادهای حمایتی است. با این رویه کمک‌رسانی گاهی بخشی از افراد نیازمند از حمایت‌های چندجانبه برخوردار شده و بخشی دیگر از دریافت کمک محروم می‌مانند. توزیع نامناسب و ضعف در شناسایی نیازمندان واقعی از دیگر مشکلاتی است که با موازی‌کاری نهادها و سیستم‌های حمایتی ایجاد می‌شود، این در حالی است که با تجمیع و نظام‌مندی سیستم حمایتی می‌توان موثرتر در خدمت این قشر محروم قرار گرفت. برای تحقق این مهم باید از حرکت‌های نمایشی و تبلیغاتی دوری کرد و با تمرکز بر اصل «حمایت» سازمان‌ها و نهادهای یاری‌رسان در سازمان بهزیستی به‌عنوان سازمان مرجع تجمیع شوند. مزیت مهم این تجمیع آن است که می‌توان با پالایش لازم، مردم خیر را برای حمایت و کمک‌رسانی تشویق کرد. علاوه بر موارد یادشده نکته کلیدی و مهم دیگری نیز وجود دارد که در صورت اجرا می‌توان بسیاری از مشکلات این حوزه را حل کرد. اجرای صحیح و اصلاح روند طرح هدفمندی یارانه‌ها مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نکته در حل مسئله محرومان و نیازمندان است. جهت‌گیری طرح هدفمندی یارانه‌ها باید حمایت از نیازمندان و محرومان و اقشار آسیب‌پذیر باشد. قانون هدفمندی یارانه‌ها درحال‌حاضر به‌شکل ناقص اجرا می‌شود و اگر این قانون براساس اهداف اولیه و به‌درستی اجرا شود، بخش بزرگی از مشکلات حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نیازمند حل خواهد شد. بدیهی است در گام نخست باید شناسایی دقیق قشر آسیب‌پذیر صورت گیرد.

